

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

۳۲ صفحه

۸۸

# پیکار

سال دوم - دوشنبه ۱۵ دی ۱۳۵۹ به ۳۰ ریال

در صفحات دیگر این شماره:

"افزایش تولید": راه کارگر بدنبال رویزونیستهای اکثریت صفحه ۳

"مرگ بر بختیار، نوکر بی اختیار" صفحه ۳۰

تفک های ننه کارار: ضرورت شرکت در نبرد طبقاتی صفحه ۱۹

بیزاد نبوی سخنگوی رژیم، مارکسیستها: سرکوب رویزونیستها: آزاد صفحه ۲۲

اخبار جنگ - گزارشی از وضعیت آوارگان جنگ صفحه ۱۶

ضمیمه این شماره

## پیام کمیته مرکزی

### سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

### به سازمان مجاهدین خلق ایران

و پاسخ به یاوه گوئیهای رویزونیستهای فدائی (اکثریت)

## مسئله گروگانها:

### خانه ای برفی که آب شد

زمانیکه رجائی نخست وزیر "مکتبی" و "مدا میریالیست" دو آتشه جمهوری اسلامی در سفر اخیرش به نیویورک و شرکت در سازمان ملل عذرخواهی آمریکا از ایران را به عنوان "گامی در جهت جلوگیری از تخاصم و ربه ایران و یکی از مراحل توبه و نشانه تکامل معنوی آمریکا" اعلام کرد، هر آدم عاقلی میتواند بفهمد که این اظهار نظر سریع و روشن به معنی چراغ سبزی است از سوی ایران جهت حل مسئله گروگانها و در همین رابطه تا مین شرایط مناسب برای بهبود و گسترش روابط ایران و آمریکا .

بقیه در صفحه ۲

## ساواکها

### در زندان:

جاسوسی برای جمهوری اسلامی و تلاش برای احیاء ساواک

صفحه ۲۱

## محاصره اقتصادی کردستان

### و جنبش مقاومت خلق کرد

صفحه ۶

## بهشی

### ویکی از پرونده های خیانت او

### در سفارت امریکا

صفحه ۹

## از اشغال نظامی افغانستان یکسال گذشت

### افغانستان گورستان تجاوزگران روسی

صفحه ۱۳

## چین: کمونیستها رویزونیستها را افساء میکنند

صفحه ۲۵

## اعتصاب پیروزمند

رانندگان منطقه ۴ شرکت واحد

صفحه ۳۱

## بخشی از بیانیه "سازمان دانشجویان و دانش آموزان پیکار"

### اوج نوین جنبش دانشجویی - دانش آموزی و وظایف مبرم ما

صفحه ۷

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران



بقیما صفحه ۱  
سرمقاله...

روندا واقع با وضوح بیشتری حقیقت فوق را آشکار ساخت. بدنبال مراجعت رجایی از آمریکا، مجلس شورای اسلامی درست دو روز قبل از انتخابت ریاست جمهوری آمریکا با تعیین ۴ شرطی که همه از آن آگاهی دارند، آزادی گروهگانی را تا شنیدن و دولت آمریکا، در عین حال که از شرایط جدید ایران را ضعیف بنظر میرسد و این رفتارها با ظواهرها از زبان کارتر و سخنگوی وزارت خارجه برای زکود، کوشید تا با استفاده از نیا زهای تسلیماتی ایران، بویژه در شرایط جنگی کنونی و تا مین برخی از این نیا زها و اساسا به انکار و بستگی سیستم سرمایه داری ایران و ما هیت رژیم جمهوری اسلامی آنرا در یک موضع کاملاً دفاعی قرار داده و بجای برآورده ساختن شرایط مورد نظر ایران، شرایط خود را به ایران تحمیل نماید.

رژیم جمهوری اسلامی نیز که دیگر نیازی به گروهگانی نداشت و بهره برداری مورد نظر خویش را از این مسئله در جهت تعمیق و فریب توده ها و فرو نشاندن عطف فدا مهربان لیستی آنها و ممانعت از رشد و گسترش مبارزه و فروریختن توهمشان نسبت به رژیم حاکم، کرده بود و مهمترین راه برای بازسازی سیستم سرمایه داری و بسته، نیا زمند بهبود و گسترش روابط با مهربان لیست آمریکا بود، با زبونی تمام موشن دادن به سازش غفتم... با ربا مهربان لیست، کوشید تا خود را از "شر" گروهگانی بهر ترتیب که شده برهانند و این بار از آزادی گروهگانی جداگانه استفاده در از مره بود و گسترش رابطه با آمریکا ببرد.

آخرین بخش سناریوی جل مسئله گروهگانی را، رجایی نخست وزیر "مکتبی" اینطور ارائه میدهد:

"انشاء الله میدوایم که بزودی مسئله ای بنا مگروهگانی نداشتن با شیم... زیرا هم - چنانکه قبلاً گفته ایم این مسئله برای ما بصورت یک مسئله مرده ای است، برای اینکه دیگر از دست و پا گیری وقت گذرانی بیرون آمده باشد، جوایبی تهیه کرده ایم که بعنوان آخرین پاسخ بوسیله نماینده دولت الجزایر که برای همین منظور به ایران آمده است، بدولت آمریکا اعلام خواهم کرد. دیگر این آمریکا است که می تواند در هر موقع با هر روز برای عید با تولد با هر مسئله ای که میخواهد جاسوسان را از ایران ببرد (جمهوری اسلامی ۲۶ آذر) زهی وقت و بیشترین! رژیمی که ۱۴ ماه تمام از واقعه سفارت تا با مرز پیش از آن داد سخن از مبارزه با مهربان لیست آمریکا میداد و سردمداران آن خواستار با مطلع محاکمه جاسوسان و مهربان لیست نبودند و در همین رابطه

کمونیستهای را که برده عوام فریبی رژیم را می دیدند، "فدائولایی" خوانده و سرکوب میکردند، امروز با غفتم و خواری تمام خواستار آنند و از مهربان لیست آمریکا عاجزانه میخواهند تا با سپردن تضمینی به دولت الجزایر هر زمان که میخواهند گروهگانی را از ایران خارج کنند. رژیم جمهوری اسلامی که در عوام فریبی گسوی سبقت را از رژیمها برده و روز و شب رنگهای تبلیغاتی آن ورد مپا زده فدا مهربان لیستی سر میدهند و مدعی به زانو در آوردن "شیطان بزرگ" هستند، امروز بیش از هر موقع دیگر دست خود را رومیکند، و برای برقراری رابطه با آمریکا و گسترش آن حاضر است به هر گونه سازش غفتم باری تن در دهد.

نخست وزیر، معاون او و سایر سردمداران رژیم جمهوری اسلامی، در روزهای اخیر مزورانه کوشیده اند تا ذهن توده ها را حتی نسبت به شرایط بسیار نازل و چپا رنگانه ای که در ابتدای امر مجلس جهت آزادی گروهگانی مقرر کرده بود، منحرف ساخته و سپردن تضمین ۲۴ میلیارد دلاری آمریکا در نزد دولت الجزایر بجای آن قرار دهند و دولت با تر آژن حتی همین تضمین ۲۴ میلیارد دلاری را تحت فشار آمریکا و بدخواهان و به میزان بسیار زلتی کاهش دهند!

روزنامه اطلاعات ۱۱ دیماه ضمن اعلام آخرین نتایج مربوط به آزادی گروهگانی مینویسد: "به گفته محافل وابسته به وزارت خارجه آمریکا، واشنگتن پیشنهاد کرده است که مبلغی در حدود ۶ تا ۸ میلیارد دلار به حساب مسدود شده در الجزایر واریز کنند تا به محض آنکه ۵۲ گروهگانی به مقامهای آمریکائی تحویل داده شدند به حساب دولت ایران انتقال داده شود." دست مریزاد! واقعا هم که جا دارد این مبارزه "فدا مهربان لیستی" رژیم جمهوری اسلامی از طرف رئیس جمهور و دیگر مقامات آمریکا مورد تأیید قرار گیرد و مهربان لیستهای آمریکائی مسرت فراوان خود را از جل شدن مسئله گروهگانی و نتایجی که بسیار خواهد آورد، بپردازند

روزنامه فوق الذکر در این مورد میگوید: "کارتر تا کید کرد که آمریکا بوسیله نمایندگان الجزایر بر پیشنهادی عاقلانه ای برای پایان دادن به مسئله گروهگانی آنها ارائه داده است و افزود: خیال میکنم که بنفع ایران و مسلمانان بنفع ایالات متحده است که پیشنهادی تازه ما را بپذیرند."

این روزنامه اضافه میکند: "وارن کریستوفر معاون وزارت امور خارجه آمریکا دیروز اعلام کرد: با سخنان تازه ایالات متحده به تهران میتوان اند حلال بحران گروهگانی باشد." اکنون توده ها رژیم جمهوری اسلامی و سردمداران آنرا محاط قرار میدهند و از آنها

میسرسند که راه حل آمریکا برای بحران گروهگانی چه چیزی جز قبول شرایط آمریکا و در یک کلام سازش غفتم با ربا مهربان لیست و صحنه گذاشتن بر تمام روابط مهربان لیستی آمریکا و ایران و بازسازی سیستم سرمایه داری در ایران میتواند باشد؟ و صد البته که پذیرش چنین شرایطی از سوی ایران، نه یک امر تصادفی و فرعی، بلکه بعنوان جزئی از سیاست عمومی این رژیم در ارتباط با ما هیت ضد خلقی و سرمایه داران آن قابل تحلیل بوده و از همین رو کمونیستهای راستین بر خلاف رویزینیستهای و پورتونیستهای راستین نیروهای ناپیگیر دموکرات با حرکت و درک اصولی از ما هیت طبقاتی قدرت سیاسی حاکم از همان فردای قیام هیچگونه مشروعیتی برای هیئت حاکمه کنونی (در هر شکل و ترکیب آن) فاقد نبوده و پیگیرانه به افشای ما هیت و عمل کردهای خائنه و خبیانه انکارانه رژیم جمهوری اسلامی و رنگهای سرکوب آن، در نزد توده ها برداشته و می پردازند. در همین رابطه کمیته های راستین اقدام عوام فریبانه و با مطلع فدا مهربان لیستی اشغال سفارت را از سوی جناحی از هیئت حاکمه وقت، بدرستی برای توده ها توضیح داده و هدف های ضد خلقی ابراهیم رژیم جمهوری اسلامی از این اقدام بدنبال میکرد، بطول ۱۵ ماه گذشته افشا کرده و خواهند کرد.

هرگاه کارگران و زحمتکشان میهن ما در گذشته و ابتدای کار در برخورد به هیئت حاکمه و ما هیت آن بدلائل مختلف دچار توهم و غش باوری بودند و واقعاً تصور میکردند این رژیم قادر است به خواستهای اساسی آنها پاسخ گوید لیکن با گذشت زمان و در پرتو تجربه روزمره خویش و به برکت کارگزاران که کمونیستها به تدریج دریا فته و درمی یابند که این رژیم نه میخواهد و نه میتواند، یک رژیم فدا مهربان لیست باشد.

اعتماد کارگران، راهبیمائی و نظاهرات زحمتکشان و آوارگان، مبارزه مسلحانه خلق کرد جنبش و جگیرنده دانش آموزی و معلمان در مدارس... همه و همه بیانگر جدت پایی مبارزه طبقاتی و سمت روبه رشد جنبش توده ای و ضعف و تنزل رژیم سرکوب این جنبش و تشبیهت قدرت ماشین دولتی است، بگذار لیبرالها و حزببها، بنی صدها و بیشتیها بجان هم بیفتند توده ها در روند تکامل مبارزه طبقاتی خویش و با رهبری پرتوان پرولتاریا هر دو جناح ارتجاعی و کل هیئت حاکمه را به زیاده دانی تاریخ خواهند افکند و بیرونیهای سیستم سرمایه داری کنونی، بنای جمهوری دموکراتیک خلق و سپس نظام سوسیالیستی را بی خواهند ریخت، آنروز دور نیست.

برقرار با جمهوری دموکراتیک خلق!

آزادی گروهگانی، مقدمه ای برای وابستگی بیشتر به آمریکا است



# جنبش کارگری



## ”سمینار انجمنهای اسلامی“ کارخانجات: نوطئه چینی بر علیه کارگران

روزهای ۲۶ تا ۲۸ آذرماه: “سمینار” انجمن - های اسلامی کارخانجات در محل “خانه کارگر” تهران برگزار گردید. در این جلسات که ابتدا توسط نخست وزیر و وزیر کار افتتاح گردید، سخنرانان مختلفی صحبت کردند که در واقع همگی به تکرار یک مطلب پرداختند که ما را هدف تشکیل انجمنهای اسلامی و وظیفه انجمنهای اسلامی، میباشد. انجمنهای اسلامی که بوسیله حزب جمهوری اسلامی تشکیل و هدایت میشوند در بسیاری از کارخانجات بوجود آمده اند و وظیفه آنها سوسی برای سرمایه داران و سرکوب مبارزات کارگران را برعهده دارند. این انجمنها عمدتاً از سرپرستها، عناصردکار و کارگران منومونا آگاه، تشکیل میشوند. ما در بیگانه ۸۶ به بررسی ماهیت و وظایف ضدکارگری این ارگانها سرمایه دارانته برداختیم ما آنچه که در اینجا قابل توجه است دفاع آشکار مقامات رژیم و انجمنهای اسلامی از منافع سرمایه داران میباشد. در این جلسات به اصطلاح کارگری از چیزی که صحبت نشد خواسته - ها و منافع کارگران بود، بطور کلی هدف از تشکیل این سمینار برقرار زیر بود:

۱- هرچه بیشتر انجمنهای اسلامی را تقویت و تشبیه کنند، تا با آزادی عمل بیشتری به وظایف سرکوبگرانه و ضدکارگری خویش در کارخانجات حمله عمل بیوشانند. از همین روست که رجائی در صحت افتتاح حمله اش میگوید: “انجمنهای اسلامی نه تنها با بدما نند، بلکه باید ناخندید بقیه در صفحه ۲۶

## اخبار کوتاه کارگری

### حصارک

روز ۵۹/۸/۳۰ از طرف دولت، کارخانه کشمیر را تعدیل میکنند و حقوق و مزایای کارگران را نمی پردازند و لذا تعداد ۱۲۰۰ نفر کارگران این کارخانه بیکار میشوند. شکایات کارگران هم طبق معمول به نتیجه ای نمیرسد. بدین ترتیب عده دیگری از کارگران و زحمتکشان کشور توسط رژیم پند از کرسکی و فلاکت ناشی از بیکاری درمی غلطند.

### گیلان

بعد از مبارزات تهران ما نه کارگران کار -

## افزایش تولید: راه کارگر به دنبال رویونیستهای “اکثریت”

آنجائی که راه کارگر و رویونیستهای اکثریت در امر رورزیدن به این شعار رورزویی با یکدیگر کورس گذاشته اند، برخورداره این - فنانشان در دفاع از منافع رورزویی لازم میباشد. در شماره های ۸۵ و ۸۱ پیکار مطلبی داشتیم راجع به “افزایش تولید”، که طی آن به ما هیت سرمایه دارانه رویونیستی این شعار در شرایط موجود، اشاره کردیم، و از جمله به بررسی انحراف رویونیستی راه کارگر در این مورد پرداختیم. بقیه در صفحه ۲۶

رژیم با استفاده از جنگ ارتجاعی کنوسی فرصتی بدست آورد تا شعار “افزایش تولید” را هرچه گسترده تر تبلیغ نماید. علاوه بر رویونیستها که در این امر به یاری رژیم شتافتند، پاره ای از نیروهای متزلزل نظیر راه کارگر نیز به دام این شعار رورزویی در غلطیدند. از اینرو نشان دادن ماهیت این شعار و اینکه چگونه متزلزلات رویونیستی به دنبال روی از رویونیستها منتهی میگردد، ضرورت میباشد. ما در گذشته به این انحرافات برخورد کردیم ولی از

## مرکز گسترش خدمات تولیدی و عمرانی: حل بیکاری و کسب استقلال با عوام فریبی

داری وابسته ایران است و تا زمانی که سیستم سرمایه داری وابسته حاکم است هیچکدام از عوارض فوق و دیگر عوارض سرمایه داری قابل حل نیستند. رژیم جمهوری اسلامی که کمربند خدمت سیستم و بازسازی آن بسته است نه می خواهد و نه میتواند بنا بر برنامه های نظیر مرکز گسترش تولیدی و عمرانی به این مسائل جواب دهد. در ابتدای به اجرا در آمدن این طرح مقننار زیادی کارگزاران و دبیلیمه بیکار و... برای بدست آوردن کار به اینگونه شرکتها روی آوردند. ولی رفته رفته قول و قرارهای اولیه - سران مرکز گسترش رنگ میبازد و اعما شرکتها ی تعاونی در مقابل کوهی از مشکلات و تفا دهها قرار میگردند. علاوه بر ضعفها و مشکلات داخلی که ناشی از کم تجربگی و نداشتن برنامه هدایت کننده از طرف مرکز است، دهها بندها این شرکتها را تحت کنترل مرکز قرار داده است و کلا ایس شرکتها در متن یک سیستم سرمایه داری وابسته حرکت میکنند و طبیعی است که خود وابسته به سرمایه های بزرگ خصوصی و دولتی قرار گرفته و نتیجه تلاشهای اعما بطرق مستقیم و غیر مستقیم

مرکز گسترش خدمات تولیدی و عمرانی، ارگانی است که در بسیاری از استانهای کشور تشکیل شده و وظایف آنها قرار است که به دو مسئله بیکاری و وابستگی اقتصادی پاسخ دهد. برنامه اجرایی مرکز گسترش به این ترتیب است که دولت اعتباری در اختیار این مرکز قرار داده و مراکز گسترش در استانها از محل این اعتبار وامهاش در اختیار شرکتها ی تعاونی که از بیکاران (کارگر، دبیلیمه یا بالاتر) تشکیل شده، قرار میدهند. شرکتها ی تعاونی که تقریباً بین ۵ تا ۲۰ نفر عضو دارند، با این وام دیرگی از رشته های صنعتی، کشاورزی و با عمرانیه سرمایه گذاری میکنند. روشن نمودن ماهیت این حرکت و اهداف واقعی رژیم از آن، خودتیا ریه بحث جدا گانه ای دارد که در فرصت دیگری به آن برخورد خواهد نمود ولی آنچه مسلم است، اینست که مسئله مهم و درجه اول برای هلیت حاکمه ایران بازسازی سرمایه داری وابسته و با چنین هدفی بکار بستن برنامه های است که جریان گردش سرمایه را به نفع سرمایه داران تسهیل و تسریع نماید. مسئله بیکاری و مسئله وابستگی اقتصادی هر دو از صفات لایسک اقتصاد سرمایه به -

بقیه در صفحه ۲۸

# پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر



## کارخانه سپیمان سپاهان: دستگیری ۱۵ کارگر مبارز!

بی‌اشربودن حیل‌های خودبی‌میرد، به‌جای ق سرکوب متوسل گردیده، ویسداران سرما به‌را به کمک می‌طلبند، ویسداران نیز در دفاع از سرما به وحشیانه‌به‌جان کارگران می‌افتند و پس از ضرب - و جرح کارگران حدود ۱۵ نفر از آنها را دستگیر مینمایند.

رژیم جمهوری اسلامی که مخصوص پس از جنگ ارتجاعی کنونی درگیر بحران‌های حاد گذشته است با اعمالی نظیر افزایش قیمت بنزین، اخراج کارگران و کارکنان موسسات دولتی، قطع سود ویژه و غیره سعی دارد تا فشار بر این بحران اقتصادی را بردوش کارگران و زحمتکشان وارد آورد. قطع ایاب و ذهاب کارگران سپیمان سپاهان، یکی از صدها نمونه اقداماتی است که بدین منظور توسط رژیم نجف‌گرفته‌است.

خواستهای کارگران سپیمان سپاهان عبارتند از: دریافت حق ایاب و ذهاب، آزادی کارگران زندانی، اخراج ویسداران سرما به محیط کارشان، بازگشت کارگران اخراجی به سرکار و... که تنها در سایه تحاد و تشکل کارگران و ایجاد شورای واقعیشان است که مبارزاتشان میتواند به پیروزی رسیده و خواست‌های فوق تحقق یابد.

ایجاد تشکل واقعی کارگران، دست‌به‌مبارزه شدند. این مبارزات همچنان ادامه دارد.

### مبارزه و اعتصاب در کارخانه ورزیده‌کار

کارخانه‌نگونی پلیاستیکی ورزیده‌کار دارای ۵۰۰ کارگر می‌باشد که مدتها حقوقشان را دریافت نکرده بودند. به همین دلیل کارگران خود اقدام کرده، ابتدا شورای کارگری تشکیل میدهند و سپس جنبشهای کارخانه را بفروش رسانده و پسول آنرا بین خود تقسیم میکنند. شخصی از جانب دولت برای نظارت و کنترل به کارخانه می‌آید که کارگران را به تولید بیشتر فریاد می‌خواند. این عنصر ضدکارگر که کارگران را تحت فشار قرار داده بود، زما شبکه‌بیک کارگری می‌زند. موجب برانگیختن خشم کارگران میشود و در نتیجه کتک مقلی می‌خورد. ویسداران سرما به‌که برای دستگیری اعضای شورا بکارخانه می‌آیند بسا مقاومت و اتحاد کارگران مواجه میگرددند. در نتیجه دست‌آزاد زتنبر میگرددند!

کارگران یکماه و نیم است که حقوق خود را دریافت نکرده‌اند و چند روزها معصاب میکنند اما اخیرا به علت تمام شدن مواد اولیه کارخانه می‌خواهد. مبارزات کارگران برای بدست آوردن حقوقشان و راه‌انداختن کارخانه ادامه دارد.

در پی تصمیم رژیم مبنی بر اینکه "مزایای کارگران قتلع میشود و سر حقوق آنها اضافه می‌گردد" روز ۲۰/۹/۵۹ بخشنامه‌ای از طرف مدیرعامل کارخانه سپیمان سپاهان، افغان، به کارگران ابلاغ میشود که طی آن حقایب و ذهاب که روزانه ۲/۵ ساعت هست، قطع گردیده و در عوض مبلغ ناچیزی به حقوق کارگران اضافه میشود. کارگران مبارزین کارخانه که بدین سستی به ما هیت ضدکارگری این بخشنامه می‌برده بودند با اجتماع در جلوی دفتر مدیریت عامل به اعتراض دست زده و شعارهایی در جهت مخالفت با این اقدام ضدکارگری و دفاع از حقوق خویش، دادند. کارگران سپس بمدت ۳ روز دست‌به‌اعتصاب زده و خواهان لغو بخشنامه مزبور میگرددند.

در جریان مبارزه بحق کارگران مدیرعامل ضدکارگری به انواع حیل‌ها (از جمله تهمت زدن به کارگران انقلابی و کمک خواستن از فرماندار عوام فریب) متوسل میشود تا شاید مبارزه کارگران را به انحراف بکشد اما کارگران فریب‌ناخورده و با افشای عملکردهای ارتجاعی عوامل سرما به‌داران، با روحیه انقلابی، مصممانه به خواستهای خودیای می‌فشارند. به همین دلیل مدیرعامل مزدور که مانند شما می‌مرتجعین به

### درگیلان اتحاد کارگران مانجشکل انجمن اسلامی گردید

دو هفته پیش، کارگران کارخانه بسندگی خاور طی یک اجتماع با شکوه به افشای عوامل سرمایه‌داران که قصد داشتند با تشکیل انجمن اسلامی، مبارزات کارگران را منحرف و سرکوب سازند، پرداختند و با اکثریت آراء اجازه تشکیل انجمن جاسوسی را ندادند.

جریان از این قرار بود که رئیس کارخانه فومنات و معاون فنی استاندار، به همراه عده‌ای از افراد ناآگاه طی جلسهای تصمیم میگیرند که کارخانه‌ها و وررا تصرف کرده با کارخانه فومنات ادغام نمایند آنها برای فریب کارگران در اجتماع کارگران خاور دم‌زکا رکردن برای رفاه کارگران می‌زنند ولی کارگران که این مزدوران سرما به‌را خوب میشناختند فریب نخورده و حتی اقدام به اخراج یکی از سردمداران وابسته به کارفرما مینمایند. کارگران بدین سبب میگفتند که انجمن اسلامی در کارخانه فومنات مدافع کارفرماست و لذا خواهان انحلال آن و تشکیل شورای واقعی خود گردیدند. بدین ترتیب نه تنها کارگران خاور را از زه تشکیل انجمن اسلامی کارفرمایان را در کارخانه خود داند، بلکه به همراه کارگران مبارز کارخانه فومنات در جهت انجمن اسلامی این کارخانه و



کارخانه پوشش بر علیه مزدوران رژیم، اکنون جو کارخانه توسط عناصر ضدکارگری، اختناق آمیز گشته است. مقررات شدید حضور و غیاب اجرامی شود شدت کار را افزایش داده‌اند (کارگری که قبلاً روی یک یا دو دستگاه کار میکرد اکنون مجبور است روی چهار دستگاه کار کند). از حقوق ناچیز کارگران به‌بهانه جنگ کسر میکنند. بر علیه نیروهای انقلابی لحن برانگیزی میکنند (مثلاً فالانژها با وقاحت تمام عامل کشته‌شدن دو پاسدار در جنگ را سازمان بیکار معرفی کردند!) و... اما با تمام این وجود کارخانه حالت آش-زیرخاکستری پیدا کرده! مبارزه کارگران همچنان ادامه دارد.

### پارس الکتریک

حدود یکماه پیش هیئت مدیره شورای کارخانه پارس الکتریک (که روزی بنویسندگان نیز در آن عضویت دارند) اقدام به اخراج ۶ نفر از کارگران قسمت لوله‌کشی می‌کنند. کارگران قسمت لوله‌کشی بوسیله اعلامیه‌ای که به درود بپوارکارخانه نه‌نصب کرده بودند، ضمن طرح خواستهایشان مبنی بر بیکی شدن ساعات کارشان با بقیه به افشای توطئه اخراج کارگران پرداخته و خواهان پشتیبانی تمامی کارگران از اخراجیان میشوند. سایر کارگران اخراج برادرانشان را شدیداً محکوم کرده و به حمایت از آنان می‌پردازند. در اثر فشار کارگران شورا و هیئت مدیره ضدکارگری مجبور به عقب نشینی شده و کارگران اخراجی را بر سر کار بر میگردانند.

### کارخانه دادش زاده

این کارخانه که تولیدکننده شکلات می‌باشد مدتی است که بحالت نیمه تعطیل درآمده و از ۱۵ کارگران بیش از ۱۰۰ نفر اخراج کرده‌اند. کارفرمایان این کارخانه همگی از جانب سرسخت رژیم شاه بوده‌اند که اکنون نیر به احتکار محصولات و افزایش بی‌رویه قیمت آنها پرداخته‌اند. جالبست که یکی از کارفرمایان بعد از روی کار آمدن رژیم جمهوری اسلامی به کارگران گفته است که "این انقلاب آن انقلابی نیست که شما انتظارش را داشتید!"

آری، سرما به‌داران زالوصفت بخوبی دریا نشاند که انقلاب توده‌ها نیمه‌تمام مانده و رژیم جمهوری اسلامی هم‌برخلاف ادعاهایش و تبلیغاتش در دفاع از منافع کارگران و زحمت‌کشان، بلکه دفاع از منافع سرما به‌داران است!

## ۴۰ ساعت کار در هفته برای کارگران



# خلق ها و مسئله ملی



شماره ۵۴ "نبرد بلوچ" منتشر شد

پنجاه و چهارمین شماره نشریه "نبرد بلوچ" ارگان تشکیلات بلوچستان با زمان ما منتشر شد. این شماره، حاوی سرمقاله‌ای در افشای ادارات دولتی، مقالات افشاگرانه، اخباری از مبارزات توده‌ها، مقاله‌ای در مورد جنبش دانش‌آموزی در منطقه و سخنی با دانش‌آموزان انقلابی و... میباشد. نشریه بیکار موفقیت رفقای تشکیلات بلوچستان را در پیشبرد، سازماندهی و ارتقاء مبارزه ملی و طبقاتی زحمتکشان بلوچ و تلاش در جهت همبستگی خلقهای ستمدیده سراسر ایران را آرزو میکند.

## چپاول زحمتکشان توسط خوانین در بلوچستان

در تاریخ ۹/۹۹۱  
عیسی خان مبارکی "همراه با عده‌ای بدهه "کوه جنگ" رفته و به اهالی زحمتکش میگوید: "تا به من پول ندهید با تمام همراها نمردم. اینجا می‌مانم" زحمتکشان تهدیدت این دهه از بیم جان بهرترتیبی ۵۰۰۰ تومان تهیه کرده و در اختیار خوان خونخوار قرار میدهند. دوروز بعد قاصد "بهرام خان شیرانی" به همان دهه مراجعه کرده و به زور از زحمتکشان پول گرفته و میرود البته این چندمین بار است که "بهرام خان شیرانی" از روستا ثبات ستمدیده منطقه مالیات میکنند. خوانین بلوچستان از یکطرف تحت عنوان خودمختاری با عوامل سرسپرده‌ای چون

## ۷۰ تن از مزدوران ضد خلق

### در نبرد با پیشمرگان قهرمان کومله کشته و زخمی شدند

- ۱ - کاک عبدالله کمانگر: روشنفکر انقلابی مسئول سیاسی پل و اهل "کوانه" کامباران
  - ۲ - کاک غلام دولایی: زحمتکش آگاه و انقلابی اهل روستای دولاب کامباران نمونه باوری از قاطعیت و شجاعت انقلابی
  - ۳ - کاک بهروز شهبازی (وریا): زحمتکش آگاه و انقلابی اهل سندانج نمونه پاک‌مذاهب و صمیمیت انقلابی
  - ۴ - کاک عابدین امانی: روشنفکر انقلابی ۱۸ ساله اهل روستای "بیرمقدار" کامباران
  - ۵ - کاک علی حسینی: درجه‌دار آگاه و انقلابی مسئول نظامی یک دسته از پیشمرگان
  - ۶ - کاک حبیب‌الله هادی قورقی: اهل روستای "قورق" از توابع کامباران (نقل و تلخیص از خبرنامه ۹۹ کومله)
- بیکار ضمن تجدید بیمان انقلابی با خلق ستمدیده کرد و سازمانهای انقلابی آن خاطره انقلابی رفیق شهید از پیشمرگان انقلابی کومله را گرامی میدارد. درود بر تمامی شهدای جنبش مقاومت خلق کرد

کامباران ۱۱/۹/۷۰  
به پیشمرگان کومله (پل شهید یوسف) که از کمین روز قبل پیروز مندانه به روستای "وشره‌ل" بازگشته بودند خبر میرسد که تعداد زیادی از نیروهای ارتش و پاسدار و جاش به قلمرو روستاهای "وشره‌ل" "تازه آباد" و "خامان" از طرف با بگا "گاو شان" در حال حرکتند. بلافاصله پیشمرگان در بلندیهای اطراف "وشره‌ل" و "کنگره" سنگر میگیرند. ساعت ۱۲ ظهر خودرو دشمن در زیر حمایت سلاحهای سنگین و توپخانه با بگا و گاو شان در حال حرکت بطرف "وشره‌ل" در کمین پیشمرگان قهرمان افتادند. در نبرد پیشمرگان با نیروهای رژیم که حدود ۵/۵ ساعت طول کشید، بیش از ۷۰ نفر از نیروهای دشمن کشته و زخمی شدند، و چندین خودرو آنها منهدم گردید. متأسفانه در این نبرد شجاعانه، ۶ تن از پیشمرگان جان برکف کومله شهید شدند و خون سرخ خود راوشیقه انقلاب راهی بخش کارگران و زحمتکشان نمودند. اسامی پیشمرگان شهید کومله عبارت بودند از:



عکسهایی از مراسم بزرگداشت رفیق پیشمرکه بیکار رک شهید تیمور حسینی در سوکان



## حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست



### محاصره اقتصادی کردستان و جنبش مقاومت خلق کرد

بیش از یکسال از محاصره اقتصادی کردستان میگذرد. آنچه که در تنگنشدن حلقه این محاصره بیش از هر عامل دیگر موثر بوده، رشد جنبش توده‌ای بطور عام و جنبش مقاومت خلق کرد بطور اخص اینکس و بحران اقتصادی حاد است. این جنبش را دیگر میباید، بنا بر این محاصره اقتصادی کردستان علاوه بر اینکه حربه سرکوبگرانه - ای در دست رژیم محسوب میشود، ابزار است که رژیم از طریق آن از بار فشار بحران اقتصادی موجود بر روی خودتاندا زای کاسته و آنرا بر خلق زحمتکش کردتحمیل میکند.

محاصره اقتصادی که از طریق محاصره نظامی همواره با سرکوب و کشتار زحمتکش کردستان توأم بوده، در واقع آخرین حربه رژیم بعثت است. از مودن کلیه روشها و شیوه‌های سرکوب جنبش مقاومت در طی دو سال گذشته میباید، رژیم با اعمال سیاست محاصره اقتصادی در پی آنست که با تحمیل گرسنگی و قحطی بر خلق زحمتکش کردستان قهرمان را بسوی قحطی تمام عیار و مرگ و میرناشی از گرسنگی ریبیماری سوق دهد. هم‌اکنون، چهار جاده اصلی استان کردستان یعنی بوکان - مابندآب - تبریز، بیجار - اهملان، سنندج - کرمانشا و مهاباد - ارومیه تحت کنترل شدید ساداران و ارتش و جاشا قرار دارد. نیروهای سرکوبگر رژیم از انتقال هرگونه مواد غذایی و داروئی به کردستان بشدت جلو گیری میکنند. کمبود مواد سوختنی و گرانسی و قحطی بویژه در فصل سرما بیداد میکند. برنج کیلوشی ۴۰ تومان، تخم مرغ هر عدد ۴۰ تومان، نفت در مناطقی املا وجود ندارد و در برخی نقاط بشکهای نزدیک به ۱۰۰۰ تومان، یک لنگه آرد ۱۸۰ کیلوشی نزدیک به ۲۰۰ تومان و دهها نمونه از گرانسی سرسام و روموادمرفی، خلق زحمتکش کرد را در زیر شدیدترین فشار اقتصادی قرار داده است. به علاوه مزدوران رژیم، تلاش زحمتکش را بویژه روستا شیان کردستان را برای تهیه حداقل آذوقه مورد نیاز بسیاری زنده ماندنشان با وحشیگری سرکوب میکنند، در واقع اهمیت محاصره اقتصادی و نا شیران بر روند جنبش مقاومت از این جهت برجسته تر میماند که رژیم همزمان با انجام این محاصره وحشیانه تر از هر زمان دیگر به سرکوب خلق کرد پرداخته است. بنا بر این هدف رژیم از انجام محاصره اقتصادی کردستان در مجموع چیزی نیست جز سرکوب جنبش مقاومت خلق کرد و تسخیر کردستان. اما اینکه رژیم سیاست محاصره اقتصادی را چگونه در خدمت سرکوب کامل خلق کرد بکار میگیرد، نیازمند تجزیه و تحلیل جزئیات سیاست محاصره اقتصادی خلق کرد و اقداماتی است که رژیم در کردستان انجام داده و خواهد داد. این جزئیات بشرح زیر میباید:

بقیه در صفحه ۲۹

### مبارزه روستائیان جوانرود برای اخراج پاسداران سرمایه

روز ۲۱ آذر ۵۹ مردم روستای "غفله" از طریق کوهها خود را به جوانرود رسانده و برای اعتراض به جنایات پاسداران پس از یک راهپیمایی دست به تهن زده و به مدت دو روز اعتصاب غذا کردند. خواسته‌های متعین عبارت بودند از:

اخراج پاسداران از منطقه جوانرود و روستا - های اطراف، گماردن نمایندگان مردم در تمام ارگانهای دولتی، مجازات ۳ پاسدار مرتجع که در آزار مردم بویژه زنان و دختران نقش فعالی داشتند.

معاون فرماندار، رئیس سپاه پاسداران و فرمانده گروهان ژاندارمزی با و در مرحله تحسین حاضر شده و ضمن مذاکره با ۲۰ نفر از نمایندگان متعین سعی میکنند ضمن آتان را برهم بزنند. نمایندگان متعین وقتی با جوابهای سربالای مسئولین مواجه میشوند به مقامات جمهوری - اسلامی میگویند: "شما همان کسانی هستید که فساد لهای، خجاسی را آذ کرده و برای سرکوب انسا نهای زحمتکش فرستاده اید. ما می بینیم که شما نمیتوانید به خواسته‌های حقه ما رسیدگی کنید پس خودمان دست بالای رژیم و خلق خود را میگیریم!" در پاسخ آنها مزدوران رژیم گفتند که "شما چنین حقی ندارید و باید ادعا به کار - های شما رسیدگی کند ما ۳ پاسدار مزبور با وحشت از شتم توده‌ها فرار و برقرار ترحیم داده اند. آری! توده‌ها درمی یابند که حق گرفتاری است و باید بخود آنها از طریق مبارزه خستگی نا - پذیر به تحقق خواسته‌ها یشان برسند.

### ادامه بمباران روستاهای پیرانشهر توسط رژیم جمهوری اسلامی

۵۹/۲/۱۲

رژیم جمهوری اسلامی در ... اعمال سر - کوبگرانه اش، روستای کردستان را همچنان مورد حمله هوایی قرار میدهد. بدنبال بمباران روستای "میرشای"، "عدرشای"، "بیلوکه" ... فاشتونها ی جمهوری اسلامی با بمب و راکت به روستای "گانی بلاغ" (پیرانشهر) حمله کردند. در اثر این حمله ۶ نفر از اهالی آنجا بشدت زخمی شدند و چندین خانه مسکونی ویران گردیده گروه‌ها مداخله پزشکی کومله در روستای مذکور به مداوای زخمی‌ها پرداخت. (نقل از خبرنامه ۱۰۰ کومله)

بختیار و ویسی رابطه دارند و از طرف دیگر برای گرفتن امتیاز بیشتر از رژیم جمهوری اسلامی و جبا و زحمتکش به زد و بند و ملاقاتهای پنهان و آشکار (چندی پیش "قلمبر" فرمائنده عملیاتی سپاه در زاهدان با محمدخان و ... دیدار داشته است) با فرماندهان نظامی و مسئولین دولتی مشغولند. آنها برای جبا و زحمتکش همراه با تفنگچیان خود از این دهنه آن دهروانند و از مردم پول و مواد غذایی بزرور دریافت میکنند. (نقل و تلخیص از نبرد بلوچ شماره ۵۴)

### "سربازان حرفه‌ای" و مزدور بر علیه خلق کرد

در شماره‌های گذشته استخدام سربازان مزدور را برای سرکوب خلق کرد آورده ایم. اخیراً گروهی از این "مزدوران" را در اردوگاهی در روستای "جلو" در نزدیکی مابندآب مستقر کرده اند. این مزدوران در پادگان مراغه دوره دیده اند و ماهیانه ۲۵۰۰ تومان حقوق دریافت میکنند و با ۹۰ روز ما موریت سرکوبگرانه - ۱۸۰ تومان حق ما موریت نیز میگیرند. این سربازان حرفه‌ای در سرکوب زحمتکش شهرها و روستاهای مهاباد، بوکان، ماسین دژ، ... شرکت دارند و با توپهای دورزن زحمتکش کرد را به خاک و خون میکشند.

در روزهای اخیر، به گفته یکی از همبسن مزدوران، دیده‌بانی هدفی را برای شلیک توپ معین میکنند. پس از شلیک توپ متوجه می - شوند که تراکتوری با ۴ سرنشین آن که دهقانان زحمتکش گردیده مورد هدف قرار داده و سرنشینانش را بطور فجیعی به قتل رسانده اند.

آیا این کشتارهای وحشیانه استقامت و مقاومت خونین خلق کرد را میتوان شکست هرگز!

### دستگیری جاشا توسط پیشمرگان

سفر ۵۹/۹/۲۹

در این شب پیشمرگان جنبش مقاومت وارد شهر شده و چندین جاشا را دستگیر کرده با خود بیدت این اقدام انقلابی پیشمرگان دلیر با استقبال پر شور مردم مواجه شده و ثابت نمودند که پیشمرگان به اتکا به حمایت بیدریغ اهالی شهرها قادر به نفوذ به شهرهای زیر سلطه رژیم میباشند. روز بعد مزدوران رژیم، به تلافی وقایع شب گذشته به با زرسی بدنی عابرا ن پرداختند که این عمل ساواک گونه با نفرت عمیق اهالی مبارز سقز روبرو شد.

## پیروزی جنبش مقاومت خلق کرد



بخشی از بیانیه "سازمان دانشجویان  
ودانش آموزان پیکار"

"اوج نوین جنبش  
دانشجویی - دانش آموزی  
ووظایف مبرم ما"

جنبش دانشجویان و دانش آموزان انقلابی  
همتا به بخشی از جنبش خلقی در طی این دوران  
اعتلا انقلابی با ویژگیهای خاصی خود در ارتباط  
تنگنا تنگ با جنبش انقلابی کارگران و زحمتکشان  
همواره ادامه داشته است .

اوچگیری جنبش نمیتواند دانشجویان و  
دانش آموزان انقلابی را در بر بگیرد . مبارزات  
دانش آموزان انقلابی اگرچه از آغاز سال تحصیلی  
جدید نیز همواره وجود داشته اما در دوره اخیر  
ارتقاء سطح مبارزه و خواستههای آنان را به  
روشنی میتوان مشاهده کرد .

در همان حال که در کردستان سنگرهای  
رزم قهرآمیز علیه امپریالیسم و ارتجاع داخلی  
حامی آن کلاسهای درس دانش آموزان انقلابی  
را میسازد ، بازگشایی مدارس سقز نظرات عظیم  
دانش آموزان انقلابی را در همان جوخفقان و  
حکومت نظامی به همراه دارد . در مشهد و بیرجند  
شهرهای شمالی کشور و شهرهای از استان فارس  
تظاهراتهای وسیع و سراسری دانش آموزان  
انقلابی با خواستههای مشخص سیاسی اوج نوین  
جنبش انقلابی دانش آموزی را ترسیم میکنند در  
تهران ، قم ، اصفهان و ... نیز مبارزات دانش -  
آموزان انقلابی ، درگیریهای حاد و ... علیه  
یکپارچه و متحد سراسری شدن آنها در جرات  
بالای مبارزه را در اوج نوین جنبش دانش آموزی  
را رقم میزند . در همین حین جنبش دانشجویی  
مبارزات پنهان و آشکار خویش را متجلی میسازد  
پرچمهای مبارزه برای بازگشایی سنگرهای  
خونین دانشگاهها در دست دانشجویان انقلابی  
فشرده میگردد تا به انتها زدرداده و عرصه نویسی  
از مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع را به پیش  
برد .

سازمان دانشجویان و دانش آموزان  
پیکار در چنین شرایطی بروظایف مبرم زیر تاکید  
دارد :

وظایف عملی ما

اولین وظیفه ای که در برابر هر جنبش  
انقلابی و کمونیستی در مواجهه با این اوج نوین  
جنبش قرار دارد ، تعیین موضع نسبت بدان و  
ارائه محوری ترین شعارهای است که در جهت



تداوم و گسترش این مبارزه عمل نماید .  
بنظر ما با بررسی سطح جنبش دانش آموزی  
بخوبی میتوان مشاهده کرد که جنبش دانش آموزی  
اگرچه در گمراهیهای بسیار ، از مبارزه برای  
ایجاد کانونهای صنفی - سیاسی مبارزه علیه  
فرهنگ آموزشی ارتجاعی کنونی و ... گرفته تا  
مبارزه علیه جنگ ارتجاعی کنونی و تبدیل این  
مبارزه به اهرمی در جهت گسترش انقلاب و نیز  
مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی و ...  
میباشد ولی عمومی ترین و محوری ترین  
خواستی که میتواند نوین جنبش انقلابی دانش -  
آموزی را حول خود متشکل ساخته و به گسترش  
انقلاب خدمت کند مبارزه در جهت کسب آزادی  
فعالیت سیاسی میباشد . روشن است که این  
خواست بیبنی عمیق با مبارزه کنونی زحمتکشان  
آگاه جامعه علیه خفقان و شکنجه و ترور رژیم  
جمهوری اسلامی و مبارزه برای آزادی زندانیان  
سیاسی این فرزندان راستین کارگران و  
زحمتکشان دارد .

دفاع آزادی پخش اعلامیه ، نصب روزنامه  
دیواری ، فروش نشریات انقلابی ، برپا نشانی  
نمایشگاهها ، جلوگیری از اخراج دانش آموزان  
انقلابی و ... بعدا دوعرصه های گوناگون این  
مبارزه را ترسیم میکند . نگرشی بر آنچه کنون  
در مدارس میگردد نشان میدهد که مبارزه -  
خواستهای فوق جنبه اصلی مبارزات دانش -  
آموزان را تشکیل میدهد . آن وظیفه ای که در  
پیش روی دانش آموزان انقلابی و کمونیست  
قرار دارد آن است که با درک اول سطح شعارهای  
مبارزه و نشانها پتانسیل بالفعل جنبش انقلابی  
دانش آموزی که تظاهراتهای سراسری و متحد  
در جهت مبارزه برای کسب آزادی فعالیتهای  
سیاسی را تصویر میکنند به سازماندهی آن  
بپردازند . عدم درک این مسئله بویژه جنبه  
سراسری بودن آن از انحرافات است که در  
نقاط بسیاری عمل کرده و قطعا به جنبش ضربه  
میزند . این تظاهراتهای سراسری اکنون در  
بسیاری نقاط کشور عملا برپا افتاده است .  
وظیفه ما است که با سازمان دادن تظاهرات  
- های سراسری در جهت مبارزه برای کسب آزادی

دستگیری دانش آموزان  
انقلابی ایران شهر بوسيله  
پاسداران ارتجاع

در تاریخ ۵۹/۹/۲۳ در ایران شهر با سداران  
ارتجاع در تارگی شب برای چندمین بار به  
خانه های دانش آموزان انقلابی ریخته و نفر  
از آنان را دستگیر می نمایند . پاسداران وحشیانه  
بدرون خانه ها هجوم برده و در با زرسی خانه ها  
حتی داخل مواد خوراکی را هم جستجو میگردند .  
سازمان دانشجویان و دانش آموزان پیکار در  
ایران شهر در رابطه با این دستگیری ها اعلامیه  
چاپ نموده که قسمتهای آن را در زیر  
میخوانید :

"یکبار دیگر در ایران شهر با سداران ارتجاع  
با هجوم وحشیانه چند نفر از دانش آموزان  
انقلابی را دستگیر و زندانی کردند . پیش از این  
هم چندین بار شاگردان بنگونه اعمال فاشیستی  
در شهرمان بوده ایم زوزاندن نشریات انقلابی  
گرفته تا اوج ، دستگیری ، حبس و تبعید کارگران  
دانش آموزان ، معلمان و کارمندان مبارز و  
انقلابی . . . . .

"دستان دانش آموزان در شرایطی که نا همد  
اعتلای رو بر شد جنبش توده ای هستیم دیگر سگوت  
و تسلیم در برابر این اقدامات وحشیانه جایز  
نیست . با بیداری خیریم و همه با هم متحد و یکپارچه  
صدای اعتراض خود را بگوش توده ها برسانیم و به  
اشکال مختلف (اعتصاب ، تحصن ، تظاهرات و ... )  
به مقاومت در برابر ارتجاع و افشای ماهیت  
پلیدش بپردازیم .

امروزی تفاقوتی و سکوت تنها نمیتواند  
ارتجاع را تشویق به ادامه حرکات سرکوبگرانه  
خود کند . امروز سکوت ما مفهومی جز پشت کردن به  
جنبش توده ای میهنمان و جنبش حلقه (بخش  
خلق ستمدیده بلوچ) نخواهد داشت ؟

مستحکم با دیوبند جنبش دانش آموزی با  
جنبش کارگران و زحمتکشان  
مرگ بر ارتجاع دشمن آگاه می توده ها  
سازمان دانشجویان و دانش آموزان پیکار  
ایران شهر - ۵۹/۹/۲۴

فعالیت سیاسی "مبارزات را هر چه بیشتر از شکل  
خود بخودی بدر آورده ، آن را جهت دهم و این  
اهرم بر قدرت مبارزه انقلابی را به بهترین  
صورتی در خدمت انقلاب قرار دهیم .  
از مهمترین ابزارهای تحقق این عمل  
برپا نشانی شورا های انقلابی دانش آموزان است .  
از آنجا که اکنون صفوف پیشرونده انقلاب نیاز

دانشجو، محصل، پیش بسوی پیوند با مردم زحمتکش!



### ساری: یورش ارتجاع و مقاومت مردم

بدنبال درگیری های ساری که منجر به شهادت داد و سلیمانی از هواداران مجاهدین خلق گردید (۲۶ آذر ۵۹)، در روز ۲۹ آذر ماه یکی از اوباش "حزب" قاصد حمله به ساط کتا بغروشی مجاهدین در خیابان طالقانی را داشت که موفق نشد و درحالیکه در دستش یک "سه راهی" داشت فرار کرد. عده ای از مردم وارد دنبال کردند تا دستگیرش کنند ولی وی در خیابان انقلاب "سه راهی" را به سوی آنان پرتاب کرده که در اثر انفجار آن ۶ نفر زخمی شدند و شیشه های چند مغازه شکست.

مردم زخمی ها را به بیمارستان برده و با جمع در مقابل آن با شعارهای "مرگ بر ارتجاع" "مرگ بر آمریکا" و... تنفر خود را از اعمال ننگین مرتجعین نشان دادند. در فاصله زمانی کوتاهی عده مردم به هزار نفر رسید که با شعارها - نشان نفرت خود را از ارتجاع نشان دادند.

بدنبال این حوادث ۲۰ مارد مبارز برای اعتراض به یورشهای مرتجعین در استاننداری ساری تحصن کردند. آنان میخواستند از دستگیری پاسدار قاتل شهید سلیمانی و قاتلان زهرآلود کتند "سه راهی" مطمئن شوند. ماردان مبارز میگفتند که بندوقها را از دواهند و شولوا می - خواستند تا هم جازات آنها باشند.

### قم: اعتصاب مجدد رانندگان تاکسی

شنبه ۲۲ آذر: بدنبال اعتصاب رانندگان تاکسی قم در روز ۲۱ آذر با نماهجت اعتراض به گران بنزین و بنزین تحویل ۱۸ کوبین بجای ۳۰ کوبین و بدقولی مسئولین در رسیدگی بخواست آنان و نپرداختن ما به التفاوت (پتری ۲۰ ریال) اکثریت رانندگان تاکسی مجددا در روز شنبه ۵۹/۹/۲۲ دست به اعتصاب زدند تا صدای خود را بگوش زحمتکشان شهر برسانند. آنان به پاس از مراجع به دفتر خبرگزاری پارس به سمت شهربانی حرکت کردند و در مسیر با مزاحمت دونفر از اوباشان مشهور قم روبرو شدند و پس از درگیری کوچکی در اثر همبستگی رانندگان و داخل لپت پلیس در جلو شهربانی اجتماع کردند. تاکسی رانان زحمت - کش با دادن فرصتی به شهربانی در جهت انجام خواستهایشان بطور مشروط بر سرکار برگشتند رانندگان تاکسی قهدرا اعتصاب قبلی موفق به دریافت ۴ کوبین اضافی شده بودند و به یقین با اتمام دوشکل خود و ادامه مبارزه به خواستهای عادلانه شان نیز خواهند رسید.

### پرچم نبرد انقلابی برای بازگشائی دانشگاهها را برافرازیم

اکنون که عوام مغربسی های رژیم در زمینه های مختلف از جمله "انقلاب فرهنگی" دروغین و ارتجاعی اوبرای توده ها بیشتر و بیشتر آشکار میشود، اکنون که مسئله بازگشائی دانشگاهها در ذهن توده ها مطرح گردیده و جناحهای گوناگون رژیم را به موضعگیری برسر آن کشانده است، اکنون که کارگران و زحمتکشان در نبردی "بنا شدت" بیشتر به فتح سنگرهای جدید و گسترش انقلاب مشغولند، وظیفه ما ست تا با برافراشتن پرچم مبارزه برای بازگشائی دانشگاهها - اولاً شرکت فعال در گسترش انقلاب و فتح سنگرهای جدید نماشیم و از سوی دیگر آلترونا تیوا انقلابی در را با این مسئله مطرح برای توده ها را برافرازیم. به توده های زحمتکشان نشان دهیم که در زیرکدام پرچم باید به یاری دوستان واقعی و همبستگیان دانشجویان انقلابی بشتابند.

بازگشائی دانشگاهها پیش و پیش از هر چیز برای ما از این زاویه مطرح است که دانشگاهها همواره از سنگرهای پایدار مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع داخلی بوده است. بازگشائی دانشگاهها بویژه در شرایط کنونی که توده ها تشنه آگاهی انقلابی هستند قطعاً از پشتیبانی توده ای بر - خوردا رنده و ثابتنیا عرصه ای وسیعی از فعالیت انقلابی بشیوه علنی که از ضروریات پاسخگویی به مسائل کنونی توده ها ست را به روی نیروهای انقلابی خواهد گشود.

دانشجویان و دانش آموزان کمونیست و انقلابی توده های زحمتکش و مبارزان! اوج نوین جنبش توده ای و از جمله جنبش دانشجویی - دانش آموزی که در قله خویش افق خونین رهائی زحمتکشان را برپیشانی دارد به حرکت درآمده است. گسترش مبارزات توده های انقلابی و زحمتکشان رژیم را مستلزم ترموده و امکانات فراوانتری برای فعالیت نیروهای انقلابی و کمونیست فراهم آورده است و در همان حین وظایف جدیدتری را در برابر آنان قرار میدهد. مبارزه در جهت کسب آزادی فعالیتهای سیاسی و بازگشائی سنگر خونین دانشگاهها اکنون در دستور کار ما قرار دارد.

با تمام توان خود به تبلیغ حول این دو محور اساسی جنبش انقلابی دانشجویی - دانش آموزی و سازماندهی جنبش برای پیشبرد آن بشتابیم!

۵ دیماه ۵۹



به هموستی و فشرده تر شدن نیروهای انقلابی را دارد و تنها با تمرکز و هموستی هر چه بیشتر موقوف مبارزین انقلابی است که میتوان هر چه بیشتر و بهتر این اهرم را در دست گرفته بر آن مسلط شد و آن را در خدمت انقلاب قرار داد. اینجا دشواری های انقلابی دانش آموزان از اهمیت زیادی بر - خوردا ر مییابند. ارتباط فعال شوراهای انقلابی دانش آموزی مدارس مختلف از ملزومات سازماندهی و هدایت جنبش سراسری میباشد. روشن است که ما هرگز برپاشی شوراهای انقلابی دانش آموزی را آلترونا تیوی در برابر فعالیت مستقل خود قرار نمیدهیم. ما همواره بر تبلیغ و ترویج نظرات سیاسی - ایدئولوژیک تشکیلاتی خود پایا فشرده و سازماندهی توده های دانش - آموز حوال این نظرات را در دستور کار خود قرار داده ایم. اولاً تبلیغ آلترونا تیو کمونیستی جنبش دانش آموزی و آلترونا تیوا انقلابی - دمکراتیک این جنبش آلترونا تیوی در برابر سر - بکدیگر نیستند. عدم توجه به طرح و رشد آلترونا تیو کمونیستی جنبش دانش آموزی به غلبه بهترین خط مشی بر جنبش انقلابی دانش آموزی ضربه زده و سبب میگردد تا خط مشی های انحرافی این جنبش را به کجراه بکشند. همچنین عدم توجه به آلترونا تیوا انقلابی دمکراتیک سبب میشود که در امر تمرکز و هموستی نیروهای انقلاب دچار شکست شده و تفرقه و تشتت و پراکندگی را افزایش دهد!

بسیار نیه سپس ضمن برخورد به انجمن اسلامی مدارس و دانشگاهها و لیبرالها و مواضع خائنه به جها نیه، توده ایها و فدائیهها (اکثریست) و نیز فضای تزلیلات نیروهای انقلابی چون مجاهدین و راهکارگرومن تا شهید شرکت هواداران انقلابی مجاهدین در مبارزات دانش آموزی به تشریح موقعیت جنبش دانشجویی میپردازد ما بخشهای دیگری را نیز در مورد جنبش دانشجویی میاوریم:

رژیم جمهوری اسلامی که دریا فته بود دانشگاهها این سنگرهای خونین مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع داخلی اهرمهای اساسی در دست نیروهای انقلابی برای گسترش مبارزه و افشای رژیم هستند. رژیم جمهوری اسلامی که چه در طی سالها حاکمیت ننگین پهلوی وجه در دوران دوم له حکومت خود دریا فته بود که این سنگرها سنگرهای همیشه جا ودا نند و هر یورش مزدورانش با مشت محکم و پولادین دانشجویان انقلابی پاسخ داده شده بود تنها راه چاره خود را در تعطیل دانشگاهها میدید. پس استفاده از همان حربه کهنه ارتجاع که رژیم مزدور پهلوی با رها از آن استفاده کرده بود مورد آزمایش مجدد رژیم جمهوری اسلامی قرار میگیرد و انقلاب فرهنگی" یوشنی برای تحقق منافع مرتجعانه رژیم میگردد.



# بهشتی و یکی از پرونده‌های خیانت او در سفارت آمریکا

### آیت‌الله دکتر محمدحسین بهشتی :

موردا عمدا مطلق آیت‌الله خمینی سرد  
فدرسمند رژیم جمهوری اسلامی دیرکل و  
رهبر حزب حاکم (حزب جمهوری اسلامی)  
رئیس شورای انقلاب رئیس مجلس خبرگان  
و تصوب کننده قانون اساسی (ولایت فقیه)  
طراح انتخابات کدشایی مجلس شورای  
اسلامی رئیس دیوان عالی کشور و قوه  
قضائیه و...

## چه رابطه‌ای با سفارت آمریکا داشته است؟!

آقای بهشتی یکی از مهمترین سردمداران  
رژیمی است که:

- ادعای صدامبرایستی دارد و دروغ میگوید
- فریبکارانه خود را در جنگ با آمریکا  
و انمود می کند،
- کارگران و زحمتکشان را که بغا طری دست  
آوردن حقوقشان به اعتصاب دست میزنند  
"آمریکائی" و "خائن" میخواند،
- کمونیستها و انقلابیون را سرکوب میکند  
و بی شرمانه آنها را "آمریکائی" معرفی  
می نماید،
- مبارزه بیروح خلق کرد را "توطئه آمریکا"  
میخواند،
- مبارزان انقلابی را که در راه ادا مبه  
انقلاب علیه امپریالیسم و در راه شای  
کارگران و زحمتکشان فعالیت میکنند به  
زندانی می اندازد، شکنجه و اعدام میکند
- آنگاه خود را "بایگانه انقلاب جهانی"  
علیه امپریالیسم میخواند...

## اما چه رابطه‌ای بین بهشتی و سفارت آمریکا وجود داشته است؟!

کشف حقیقت برای کمونیستها امری عجیب  
نیست. آنها با در دست داشتن تحلیل علمی و  
طبقاتی، ماهیت سرمایه داری رژیم را شناختند  
و روی کار آمدن آنرا از بین آید از رجوع داخلی  
و امپریالیسم جهت ناکام گذاردن انقلاب  
خلفهای قهرمان ایران دانستند. کمونیستهای  
راستین به افشای ماهیت ضد خلقی این رژیم  
پرداختند و چهره‌های فریبکارانه سردمداران  
آنرا که هر روز به نیرنگی متوسل میشدند برای  
توده‌های زحمتکش و آنگاه افشا کردند و پاره‌های  
سوهم را از پیش چشم توده‌ها کنار زدند و در این راه  
قربانیهایی داده و میدهند.

کمونیستها بپوک بودن شعارهای با مصلحت  
صدامبرایستی رژیم را بر ملا ساختند و هدف  
فریبکارانه حزب آقای بهشتی و همدستان او را  
از حادته اشغال سفارت آمریکا افشا نمودند.  
اما بتدریج در جریان عمل حقایق پیش از  
پیش بر توده‌ها روشن نشده است. این بار "ناهد

مخاطب در سالیانه ده و در سال ۱۰۲۰ آن نشریه منتشر  
شده است. اینک سمد ملاقات لنگس ما مورسفات  
آمریکا و جاسوس سا "آقای بهشتی را ملاحظه  
کنید. کلیته، عمدا دستخط مترجمان دانشجویان  
خط امام است. از نظر اسناد دانشجویان که دست  
نشانده حزب جمهوری اسلامی بوده اند این سند  
چندان مهم نبوده! ولذا ترجمه کامل آنرا  
نخواهسته اند و علیرغم همه‌ها دو سیدهای "صد"  
امیراللمستی "تان هیچ لازم ندیده اند که گوشه  
- ای از آنرا به اطلاع "مردم قهرمان و شهیدپرور  
و شهادت طلب" ایران برسانند (!) و توفیقی هم  
از آنان نیست به سندنکه آنگاه:

از غیب "ترسیده بلکه از لانه جاسوسی سلطان بزرگ  
رسیده است. همان جانی که آقای بهشتی هم با آن  
سرورگارد داشته و با جاسوسان" آن سروری دانه است  
آنچه در زیر می آید یکی از اسناد معدودی  
است که پس از مدتها به اطلاع خلق رسیده است.  
اینگونه اسناد زیاد بوده، مفا دیرباید از آنرا  
همان ما مورسین امریکائی و "جاسوسان سلطان  
بزرگ" سوزانده اند و مفا دیری از آن هم سوسله  
آقای خوشینی ها و دانشجویان خط امام از نظر  
عمومی ناپدید شده و با یکی ناپدیدکننده است.  
- سند را یکی از دانشجویان سابق بیرو  
ناجیهای مستند و مشروح برای نشریه



# علیه حزب جمهوری، علیه لیبرالها، زنده باد پیکار توده‌ها!



کلیشه عین دستخط مترجم دانشجویان خط امام که ترجمه خلاصه‌ای است مربوط به سند آقای بهشتی

۳ - یک نکته درحاشیه این سند: مترجم در بالای صفحه متذکر شده است که: (السته می دانیم که خطایش به دانشجویان خط امام بوده) "در صورت مهم بودن ترجمه کامل"

ولی گویا از نظر دانشجویان خط امام این سند حاوی هیچ مسئله مهمی نبوده که ترجمه کامل آن را نتوانسته اند آنجا که حتی لازم ندیده اند همین خلاصه را برای مردم ایران افشا کنند.

از: سفارت

به: RUEHA, S.W. P.

کرارنگر: LAINGEN

موضوع: ملاقات با بهشتی

شماره: 554

تاریخ: 29 OCT (۷ آبان ۵۸)

مرجع: CNI

آدرس سند: 554 سوار ۹ ترجمه خلاصه مطالب مهم در صورت خیلی مهم بودن، ترجمه کامل ۲- بهشتی با احساسات افکار عمومی را در مورد هرگونه کمکی به شاه مخلوع یادآور شد در مورد ارسال قطعات بدکی نظامی و قرار دادهای بازرگانی سؤال کرد، و به شایعات وسیع در مورد دخالت CIA در کردستان اشاره نمود و گفت که حمایت لفظی آمریکا از انقلاب کافی نیست و بیشتر عمل لازم است تا حرف

۴ - ما با تاکید بر نظریات منبئی برای اینکه ایجاد نهادهای جدید دولتی بوسیله دولت موقتیت بتوانند به منافع آمریکا و ایران خدمت کنند آرزوهای نیکوی دولت و مردم آمریکا را ابلاغ نمودیم.

Precht نظرات ایشان را در مورد روابط ایران و آمریکا و آنچه در این زمینه انجام شود جواب داد.

۵ - بهشتی بر روی سه مسأله تکیه کرد، اول شاه او گفت ایران نمیتواند هیچ گونه حمایتی را از جانب هر کشوری که با تند نسبت به شاه تحمل کند ۶ - مسأله دوم روابط بازرگانی بود و این که این روابط در دوران انقلاب با حالت عادی فسرقت میکنند و آمریکا باید با جلوگیری از بسته شدن حسابهای ایران توسط دادگاههای آمریکا کمک کند.

۷- مسئله سوم این که آمریکا با سرعت کافی و به میزان مورد نظر ایران قطعات بدکی نظامی را تعمیر نکرده و اطلاعاتش در زمینه نظامی کم بود ۸ - من به مسأله شاه پرداختم و از Precht خواستم تا نقطه نظرهای آمریکا را در مسائل ذکر شده توضیح دهد من تا کید کردم که همان طور که به سختی و زیرویزی گفته ام آمریکا شاه را به رسمیت نمی شناسد و فقط برای معالجه آمده و از هرگونه فعالیت سیاسی وی بر علیه استقلال و تمامیت ارضی ایران جلوگیری خواهند کرد.

۹- بهشتی هیچ اعتراضی به این مسأله نکرد و

در مورد شایعات دخالت سیا در ایران، کردستان و غیره سؤال کرد، من گفتم این شایعات بسی اساس است و نه سیا و نه دولت آمریکا خود را در هیچ مسأله‌ای که تمامیت ارضی ایران در آن مطرح باشد وارد نخواهد کرد. من این اطلاع را با آگاهی کامل از فعالیت های آمریکا در ایران می توانم به وی بدهم. این کاملاً برخلاف منافع ما در مورد تمامیت ارضی ایران است که بخواهیم به هر شکلی در کردستان مشکلاتی ایجاد نکنیم.

10- Precht گفت تا بحال برای حل بعضی مشکلات مالی آمریکا تلاش خود را کرده ولی از جانب ایران همکاری لازمها دادگاه های آمریکا نشده و ایران در بعضی قسمت ها کاملاً موفق بوده ما به دولت متذکر میشویم که از هر اقدامی برای حل این مشکلات و برای تحکیم روابط اقتصادی - تجاری با ایران فروگذار نخواهیم کرد. ولی دولت نیز باید دیدگاه دولت آمریکا نیز بسیار محدودیت هایی از نظر قانونی و غیره و ملحقیات سیاسی نسبت به نقشی که می توانند بازی کنند روبروست.

11- در مورد قطعات نظامی Precht مراحل را که توسط آمریکا متذکر شد و این که از ماه ژوئیه به این طرف هیچ مانعی برای نقل و انتقال قطعات از طرف دولت آمریکا ایجاد نشده.

11- مشکلاتی در مورد خاص بوده ولی آمریکا مایل است تا حرکت قطعات را به گونه ای میسر سازد تا یک رابطه پیگیر نظامی با ایران تأمین شود. ما همچنین خواستیم تا در مورد تهیه قطعات بدکی و تجهیزات برای واحدهای تجاری کمک باشیم و در این زمینه احتیاج به اطلاعات مشخص داریم.

12- بهشتی به پشتیبانی وسیع مردم از انقلاب اشاره کرد و گزارشاتی که شایع شده در مورد توطئه هایی منجمله در ارتش، و اگر چنین کودتایی بشود آمریکا به سبب نقش وسیعش در ارتش مقرر شده خواهد شد سخن بهشتی از کودتای این طور نبود که احتمال موفقیت برای آن قائل شد با تدبیر که موفق نخواهد شد و هرگونه تلاشی از این نوع مشکلات جدی برای دولت آمریکا در ایران ایجاد خواهد کرد. رهبری انقلاب تصمیم گرفته تا در چهار چوبی "دوستانه و مثبت" به آمریکا و غرب نزدیک شود. ولی آنها عمیقاً بدبین هستند.

13- با احترام به روابط نظامی ما با ایران فرصت ها را مختصم شدیم تا به اندازه ای گروه ارتباطی نظامی ما را اشاره کنیم. هیئت مستشاری ARMISH, MAAY از نظر تعداد خیلی زیاد بودند اکنون به ۶ نفر تقلیل یافته که فقط به منظور حفظ تماس با طرف ایرانی برای تسهیل تهیه لوازم از آمریکا توسط دولت میباشد.

14- Precht با یاد ورشده در دفترش درواشنگتن کاهی با افرادی از طبقه متوسط و حرفه‌ای بر - خورد نموده که این احساس را داشته اند که در فضای سیاسی ایران جایی برای آنها نیست در حالی که قبلاً با شاه نیز مخالف بوده اند، و از

بهشتی خواست تا نظر رهبری انقلاب را در مورد کسانی که بطور روزافزونی دلسرد و مخالف با جریان انقلاب میشوند توضیح دهد.

15- بهشتی قبول کرد که اشتباهاتی شده که غیر قابل اجتناب بوده. رهبری می دانند که نمی توانند سیواری به دور ایران بکشند و آن را از نفوذ خارج منفرد سازد با ایران را از منافع تکنولوژی و بازرگانی که دارد مورد نیاز آن است محروم سازد. رهبری انقلاب "مرزهای باز" می خواهند مرزهای بسته اکثریت به اقلیت یک میلیونی که حامی انقلاب نیستند اجازه اعمال نظر نمی دهد البته نظر رهبری آنست که اقلیت نیز به نفع بازرگانی و در این جهت تلاش میکند.

16- تفسیر: اظهارات بهشتی بیشتر این طور به نظر میرسد که منافع آمریکا را به مایه آوری می کند تا منافع ایران.

اظهارات بهشتی به نظر میرسد که برای یاد آوری این نکته به ما است که کوشش برای تثبیت روابط با منافع بیشتر به نفع آمریکا است تا ایران ایران انقلابی به نفع ما و حمایت آمریکا خوش آمد خواهد گفت. لیکن به هیچ وجه قصد نداریم بدان وابستگی پیدا کند.

لینکن

حالا یکبار دیگر متن سند را مرور میکنیم:

۱- (بند اول مهم نبوده!)

۲- بهشتی در بند دوم، احساسات و افکار عمومی مردم علیه رژیم شاه و هر کسی که به شاه کمک کند اشاره میکند و در واقع دشواری وظیفه ای را که در سازش با دشمن بعهده دارد دوست او را تا حد زیادی بسته است یادآور میشود. او خواستار قطعات بدکی نظامی است و خواهان ادامه قراردادهای بازرگانی، رژیم جمهوری اسلامی البته برای بازسازی سیستم سرمایه داری وابسته و بازسازی ارتش، چشم براه کمک آمریکا بوده است. اما میدانید چه وقت آقای بهشتی چنین انتظاری را از آمریکا داشته؟ در تاریخ ۲۹ اکتبر ۱۹۷۹ یعنی ۷ آبان ۱۳۵۸ یعنی ۶ روز پیش از تصرف سفارت بوسیله دانشجویان پیرو...! آیا میبینید که آقای بهشتی رژیم جمهوری اسلامی چقدر "فدا میریالیست" است؟!

۳- (بند سوم هم مهم نبود!)

۴- در بند چهارم آمریکا شایه از طریق جاسوس و ما مورخندان تا کیدی کند و آرزوی - نما بند که دولت جمهوری اسلامی ایران با ایجاد نهادهای جدید دولتی به منافع آمریکا و ایران خدمت کند. چگونه ممکن است دولت و کلا رژیم جدید ما هیتی خلقی داشته باشد در عین حال آمریکا انتظار داشته باشد که منافع خود را در آن منعکس ببیند. آیا این شفا هم بین بهشتی و نمایندگان امپریالیسم دقیقاً دنیا له همان سازش و توافق نیست که بر سر سر نوشت انقلاب بین آمریکا و ارتجاع داخلی بعمل آمد؟ سولیوان آخرین سفیر آمریکا در تهران، در



مجله مسائل خارجی چاپ آمریکا نوشت: "توصیه من به دولت آمریکا این بوده که با ایداز متلاشی شدن ارتش در اثر انقلاب جلوگیری کنیم. به عقیده من سبب ارتباط خاص آمریکا با ایران ما می بایستی می دیدیم که آیا می توانیم ترتیبی بدهیم که نیروهای مسلح ایران دست نخورده بمانند. آیا؟" (پیکار ۲۲ مورخه ۲۴ شهریور ۵۹)

آیا تلائن بهشتی برای تحکیم روابط با آمریکا و تسریع در ارسال و تعمیر قطعات بدکی و "ایجاد نهادهای جدید دولتی" جز به منظور خدمت به منافع آمریکا و ایرانی که بدان وابسته میباشد بوده است؟

۵- در بند پنجم و ششم و هفتم هیچ بخشی از قطع وابستگی و امثال آن که اینهمه میلیونها نفر از زنده های زحمتکش میهن ما آنرا فریاد زنده و در راه آن اعتصاب کردند، به غیبا با آنها ریختند و کشته و زخمی دادند، مطرح نیست، فقط موضوع شاه مطرح است آنها البته از ترس مردم! سال دوم دامه روابط با زرگانی است که بهشتی روی آن تاکید میکند و از آمریکا کمک می خواهد که نگذارند حجابهای بانکی ایران در آمریکا بوسیله دادگاههای آن کشور بسته شود.

مساله سومین و تعمیر سریع قطعات بدکی نظامی است. بهشتی از آمریکا کله میکند که "چرا با سرعت کافی و به میزان مورد نظر قطعات بدکی نظامی بوسیله آمریکا تسلیح نشده است!"

۸- در ماده هشتم ما مورسفات نظر دولت آمریکا را در تشریح اینکه از نظر دولت متبوع او شاه دیگر بعنوان یک مقام رسمی تلقی نمی شود و اینکه آمریکا خواستار "استقلال و تمامیت ارضی ایران" است را با زرگومی نماینده بهشتی هیچ اعتراضی ندارد.

۹- در ماده نهم ما مورسفا "تاکید میکنند که آمریکا در کردستان نقشی ندارد و اینکه ایجاد مشکل در کردستان برای رژیم جدید ایران "بر خلاف منافع آمریکا" میباشد.

۱۰- در بند دهم با زسخن از حل مشکلات مالی و همکاری دولت آمریکا با ایران در دادگاههای آمریکا است تا هرگونه مشکلی از سر راه تحکیم روابط اقتصادی و تجاری آمریکا با ایران بر نداشته شود.

۱۱- در بند دوازدهم یکی دیگر از ما مورسین سفارت بنام "پرشت" تاکید می نماید که از ماه مرداد ۵۸ برای ارسال قطعات بدکی نظامی به ایران مانعی ایجاد نشده است. طبیعی است وقتی رژیم ایران اسلحه را برای سرکوب خلق کرد و دیگر خلقهای مبارز ایران می خواهند، وقتی می خواهند کمنیستها و انقلابیون را نشان نرود، وقتی هدف ایران از دریافت اسلحه سرکوب مبارزان و زحمتکشان است، چرا آمریکا اسلحه ندهد؟ هم میداند نیم که زمانیکه اولین جنگ کردستان (درپاوه) شروع

شد و آقای چمران "برای بزم و رزم" به کردستان میرفت، آمریکا ۲/۵ میلیارد دلار اسلحه به ایران تحویل داد. حتی پس از جریان سفارت و تحریمات تصادفی و غیره با هم بطور مستقیم و غیر مستقیم اسلحه آمریکا بی با ایران وارد شده است. ما اخبار و اسناد زیادی در این رابطه در پیکار (شماره های اخیر) منتشر کرده ایم.

۱۱- (مکرر در اصل) در این اسناد زطسرف آمریکا شایه تا کید میشود که آمریکا مایل است تا حرکت قطعات بدکی نظامی را به گونه ای میسر سازد تا یک رابطه پیگیر نظامی با ایران تا مین شود. در مورد قطعات بدکی و تجهیزات برای واحدهای تجاری هم آمریکا اعلام آمادگی مجدد می نماید.

۱۲- در بند دوازدهم بهشتی تاکید میکند که "رهبری انقلاب" تصمیم گرفته تا در چهار چوبی "دوستانه و مثبت" به آمریکا و غرب نزدیک شود. حالا خوب معنی "به شرقی نه غربی" را می توان فهمید که این تقدیر شومانه بر سر آن داد و فریاد دیرا میاندازند.

۱۳- در بند سیزدهم ضرورت وجود هیات مستشاری نظامی برای تسهیل تهیه لوازم از آمریکا توسط دولت جمهوری اسلامی مورد بحث و تا شید قرار میگیرد.

۱۴- در بند چهاردهم و پانزدهم ما مورسفات تلویحاً سخن از لیبیرالها می بعمل می آورده که در حال حاضر در آمریکا هستند و رژیم فعلی ایران تا رضایتی هائی دارند و آقای بهشتی می پذیرد که اشتباهاتی شده است.

هموطنان مبارز ما توجه دارند که منظور از اینگونه "اشتباهات" همان فشارها می باشد که توده های انقلابی میهن ما علیه کلیه وابستگان به رژیم سابق و امیربالیستها داشته اند. همان فشارها می باشد که آقای بازرگان آنرا به "سیل" تشبیه کرد و گفت "با ران می خواستیم، سیل آمد!" (ترس از انقلاب و توده های انقلابی!) با لایحه آقای بهشتی که از ماده آن "سیل" که بنیان امیربالیسم و سرما به داری وابسته را می خواست از ایران براندازد، در خود جلوی گیری نموده از طرف رژیم جمهوری اسلامی تاکید می کند که "رهبری انقلاب" خواستار "مرزهای باز" می باشد نه "مرزهای بسته"! این حرف اگر مخالف صحبت آیت الله خمینی است که گفت "ما بهتراست دور خودمان دیوار بکشیم" تعجب نکنند. آخر حرف بهشتی صرفاً خارجی داشته و حرف آیت الله خمینی برای مصرف داخلی گفته شده است و هر دو در یک خط است.

۱۶- در بند شانزدهم و در بیان گزارش این ملاقات فضاحت بار، آقای بهشتی، چنان چشم اندازی را برای روابط ایران و آمریکا ترسیم نموده که ما مورسفات می نویسد:

"اینطور بنظر میرسد که بهشتی "بیشتر منافع آمریکا را به ما یادآوری می کند تا منافع ایران را!"

این را میگویند که تولید ترازی با آقای

بهشتی از خود آمریکا شایه هم بیشتر برای منافع آمریکا دل میسوزاند و میگوید تا ترا زخمی توفنده انقلاب توده ها محفوظ نگاه دارد!

آقای بهشتی تاکید میکند که "ایران انقلابی (منظور رژیم ضد انقلابی جمهوری اسلامی است) به تها هم و حما بت آمریکا خوش آمد میگوید!"

سنگ و نفرت بر اینهمه خیانت و مردم فریبی که بهشتی و امثال او دارند! از یک طرف گوش فلک را از با صلاح مبارزه ضد امیربالیستی پر کردن، آنگاه برای منافع آمریکا سینه چاک دادن و به انقلاب ضد امیربالیستی توده های خلق خنجر زدن.

۳- چهره دشمنان خلق را هر چه بیشتر افشا کنیم  
۳- توده ها را نسبت به دشمنان نقابدار نشان هر چه بیشتر آشنا سازیم

۳- با کار و فعالیت انقلابی و کمونیستی، پرچم انقلاب دموکراتیک - ضد امیربالیستی را در راه برقراری جمهوری دموکراتیک خلق و بسوی جامعه سوسیالیستی همسواره برافراشته نگاه داریم و به پیش رویم از زمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

۱۳۵۹/۱۰/۱۲

اعلامیه شماره ۱۰۴

★ ★ ★

## مبارزه موفقیت آمیز دانش آموزان در شهرکرد

روز ۲۵ آذرماه، اعلامیه نیروهای انقلابی به دیوار "هنرستان صنعتی" شهر نصب شده بود که پس از چند دقیقه توسط معاون هنرستان کنده شد این عمل ارتجاعی موجب خشم و اعتراض هنر جوان گردید و با شعار "مرگ بر ارتجاع" در مقابل آن ایستادند. فردای آن روز، طرفداران "حزب جمهوری" دست به توطئه زده و اعلام کردند که یکی از هواداران نشان در اثر ضرب مشت یک دانش آموز انقلابی مریض شده است و خواستار اخراج وی شدند. روز پنجشنبه ۲۷/۹/۵۹ از طرف دفتر هنرستان و رفته اخراج آن دانش آموز انقلابی به دیوار زده شد، دانش آموزان مبارز با اعتراض به تصمیم ارتجاعی هنرستان دست به تظاهرات زدند، آنها شعار میدادند: "محل میرزمد، ارتجاع امیربالیسم میلرزمد"، "فعالیت سیاسی آزاد باید گردد"، "فرهنگ استعماری نا بودنیاید گردد"، "خواسته توده ها، فرهنگ انقلابی است"، "تفتیش عقاید، توطئه ارتجاع است، آزادی سیاسی خواسته توده ها است" و... دانش آموزان انقلابی با مبارزه خود توانستند به خواسته خود مبنی بر نصب تشریفات و اعلامیه های انقلابی را عملی سازند. یکی از هواداران "اکثریت" میگفت که "اگر بجای مدیر بودم، نمی گذاشتم تشریفات از زمان "پیکار" را به دیوار بزنند". آری رویز-یونیسف های متردد خدمت به بورژوازی چنان از نیروهای کمونیست و انقلابی وحشت دارند که حاضرند تن به هر کاری بدهند.



## "توبودی رستم دستان" نه با کاووس، بر کاووس" یادی از جهان پهلوان تختی بمناسبت سیزدهمین سالگرد شهادتش

۱۷ دی ماه ۱۳۴۶ دستان تنبکها رد زخمیان ساواک به زندگی کوتاه و شرافتمندانه غلامرضا تختی، فرزندی مبارز "غانی آباد" پایان داد. او در شهریور ۱۳۰۹ در تهران دیده به جهان گشود و زندگی سراسرنج و مشقت مردم جنوب تهران - که خود از زمین آنان و درمیان آنها بود - او را با واقعات زندگی زحمتکشان آشنا ساخت و او را به مبارزه علیه پیدا دوز و روجو رگشا نه تختی خیلی زود در صحنه ورزش درخشدولی نه تنها همچون حبیبی ها... حاضر به چا پلوسی رژیم شاه نگشت، بلکه ورزش و تنگ کشتی را در خدمت فعلیتهای سیاسی خود قرار داد. رفتار رومنش توده‌ای او، وی را محبوب توده‌های زحمتکش نمود و او این محبوبیت را در خدمت مبارزه علیه رژیم قرار داد. روحیه سلحشورش مانع از آن شد که یکدم از فکر توده‌های با برهنه غافل بماند و در نتیجه رژیم و وابسته‌ها به وحشت افتاد و کمر به قتل او بست. شهادت تختی، حرکت مبارزانه‌ای بی نظیری را در میان توده‌های مردم و بویژه جوانان انقلابی دامن زد و جنبش دانشجویان انقلابی "شب هفت" و "چهلیم" تختی را یکی از پر شورترین تظاهرات توده‌ای در آن سالهای سیاه خفقان علیه رژیم شاه و امیرالایم بسد ل ساخت و برای اولین بار در آن سالهای اختناق فریادها شیکه با "دروود بر تختی"، "زحمتکشان بدانید تختی شهید گردید" شروع شده بود، رسا تر شده و با طلین "مرگ بر شاه" تجلیلی راکه تا بسته تختی بوده تجلیلی از مبارزه او - برپا داشت. شهادت نیز چون زندگیش در خدمت مبارزه توده‌ها و خروش خشم انقلابی آنان قرار گرفت.

بادش گرامی باد

## راهپیمائی اعتراضی رانندگان وانت بار

جنگ ارتجاعی همچنان زحمتکشان را زیر فشار قرار داده است. بدنبال گرانی بنزین رانندگان و وانت بارها مشکلات بسیار رویرو شدند. اتحادیه انقلابی مرتباً آنها را سردوانده و با آنها نیز از دادن کوبین بنزین خودداری کردند روز شنبه ۲۲ آذر ماه رانندگان زحمتکش در مقابل "اتحادیه" تجمع کرده و خواهان گرفتن حق خود بودند. مسئولین اتحادیه بجای رسیدگی به مشکلات رانندگان، با سداران را به مقابله آنها فرستادند که آنها با تیراندازی هواشسی سعی در متفرق کردن رانندگان نمودند. ۲۰ نفر

## اندر بشردوستی امیرالایم آمریکا و افاضات رهبر حرکت اسلامی افغانستان

در سالگرد تاجا و زوسو ل امیرالایم سروس به افغانستان، لیسرا لیا همسکوت را جابیز نشمردند. روزنامه "انقلاب اسلامی" مصاحبه‌ای کرده است با "مولوی محمد بنی رهبر حرکت اسلامی افغانستان" که در شماره پنجشنبه ۴ دی - ماه ۵۹ آذر روزنامه چاپ شده است. در قسمتی از این مصاحبه "از وی سؤال شده است که: اگر آمریکا به شما کمک کند قبول میکنید؟" وی جواب میدهد: "اگر از وی بشردوستی و بدون قید و شرط و بدون تبعیض و قرار داد کمک کند قبول میکنیم... در جای دیگر از وی سؤال میشود: آیا شما با ضیا الحق ارتباط دارید؟" و رهبر حرکت اسلامی افغانستان پاسخ میدهد: "بله! ویسیا بنظر دوستا نه دارد، از اینکه روسیه ظلم میکند به کشور ما و تاجا و زکرده است رنج میرد حضرت محمد بنی در پاسخ به این سؤال که: "امور مالی شما چگونه تا مین میشود؟" میفرماید: "آز کمک و خدمات مردم مسلمان است برخی افراد متعول در افغانستان و پاکستان با کمک می کنند."

این سه مطلب را کناره‌ها بگذارید تا واقعیت ما هیت "حرکت اسلامی افغانستان" را بهتر

در با سید، "حرکتی" که رهبرش انتظار بشردوستی از امیرالایم آمریکا داشته و حاضر به قبول کمک - های آن باشد و نرال ضیا الحق - مسز دور پاکستانی امیرالایم آمریکا با آنها "نظر دوستا نه" داشته و مورالی "شان نیز توسط" افراد متعول در افغانستان و پاکستان "رفع و رجوع شود، روشن است که چگونه "حرکتی" است بی جهت نیست که سردمداران رژیم جمهوری اینقدر درباره "مهاجرت اسلامی" افغان داد سخن میزنند.

البته پس از "اعترافات" حضرت محمد بنی رویونیست های حزب توده (و احیاناً برادران اکثریتی شان) نیز ساکت نخواهند نشست و سخنان مرتجع افغانی را شادی بر "اثبات" "حقانیت" آنها جمارتش شوروی به افغانستان و به خاک و خون کشیدن خلق این کشور خواهند آورد. رویونیست های خاشن جنیروهای ارتجاعی، امیرالایمستی و وابستگان نمی توانند چیزی دیگری را ببینند. آنها برای توجیه پشتیبانی شان از تاجا و زوسو ل امیرالایمستی و نوکر بی‌مقدارشان "سپرک کارمل" مجبورند که خلق افغانستان و نیروهای کمونیست و انقلابی افغانستان را که با مرز بندی قاطعانه به مرتجعین و فئودالهای وابسته به امیرالایمستی غریبی با سوسو ل امیرالایم و رژیم دست نشانده - اش مبارزه میکنند، نا دیده گرفته و آنها را با نیروهای وابسته به غرب دریغ کینه بریزند. اما آفتاب حقیقت برای همیشه در پشت ابرها پنهان نمی ماند.



زمین نشسته و خواستار مژدا کره با نما بنده نخست - وزیر شدند، آنها خواسته‌هایشان را مبنی بر: الفای "اتحادیه" فعلی و تشکیل اتحادیه واقعی، تحویل کوبین و کارنا معاً از طریق بانک تحویل لوازم بدگی، توزیع بنزین عادلانه تشکیل اتحادیه برای رانندگان و وانت بار بپاک سفید، پرداخت ماه با التفاوت بنزین ماه قبل ۱۰۰٪ اعلام کردند و بدون توجه به تحریکات کسانیکه از طرف نخست وزیر صحبت میکردند تصمیم گرفتند تا رسیدن به خواسته‌هایشان به مبارزات خود ادامه دهند.

از رانندگان را دستگیر کردند، بقیه رانندگان به اعتراض بلند شدند و چون نتوانستند با اتحادیه به توافق برسند تصمیم گرفتند به نخست - وزیر بروند تا در مسیر با شعراهای: "اتحادیه انقلابی منحل با یکدرد"، "اتحادیه واقعی ایجا دبا یکدرد"، "بنزین عادلانه توزیع با یکدرد" و... خواهانیشان را بگوش مردم میرسانند در مسیر نیز رانندگان دیگر به آنها می پیوستند. در حدود ۲۰۰۰ راننده و وانت بار در این راهپیمائی اعتراضی شرکت داشتند. در مقابل دفتر نخست وزیر زحمتکشان راننده بر



## از اشغال نظامی افغانستان یکسال گذشت افغانستان، گورستان تجاوزگران روسی

ششم دیماه مصادف بود با اولین سالگرد اشغال نظامی افغانستان توسط ارتش تجاوزگر سوسیال امپریالیسم روس. بیش از دهها هزار سرباز روسی با مدرنترین سلاحها، افغانستان را اشغال کردند تا با کشتار و سرکوب زحمتکشان افغان صفحه جدیدی از جنایات امپریالیسم روس بگشایند.

حلقهای جهان این تجاوز امپریالیستی را محکوم کردند. امپریالیستهای غربی و وابستگانشان نیز از زاویه منافع خود جا رو - جنجال های تو خالی و فریبکارانه به اعتراض علیه شوروی پرداختند که نتایجی نداشت. رو بیرو - پشت پرده رادرتها ن بدسیال داشت. رو بیرو - نیست ها واقعا ر شوروی نیز طبعاً و بعنا و بیسن مختلف بدفاع از این تجاوز آشکار برخاستند. زحمتکشان آگاه افغانستان پس از تهاجم شوروی نه تنها دست از مقاومت نکشیدند، بلکه پیگیرانه به نبرد با تجاوزگران ادامه دادند. در این میان نیروهای مرتجع محلی با حمایت امپریالیستهای غربی، بخشی از توده های نا - آگاه را بدور خود گردآوردند و برای تامین منافع اربابانشان به مبارزه با رژیم دست نشانده شوروی پرداختند.

### تاریخچه نفوذ شوروی در افغانستان

اشغال نظامی افغانستان نتیجه منطقی تکامل نفوذ شوروی در این کشور بود. آغاز نفوذ نظامی، اقتصادی و سیاسی شوروی به اواخر سالهای ۱۹۵۰ و اوائل سالهای ۶۰ بر میگردد. پس از آنکه رژیم استبدادی ظاهراً برای مقابله با پاکستان در کشمکش سراسر با لیتوانستان از آمریکا کمک تسلیحاتی خواست و در نتیجه رژیم کابل برای دریافت اسلحه و کمکهای اقتصادی به شوروی روی آورد. قبل از آن امپریالیسم آمریکا در برنامهای اقتصادی افغانستان نقش بیشتری داشت ولی در برنامهای پنجاه ساله سوم افغانستان، آمریکا با ۱۸ میلیون دلار وام پس از شوروی قرار گرفت.

سالهای ۵۰، با اوچگیری مبارزات مردم افغانستان بر علیه استبداد ظاهراً و نفوذ امپریالیسم و نیز تقیادهای مسلحانه حلقهای پشتون و بلوچ مقارن بود. رژیم سلطنتی که "داود" نخست وزیر آن بود بخوبی میدانست که خلق بیباک افغانستان کمر به سرنگونی اش بسته است. لذا برای سرکوب جنبش به کمک امپریالیستها نیاز داشت و بورژوازی نوبسای شوروی از این فرصت نهایت سود را برد. شوروی در این دخالت، دورنمای دست یابی به اقیانوس هند را پیش چشم داشت. در نتیجه، سیل ملاحضای کهنه شوروی به افغانستان سرازیر گردید. در آرای این کمکها، روسها کار افغانستان را با قیمت ۱۰۰۰۰۰۰۰ نرخ جهانی به غارت بردند. روسها در آراء و امیهای کمربندگانشان با اکثریت فیمت ها به بهره برداری از سخت عمده معدن، مواد خام، محصولات کشاورزی، ... با اعضاء قراردادهای

۲۰ ساله و با قیمت ثابت برای این مسدود برداخت و قسمت عمده بازرگانی خارجی افغانستان را با تحمیر خود درآورد و بخش اعظم تریایهای اقتصادی و اجتماعی کشور را در اختیار گرفت. البته امپریالیستهای غربی نیز بنوبه خود در غارت و استثمار خلق افغانستان سهم بردند ولی نقش شوروی در درجه اول اهمیت قرار داشته در سال ۱۳۴۳ "حزب دمکراتیک خلق" رهبری نورمحمد ترهکی خا ش تا سیس (و یکسال بعد به انشأ روزنامه "خلق" پرداخت) و در خدمت تحقق اهداف شوروی درآمد. این حزب چندین بعدی به جناح "خلق" و "پرچم" مشعب شد. در شرایطی که خشم انقلابی نوده ها روز بروز با شدت بیشتری مینافقت و جنبش دمکراتیک نوین (شعله ها وید) بهما به یک سازمان انقلابی به تبلیغ و ترویج مبارزه فهرآزمیزی پرداخت، رو بیرونیستهای "خلق" و "پرچم" با دست سوسی ظاهراً و اعصاب - شکی به تبلیغ "با لمانتا ریسیم" و "راه مسالمت" - امیر "پرداخته و نا هرا" "میرمستول"، "واجب" - الاحترام" و "دمکرات ترین شاه آسیا" می - خواندند. آنها در آرزوی سهم شدن در قدرت و از زاویه دفاع از منافع اربابان روسی به مخالفت با محافل وابسته به امپریالیسم غرب می پرداختند. اما سلطت تشدید روز افزون بهران - های اقتصادی - اجتماعی - سیاسی و همراه با آن اوچگیری سریع مبارزات طبقاتی نوده ها در طی سالهای ۴۷ تا ۵۲ سوسیال امپریالیسم روس و امپریالیستهای غربی به نفع هم و ناسی رسیدند.

سوسیال امپریالیسم شوروی با استفاده از موقعیت ممتاز خویش و بویژه نفوذش در ارتش و با تکیه به جناحهای وابسته بخود و ستون بنجم خویش ("خلق" و "پرچم") موفق شد با کودتای ۲۶ تیر ۱۳۵۲ "داودخان" - از مهره های طرفدار خود - را به قدرت برساند. هر چند که وی عنبرالیسمه مناسبی برای با سخکونی به نیازهای امپریالیستنی شوروی بشمار میرفت، اما اوضاع افغانستان و موقعیت "داود" و برخی اطرافیان سبب گشت که دستکا دولت به صحنه رفت های گروههای مرتجع وابسته به شوروی و غرب تبدیل گردد. با تشدید بحرانهای اقتصادی و اجتماعی و ... این تضادهای نیز جا در تشدید. این مشخصات دیگر دوران داودخان و ظهور یک دیکتاتوری خشن و غربیان بود. در این دوران توده های میلیونی در شرف فقر و فلاکت محصور به ترک وطن و روی آوردن به ایران و پاکستان و ... گردیدند. بدین - ترتیب تحت شرایط اختناق و سرکوب وحشیانه

جنبش انقلابی فرو کس کرد. رو بیرونیستهای "خلق" و "پرچم" که روزگاری خواب بدست آوردن قدرت از طریق "مسالمت آمیز" و "تدریجی" را میدیدند، در این دوره جنبه "انقلاب" از بالا (در واقع کودتا) دوخته و تا دایز نشسته قدرت به خبا با آنها ریخته و سرود و "سوسیالیسم" را و دی را سر میدادند. از ویژگیهای رو بیرونیستهای خا ش افغانسی شدت اختلافات درونی شان بود. با حدی که ارتدائهای "خلق" و "پرچم" آنکارا این جنگ قدرت را با حمله بیکدیگر منعکس میکردند.

سندید بحرانها، با توانایی در سر آوردن وعده - وعده ها و در ارتقا رواراد از سوی محافل وابسته به غرب "داود" را به طرف امپریالیستهای غربی سوق داد. این چرخش موجبات سقوط او را فراهم کرد. با کودتای ۷ اردیبهشت ۱۳۵۷، روی کار آمدن دولت دست نشانده روس، وابستگی به سوسیال امپریالیسم شدت گرفت و روسها توانستند با امضای ۲۶ قرارداد استعماری در دوران ترهکی - امین علاوه بر غارت منابع خلق افغان، حق مداخله نظامی در آن کشور را نیز بدست آورند. با اوچگیری جنبش انقلابی و برای فرو نشاندن آن تبعیضات زیهای سیاسی شروع شد. "حفظه الله امین" به صحنه آمدند و "استادانای" خود را با حمله گرفت. اما مسالمت اوج گرفت. و این موجب شد که کودتاگران جدیدان دهها نوبت ها و تانکهای ارتش شوروی سیرون آمده و "مرحله سون حرب واحد میکراتیک" اعلام کردند. احزاب متخاصم قبلی دوباره "واحد" شدند و بقول افغانی ها هفتمین "ازدواج خلق و پرچم" صورت گرفت. سیرک کارمل در کتاب "کوشه ای از زندگی نورمحمد ترهکی" (انتشارات "پرچم" - ۱۳۵۵) بدترین لقب ها را به ترهکی داده بود ولی اینک امین "نا کرد و نا دار" ترهکی یعنی حفیظ الله امین است که از چشم آسای کارمل عامل سنا و امپریالیسم بوده است. آنچه سیرک کارمل "مرحله سون انقلاب" مینامد در واقع چیزی نیست مگر نحت سلطه در آمدن کامل افغانستان بوسیله ارتش مسلح امپریالیستی شوروی.

### اوضاع کنونی افغانستان

نقشه های سوسیال امپریالیسم روس که کمان میگرد میبندد و مقامت دلبران خلق افغانستان را در هم میبندد، با خشم و طغیان نوده ها نقش بر آب شد. هنگامیکه از خلق افغانستان صحبت میکنیم با جناح دیگری از طبقات ارتجاعی شامل بخشی از فئودالها (بخش دیگر طرفدار کارمل هستند)، رهبران مرتجع مذهبی وابسته به غرب، کمپرادورها، سوروکراانهای نظامی و غیر نظامی وابسته و

شعله ها وید "بعدها دچار اشباع گردید و یک جریان "بچه جانی" ارمان استعجاب سیرون آمد



**آدم ربانی، شکنجه و ترور**

از اینگونه اقدامات که یک انقلابی را در خیابان برساند، او را شکنجه کنند تهدید بمرگ نماید و حتی او را بکشند یا راه در رژیم جمهوری اسلامی هم اتفاق افتاد است که یک نمونه آن ربودن و قتل دوفریق شهیدما سعودمالی را در وطیب نجم الدینی بود. از دیگر انقلابیون وابسته به نیروهای دیگر مثل راه کارگر، مجاهدین و فدائیان خلق (اقلیت) و غیره نیز نمونه های متعددی دیده شده است.

حدود دو هفته پیش یکی از هواداران فدائیان خلق (اقلیت) را در حالیکه مشغول فروختن نشریات انقلابی بوده بزرگ دستگیر کرده و راه به زور سوار توپمبلی میکنند چشم او را میبندند و با کتک و فحش به بیابانهای اطراف تهران پارس میبرند. او را کلا ملاتخت کرده و در سرما شکنجه میکنند منجمله برای شربان دادن او کاردبه حلقش می مالند! او را راه میکنند.

این رفیق انقلابی با رچه را از زوری چشم - هایش بازمیکنند و میکوشند لباس هایش را کسه اینسو آنسو انداخته بودند بردارند و بیوشدولی خدا انقلابیون دوباره بر سرش میریزند و پس از کتک زدن او را راه میکنند. این رفیق انقلابی و مقام با دشواری زیبا خود را به شهر میرساند. خدا انقلاب با بد مطمنش با دهیچیک از این شیوه های سرکوب جلوی پیشروی انقلاب را نمی- کبرد!

در ادامه ضروری است برای سازمانها و گروههایی که در افغانستان فقط دونیرو و موضع (آمریکا و شوروی) را می بینند و در نتیجه برخورد های انحرافی، منزلزل و بارویزیونیستی از خود نشان میدهند و نکته را یادآوری کنیم: ۱- با حرکت از تحلیل ماهیت شوروی، لشکر- کشی وی را به افغانستان ارزبایی نمائید اشتباه شما در این است که فقط با حرکت از ماهیت و نقش امپریالیسم آمریکا به مسئله افغانستان نگاه میکنید و با در نظر گرفتن این مسئله به موضع کلا انحرافی و رویزیونیستی در مورد نقش شوروی در افغانستان میرسید.

۲- کوشش نمائید تا با حرکت از موضع مستقل خلق مبارزان افغانستان به بررسی نیروهای موجود در این کشور بپردازد و در نتیجه به پشتیبانی از انقلاب افغانستان و نیروهای انقلابی آن برخیزید.

توسطه های امپریالیسم غرب در افغانستان را افشا نمائیم! پیروزی دمبارزات خلق قهرمان افغانستان بر علیه رژیم سرسپرده سوسیال امپریالیسم! پیروزی داد انقلاب رها شیخ خلقهای تحت ستم بر علیه امپریالیسم جهانی!

سربازان روسی با زار "جمهوریت" کابل را مورد دستبرد قرار داده و برای ردگم کردن آنجا راه آتش کشیدند. فرهنگ رویزیونیستی و امپریالیستی جز این نمیتواند نبیا آورد.

پس از دو سال جنگ مسلحانه در افغانستان هیچیک از دو جناح (وابسته به شوروی و غرب) موفق به جلب پشتیبانی شده ها نگشته و نتوانسته اند حاکمیت سراسری خود را استوار سازند. در این میان تنها نیروی رشدیابنده، نیروهای انقلابی هستند که با اتکاء به کارگران، دهقانان و سایر زحمتکشان به مبارزه ادامه میدهند و بیخاطری هراس مشترک امپریالیستها از انقلاب دورنمای تنبانی و معامله پنهانی امپریالیسم آمریکا و سوسیال امپریالیسم شوروی برای یافتن "راه حل" مشترک نباید نادیده گرفته شود. این روزها شایعات فراوانی در مورد روی کار آمدن ظاهر شاه خاش بعنوان "راه حل" مشترک در افغانستان وجود دارد.

**سه نیرو در برابر هم**

علیرغم تصورات نادرست تبلیغات ارتجاعی که فقط دونیرو را در افغانستان در مقابل هم قرار میدهند در این کشورها با سه نیرو سه موضع مختلف رویرو هستیم:

الف - سوسیال امپریالیسم و پانده های داخلی وابسته به آن  
چنانچه اشاره شد شیرازه گروه های حاکم "خلق" و "پرچم" و فراکسیونهای منشعب از آنها کلا از هم جدا شده اند. و تفادهای درونی آنها بحدا انفجاری رسیده است.  
ب - امپریالیسمهای غربی و احزاب "اسلامی" وابسته به آن که اساسا زیر نفوذ و فواید آنها قرار دارند.

ج - موضع خلق افغانستان و نیروهای انقلابی، مترقی و مبارز

کمونیستها و انقلابیون راستین افغانستان تنها با مرزبندی قاطع و دقیق با ایادی امپریالیسم و برآه انداختن یک جنبش وسیع آزادی- بخش در دفاع از منافع خلق میتوانند راه پیروزی انقلاب دمکراتیک و خدا امپریالیستی را هموار سازند. توضیح این نکته ضروری است که رویزیونیستهای خاش سه جانی که در "مخالفت" با سوسیال امپریالیسم آتش تندی از خود نشان میدهند در حقیقت در حرف و عمل رهبری عمل امپریالیسم آمریکا را پذیرفته و شعاع وحدت بزیر پرچم این "رهبری" را تبلیغ میکنند. آنها با قرار گرفتن در کنار نیروهای مرتجع مذهبی در برابر خلق افغانستان قرار گرفته و به منافع خلق خبیانت میکنند. رویزیونیستهای خاش سه جانی "رنجبران" نیز در قبال خلق زحمتکش افغانستان چنین مواضعی را اتخاذ کرده اند.

رویزیونیستهای خاش "حزب تسوود" و "اکثریت" فدائیان رسالت را در دفاع از سوسیال امپریالیسم انجام داده و در مفسد شمنان خلق افغانستان قرار گرفته اند.

عده ای از افراد فداری حزب "خلق" که در جهت تامین منافع امپریالیسمهای غربی بویژه آمریکا و استقرار مجدد نظام ریاستی سنتی حرکت میکنند، مرزبندی قاطعی داریم. آنها شی که در دهها گروه و حزب مذهبی افغانی در ایران و پاکستان گرد آمده اند بخاطریای نقشی خاش نشان خیانتهکار نسبت به خلق افغان می- باشند. آنها و ارتجاع حاکم از نظر ما هیست و وابستگی خود، برای نیروهای انقلابی یکسانند با ندهای "خوان المسلمین" دشمن عمده شانرا نه روسها بلکه انقلابیون چپ افغانستان می - دانند. اغلب این با ندهای ارتجاعی وابسته به امپریالیسم غرب و از جمله آمریکا میباشند و مقابله آنها با شوروی نه از موضع دفاع از انقلاب و منافع توده های زحمتکش، بلکه از موضع ارتجاعی و سرسپردگی شان میباشد.

امروز نیروهای واقعا انقلابی و توده های آگاه از موضع خدا امپریالیستی به مبارزه خود علیه مرتجعین - امپریالیستها و بخصوص شوروی ادامه میدهند. در طول ۶ - ۷ ماه گذشته در هرات و حوالی آن تجا و زگران روسی همراه با ندهای "خلق" و "پرچم" برای سر بازگیری خانه های مردم را محاصره کرده و اقدام به دستگیری جوانان بالاتر از ۱۶ سال نموده اند چرا که توده ها از آنها گریزانند. با وجودیکه شب و روز مدای رگبار مسلسل و غرش تانکهای تجا و زگران لحظه ای قطع نمیشود ولی توده ها که در میان آنها نوجوانان و دختران دانش آموز نیز زیاد چشم میخورند، حماسه های پرشوری از مقاومت و مبارزه مینمایند.

در اینجا جا دارد از رفیق ملالی دختر - دانشجوی کمونیست از تشکیلات "اخگر" یاد کنیم که پس از تحمل شش ماه شکنجه وحشیانه جلادان در زندان "پلچرخی" و مقاومت حماسه آفرین تنها جایی که حتی از افشای نامها نواگهی اش نیز خودداری کرد و همراه با گروه عظیمی از انقلابیون دیگر روانه کشتارگاه گردید. این واقعه ایست که هزاران زندانی سیاسی که در زمان تره کسی - امین در شکنجهگاهها و سبها لیا و در راه آزادی بشهادت رسیدند، از کمونیستها و روشنفکران انقلابی بودند. در میان هزاران انقلابی که در دوره زمانمداری ببرگ کارمسل شهید شده اند با یاد "مجید کلکانی" یاد کنیم که پس از ۱۵ سال مبارزه سرانجام بدست مسزوران سوسیال امپریالیسم دستگیر و در ۸ ژوئن ۱۹۸۰ (۱۸ خرداد ۵۹) در راه های زحمتکشان اعدام گردید.

یادشیدان بخون خفته خلق افغانستان را گرامی میداریم!

در حال حاضر در بین سربازان و افسران روسی آنچنان فساد و انحطاط اخلاقی موج میزند که آنها در هراتها جمعی به محلات و روستاها به زنان و دختران تجا و زمینها بسودا مال زحمتکشان را به سرقت میبرند. در سال گذشته گروهی از



## گرامی باد خاطره رفقای شهید



### فدائی خلق یوسف زرکاری

- تولد در ۱۳۳۱ در یک خانواده کارگری  
- برای امر معاش از او ان کودکی  
به کارگری پرداخت  
- در او خردده ۱۳۴۰ با بیوستن  
به سازمان چریکهای فدائی خلق  
فعالیت انقلابی خود را آغاز کرد  
- در سال ۵۰ دستگیر و سپس از یک  
سال آزاد گردید  
- نویسنده کتاب "خاطرات یک چریک  
در زندان" که حاوی تجارب او در  
مقابله با پلیس و نیروهای سرکوب  
- کر رژیم شاه است  
- در ۱۳۵۲ دیماه ۱۳۵۲ در یک درگیری  
در امقهان به شهادت رسید

کارگر چینی به سوی بلیم و جنبش  
- های آزادی بخش میدانت و  
آنها را مورد تمسخر قرار میداد  
رفقای شهرمانی چون حسن  
مسعودا حمدزاده، حمید مومنی و...  
مبارزه علیه سرما به داری را جدا از  
مبارزه علیه روزیونیم (پویزیونیم  
خروجی در آن زمان) نمیدانستند  
اما امروز در آن ناما زمان  
چریکهای فدائی خلق (اکثریتی)  
های خائن (که با لمدادن برخون  
رفقای شهرمانی چون حسن می -  
خواهند بیرونی برای خود دست و پا  
کنند، نمیکخواهند بدانند که این  
رفقا علیه غم منی چریکی خود که  
انحراف از مارکسیسم است پس  
روزیونیتها مرز بندی انقلابی  
داشتند و حاضر به هیچگونه مصالحه ای  
با آنها نبودند  
با دنان گرامی ما باد!



### فدائی خلق حسن نوروزی

- تولد در سال ۱۳۲۴ در یک خانواده  
کارگری در محله راه آهن شهران  
- در ۱۳۴۸ تماس با گروه انقلابی  
رفیق مسعودا حمدزاده که در سالهای بعد  
به مرکزیت سازمان ج.ف.خ. رسید  
- از ۱۳۴۹ تا ۱۳۵۲ در چندین  
عملیات نظامی و انقلابی علیه  
رژیم شاه شاهان و امپریالیستهای  
آمریکائی شرکت داشت  
- ۲۰ دی ۵۲ طی یک درگیری با مزدوران  
رژیم در منطقه کردستان شهادت رسید  
یکی از رفقای ما که در آن زمان  
هوادار سازمان چریکهای فدائی بود  
یادداشتی به مناسبت شهادت رفیق  
فرستاده و چنین مینویسد: "من در آن  
زمان از سمبانتهای سازمان چریکهای  
فدائی خلق بودم و با رفیق حسن از قدیم  
دوستی داشتیم بین سالهای ۵۱-۵۲ و  
تا چند هفته قبل از شهادت او را می -  
دیدم و در قسمت تدارکات فعالیتها  
داشتم، بیاد می آورم عشق عمیق او را به  
کارگران و زحمتکشان طبقه اش و به  
آزمایش سویالیسم و کینه و نفرت  
طبقه اش او را نه تنها نسبت به رژیم و  
دشمنان خلق بلکه به روزیونیستهای  
خائن کمیته مرکزی حزب توده (نمونه  
برخورد پدرش که در مقابل حرکت  
اپورتونیستی و خیانتکارانه مرکزیت  
حزب توده و فرار آنها، از حزب جدا شده و  
در راه تداوم مبارزه شهید گشت، برای او  
نمونه وفاداری به خلق بود.) پس او  
میآورد که رفیق مرز بندی انقلابی ای با  
روزیونیسم خروجی داشت و  
همیشه رهبران روزیونیست  
ثروتی و برزنت را خائنین به طبقه



### لیلا زمردیان

- تولد در ۱۳۲۸ در خانواده ای مرفه  
و مذهبی  
- آشنائی با مسائل اجتماعی و  
سیاسی از طریق شرکت در محافل و  
مجالس مذهبی نظیر حسینیه ارشد  
- دانشجوی رشته مددکاری اجتماعی  
و آشنا شدن با رنجهای توده های  
زحمتکش در جریان تحقیقاتی که  
در مناطق جنوبی شهرستان مینمود  
- آشنائی با سازمان مجاهدین  
خلق و سپس پیوستن بدان در سال  
۵۱  
- ادا فعالیت انقلابی و مخفی  
شدن در سال ۵۲  
- کارآموزی سیاسی تشکیلاتی  
در درون کارخانه ها منجمله کار -  
خانه دارو سازی دکتر عبیدی قزقره  
زیبا و کفش ملی ...  
- آشنائی با مارکسیسم لنینیسم و  
پذیرش آن در سال ۵۴  
- ادا فعالیت انقلابی، تا زمان  
شهادت در ۱۴ دیماه ۱۳۵۵ بدست  
مزدوران ساواک  
فدائی خلق حسن ثروتی  
- تولد در ۱۳۲۴ در یک خانواده کار  
گری در محله راه آهن شهران  
- در ۱۳۴۸ تماس با گروه انقلابی  
رفیق مسعودا حمدزاده  
- از ۱۳۴۹ تا ۱۳۵۲ در چندین  
عملیات نظامی و انقلابی علیه  
رژیم شاه شاهان و امپریالیستهای  
آمریکائی شرکت داشت  
- ۲۰ دی ۵۲ طی یک درگیری با  
مزدوران رژیم در منطقه لرستان به  
شهادت رسید



### محمد باقر عباسی

- تولد ۱۳۲۵ در قم  
- آشنائی با زحمتکشان از دور و  
دبیرستان و مبارزه با میدرهائی  
آنان  
- پیوستن به یک جریان مذهبی  
مبارز و مخفی بنام حزب ملل اسلامی  
و دستگیری و محکومیت ۳ ساله در  
۱۳۴۳  
- ادا فعالیت مبارزاتی پیروز  
آزادی از زندان و تشکیل یک گروه  
انقلابی همراه با چند تن دیگر از  
مبارزین  
- علیه رژیم شاه و به مارکسیسم گرایش  
داشت، چون سازمان مجاهدین را  
سازمانی انقلابی میدانست همراه  
با عده ای دیگر از همزمان نشین  
منجمله رفیق علی غم منی که به این  
سازمان پیوست  
- شرکت در عملیات نظامی و فعالیت  
- های تبلیغی و افشاگرانه علیه  
رژیم شاه شاهان و انجام وظایف  
سازمانی با فداکاری و گذشتی که  
زیبا نذر رفقا بود  
- رفیق باقر عاشق مبارزه در راه  
آزادی زحمتکشان خلق بود او  
اولین فرد انقلابی در درون سازمان  
مجاهدین خلق بود که به حقیقت  
مارکسیسم - لنینیسم دست یافت  
و اینرا پس از دستگیری در سال ۵۱  
از پشت میله های زندان با افتخار  
و صدای بلند فریاد میکرد  
- شهادت او در ۲۱ دیماه ۱۳۵۱ بود  
که همراه با یکی از همزمان نشین  
مجاهد محمد عبیدی بدست جلادان  
رژیم شاه شاهان شهربانان گردید

## زنده و جاوید باد یاد شهیدان خلق



### گزارشی از وضعیت آوارگان دربندرعباس

گزارشی که در زیر میا بدین بوردی همه جا نبه به وضعیت ناسا مان آوارگان اسکان داده شده دربندرعباس میا شد که ضمن نشان دادن ماهیت کشف رژیم جمهوری اسلامی و تبلیغات فریب - کارانه اش ، شناخت جدیدی جهت پیشبرد ورهبری مبارزات برحق زحمتکشان آواره در اختیار کمونیستهای بیگیر قرار میدهد :

"در اولین روزهای آغاز جنگ ارتجاعی بورژواها و خرده بورژواهای مرفه مناطق جنگزده شهرها را ترک کردند که اینها را نمیتوان جزو آوارگان دانست . در ادامه جنگ قشر متوسط خرده بورژوازی نیز از شهرها رفته و در نقاط دیگری ساکن شدند . آخرین کسانی که شهرهای جنگزده را ترک کردند ، کارگران و زحمتکشان بودند زیرا به علت نداشتن پس انداز قبلی و یا ترس از دست دادن کارشان قادر به ترک شهرها نبودند . اینان معاش و فلاکت و بدبختیهای جنگی - ارتجاعی را چه زمانیکه در خانه و شهر خویش بوده و چه در زمان آوارگیشان بخوبی حس کرده اند . دربندرعباس هم وضع بهمین منوال است . زحمتکشان در اردوگاهها جهانگردی (کوی ۲۲ بهمن) بطور دسته جمعی و در نقاط دیگر بصورت پراکنده جای گرفته اند و عده ای در پناه دروغها با آنها و حتی کوچکها میخوابند .

هیچکدام از مناطقی که زحمتکشان در آنها جای گرفته اند برق ندارد و فقط اردوگاهها جهانگردی آب لوله کشی دارد و آب مناطق دیگر را با تانکرها مین میکنند . تعداد آوارگان بطور دقیق مشخص نیست . استانداري تعداد آنها را تا ۱۵۰۰۰ نفر در سطح استان اعلام کرده است . البته استانداري برای اینکه از بدبختی آوارگان نسبت به بیشتری خودداری کند و با زیاده دودن آوارگان را دلیل عدم رسیدگی به آنها ذکر نماید از ذکر تعداد واقعی آوارگان سر باز میزند ."

#### اردوگاه جهانگردی :

اردوگاه جهانگردی ۸٫۰ کیلومتری مرکز شهر در جنوب غربی کنار دریا قرار دارد . دارای ۵۰ اتاق ۶۲۰ جا در است . در هر اتاق با چادر یک تا سه خانوار جای گرفته اند ( بطور متوسط ۹ تا ۱۰ نفر ) . تعداد آوارگان اردوگاه در حدود ۱۰۰۰۰ نفر است . اغلب این افراد ( حدود هشتاد درصد ) کارگران ( شهرداری - کشیکاری آری - آتشیز کشتی و ... ) و بقیه از قشرهای خرده بورژوازی میباشند . بیشتر آوارگان اهل خرمشهر و آبادان هستند .

#### بهداشت اردوگاه :

## اخبار جنگ

اردوگاهدارای توالیهای بسیار کشیف و با ۵ حمام میباشند . که حمامها بطور کلی غیر قابل استفاده شده اند . فضولاتی را که از توالیها بیرون کشیده اند در اطراف چادرها خالی کرده اند که انبوه مگسهای روی آن ناقصین اصلی بیمارها هستند . آشفال ، مدفوع سگ ، گربه و انسان در اطراف چادرها منظره ای غیر عادی است .

بیماریهای اسهال ، استفراغ ، آنفولانزا ، چشم درد و ... بسیار شایع است و اتاقک بهداشتی و بهداشتی دکوری بیش نیست . خانم دکتری "مکتبی" در مانگاه اغلب بیماران را به مراکز درمانی داخل شهر معرفی میکند . اکثر بیمارها با بهداشتهای خود را از دارو خانه های شهر خریداری میکنند . این خانم دکتر "مکتبی" از معاینه خیلی ارزانی به بهانه نداشتن تخت معاینه و یا اینکه " اینجا مرد وجود دارد و صحیح نیست معاینه شوید " خودداری میکند . در حالیکه نمیتوان گفت هنگام معاینه مردها از اتاق بیرون بروند . ( برای اینان مکتب و اصول ارتجاعیسان مهم است نه درد و رنج زحمتکشان ! در تمام اردوگاهها شیر آب برای استفاده عموم وجود دارد که گاها بخاطر شلوغی دعوای مختصری هم بوجود میاید . زنان زحمتکش طرفیها را بخاطر نبودن بود ظروف شوئی با شن و ماسه می - شویند که بدلیل غیر بهداشتی بودن کل محیط بسیار خطرناک است . با زهم مکتبیها شعار میدهند : " انظافته من الایمان !"

#### غواصان :

بعد از آنکه غذای روزانه ای را که از طرف نیروی دریائی در اختیار آوارگان قرار میگرفت قطع کردند مقدار غواصان رو کمی وسایل در اختیار خوانواده ها قرار دادند و قرار شد برای هر نفر ماهیانه ۵۰ تومان بپردازند که این پول صرف خرید صبحانه ، شام ، نهار ، سبب زمینی ، پهاز کراپه رفت و آمد و همه وسایل ضروری دیگر شود ! به آوارگان گفته شده که با بدبوردن و زیانک کوبین غواصان در دریای نفت نمایند . اما در شهر هم به آنان میگویند چون شما آواره هستید باید از اردوگاه غواصان دریا رفت کنید و در این میان مردم برای مدتها بی غواصان با مانده اند .

#### انتظامات اردوگاه :

انتظامات را عمدتاً با ساداران در دست دارند و آنها بیش از هر چیز موظفند که " غریبه ها ! " وارد اردوگاه نشوند تا تماس مردم با آوارگان قطع شده و مانع افشاگریهای آوارگان برای توده ها شوند . این ساداران حتی بظا هر برای

راهبهای و در واقع برای اطمینان بیشتر ناز و وار دین رانانانی و جادرمورد نظرشان همراهی میکنند تا درمن آوارگانی را که با بیرون تمامی دارند شنا سائی کنند .

#### کمیته مسئول توزیع :

افراد این کمیته را مردم انتخاب نکرده اند بلکه از طرف رژیم به آنها مسئولیت توزیع خواص و یارو بر چیزها داده شده است . این مسئولین اجازه نمیدهند که مردم کمکیهای خود را مستقیماً به آوارگان بدهند و این کمکیها را این کمیته و هلال احمر بین آوارگان تقسیم میکنند . مسئولین از اینجا یک رابطه عاطفی ما بین آوارگان و دیگر مردم و رفقا آن وحشت دارند . چندین شبی در پی از آنها را خواص و یارو بر سرقت شده است و تقریباً همه مطمئن هستند که این کار افراد مسئول است . کارگر میگوید : " با دو چشم خودم دیدم که پتوهای را که قرار بوده ما بدهند توباً را میفروختند ."

### اوضاع افراد اردوگاه

- بچه های که به مدرسه نمیروند معمولاً همیشه در خاک و شن با پاهای لخت بازی میکنند .

- بچه های که به مدرسه میروند اگر همیشه سرکلاسی حاضر شوند و مثل بچه های خوب ! در شان را بخوانند ( البته بدون کتاب ) میتوانستند با بردن گواهی از مدرسه به آموزش و پرورش مبلغ ۳۰۰ تومان برای خرج تحصیلی یکساله دریافت کنند .

- مردانی که میتوانستند بکنند و پسران بالای ۱۶ سال هیچ کوپنی دریافت نمیکند و رژیم ارتجاعی با اینکار قصد دارد که آنها را وادار کند تا به جبهه بروند . بهمین خاطر آنان از خواص و یارو چیزی که به بقیه خوانواده تعلق میگیرد استفاده میکنند .

زنان زحمتکش آواره همه مسئولیت خوانواده را بعهده دارند . از بخت و بهز گرفته تا دریافت خواص و یارو و اتاق و ... و چون درگیر با مشکلات هستند حالت تعرضی شان نسبت به مردان بالاتر است . زن زحمتکشی میگوید : شوهرم کارگر شهرداری خرمشهر بود و حالا به بهبهان منتقل شده اند . پس از سه ماه کار تازه ۲۵۰۰ تومان داده اند . ما ده نفریم با این ۲۵۰۰ تومان چکار کنیم . اینها هم هیچ کمکی حقمون نگیریم . ۵۰ تومان نمبخوانیم با بسد بیشتر بدهند .

چندی پیش یکی از مسئولین کمیته با جاننشین نما بنده ما میا اردوگاه ۲۵ مده و در مقابل اعتراض زنان زحمتکش میگوید : " اگر ما روزی ۱۰ تومن به هر نفر بدهیم در ماه میشود ۳۰ میلیون تومن و ما این پول را نداریم ، هر کس به این

## جنگ غیر عادلانه کنونی جنگی است بر علیه توده های ایران و عراق



خانواده‌های سربازان مقتول در جنگ ارتجاعی، قاتلان فرزندانمان را نمی‌بخشند

شکستان بزرگ شود ما کشته‌بدهیم" و پدر سرباز قسم خورده بود که هر مسئولی را که دم‌دستش بسود بکشد، اما فرد دیگری در پاسخ وی میگفت: "میر- کن بزودی آنجان ن به حساب آنان خواهد رسید که دیگر برای من و تو فرصت باقی نخواهد ماند" وزن دیگر کها هم کشته داده بود میگفت: "همه کارها را خودشان میکنند، برای کشتن خودشان برنا مه درست میکنند و خودشان مفرستند بعد از مردن هم حتی اجازه نمیدهند که ما زیر تا بوت را بگیریم، خودشان زیر تا بوت را گرفته و برای فریب ما اسم شهید رویش گذاشته و جسدا دفن میکنند این وسط ما بدبختها هستیم که یک عمر با بد داغ بدلمان بماند؟

رژیم ضد خلقی با برآه انداختن جنگ ارتجاعی از یک طرف زحمتکشان را آواره میسازد و از طرف دیگر فرزندان زحمتکش را به گوشت دم‌تسوپ سرما پنهان در آن تبدیل مینماید، اما هر روزی که از ادا ممان جنگ ارتجاعی میگذرد توده‌های زحمتکش بیشتری به ما هیت رژیم برده و حقا نیست حرفهای کمونیست‌ها بیشتر برایشان اشبات میشود!

روز پنج شنبه ۲۵ آذر، جد چند ارتشی و با ساداران که در جبهه دزفول و در جنگ ارتجاعی کشته شده بودند به طرف بهشت زهرا تشییع میگردند. رهبری مراسم در دست کمیته وسپا با ساداران بود و یکی از آنها پشت بلندگو جمعیت را دعوت کرد که شعار "الله اکبر، خمینی رهبر را بدهند، ما برادریکی از سربازان کشته شده جلو آمده‌ومی - گوید: "اینجا همدست از عوا مفریبی بر نمی‌آید جوانهای ما را به کشتن داده اند خودتان هم که حال ما میخواهید سازش کنید، دیگر از آن ما چه می‌خواهید؟" چیزی که جلب نظر میکرد، عده ای زن و مرد و کودک بودند که هیچ نسبتی با افراد کشته شده نداشته و عمدتا همانها هم بودند که شعارهای با ساداران را تکرار میکردند. در شب سوم آنها، افسری که تا دهکشته شدن آنها بوده. می گفت: "بی نظمی در ارتش در اوج خود است و زبا در جبهه میخورد و خیلی پراکنده است. روحیه پرسنسل ارتش بر عکس آنچه که میگویند خیلی خوب است" و میگفت: "وقتی دولتی مردم را پشت سر خود نداشته باشد نمیتواند پیروز شود همه از شهرها رفته اند. برآستی مادر سربازی که کشته شده بود به همراه ناسازی - گفت "تقصیر ما چیست که آنها قدرت میخواستند

۵۰ تومن اعتراض بکنند خدا انقلاب وستون پنجم است و میتوانیم همین جا تیربارانش کنیم". آری رژیم ضد خلقی و سردمدارانش میتوانند ۲۰۰ میلیون تومان برای خرید سلاح صرف کنند اما نمیتوانند وضع رفاهی آوارگان را درست نمایند. مردم میگویند چه بگوئیم؟ به چه کسی شکایت کنیم، همشون دزدند، یکی از زنان زحمتکش خطاب سوی میگفت: "شما که نمیتونین به جنگ - زده ها برسید چطور میگویید که ما ده ایم تا بیست سال بجنگیم!" پیر مرد زحمتکشی میگفت: "بله معلومه که وضع اینطوری نمیماند، مردم بلند میشوند، جنگ میشه، انقلاب میشه و خلاصه اینسن دولت سرنگون خواهد شد."

رویزبونیستهای خائن اکثریت وتوده انبهای مزدور همبای ارگانهای دولتی و حتی گاهسی جلسوترازانها، سعی در فریب آوارگان دارند. آخربقول رفیق لنین رویزبونیستها نوکسر بورژوازی هستند و بیشتر از خودا وبهوی خدمت میکنند. هواداران اکثریت با رنگ زدن اتاقتها و کمک به هلال احمر و کمیته سعی در حفظ نظم و آرامش و فریب آوارگان دارند. آنها مدام در گوش آوارگان میخوانند که حرفهایتان را به ما بزنید، خود ما ن هر کسکی که بخوا هید میکنیم لازم نیست به دیگران بگوئید. ساواکیها بیسن شما میا بند و فریبتان میدهند، به حرفها بیسان گوش نکنید...، بیشتر می و خیانت برای رویزبونیستها حدی ندارد. زن زحمتکشی در پاسخ به این خائنین میگفت: "آمدند روضه شونسو خواندنند و رفتند ولی ما رنگ کمکهای بیدریشان را ندیدیم!"

اکثریتی ها برای اینکه رژیم ضد خلقی توبه اشان را بپذیرد از هیچ خوش رقصی کوتاهی نمیکند. برآستی که آنها چقدر نفرت انگیزند.

فرار نظامیان از جبهه جنگ ارتجاعی

سربازانی که در خط مقدم جبهه جنگ ارتجاعی هستند بعد از یکماه خدمت به یک مرخصی یک ماهه فرستاده میشوند که طی آن استراحت کرده و آمادگی مجدد برای جنگیدن در خط مقدم جبهه پیدا نمایند. طبق گزارشات رسیده بیش از نیمی از این افراد پس از مرخصی یک ماهه دیگر به جبهه باز نمیگردند، برای مثال نیمی از سربازان "گردان امید" که یکی از واحدهای ارتش جمهوری اسلامی در جنگ فعلی مینا شد پس از انتقال به پیشست جبهه در مدت مرخصی فرار کرده و دیگر بازنگشته اند. هر چه جنگ ارتجاعی فعلی ادا میاید با سربازان و در جبهه داران جز ارتش به ما هیست رژیم بیشتری برده و با افتای فرماندهان مزدور خود، از شرکت در جنگ ارتجاعی رویگردان میشوند. آنها بی میبرند که گوشت دم-تسوپ سرما پنهان در آن هستند.

گرفتن تعهد برای جلوگیری از فرار داوطلبین بسیج

داوطلبین اعزامی از طرف بسیج "به جبهه های جنگ که اغلبشان را عناصر ناگه و جوانان کم سن تشکیل میدهند پس از دیدن واقعیات جنگ خائنان برانداز و نیز کشته و مجروح شدن عده زیادی از آنان شروع به فرار از جبهه های جنگ نمودند به همین جهت اخیرا از آنان تعهد کتبی گرفته که خدا قل دوما در هر جبهه ای که "ستاد عملیات آبا دان و خرمشهر تعیین نما بدیمانند. بنده ۴ این تعهدنا مه نیز مالیت از آنها خواسته میشود که کلیه غنا تم جنگی و غیر جنگی را که از میا دین جنگ ویا هروای دیگر بدست میا ورنده به مسئولین تحویل نمایند. آبا غنا تم غیر جنگی که جای دیگری از میادین جنگ بدست می آید به جز اموال و انا شیه مردم آواره جنگ است که از خانه های آنها چپاول می شود این سند در واقع "جازه - نامه" چپاول و غارت اموال مردم جنگ، زده نیز هست!

بسم الله الرحمن الرحیم

کهنه  
کهنه

ایجابات: شماره شناسنامه، شماره از، شهرت، ایراد، سال و محل تولد، نوع تخصص، رتبه

با اینجانب حسن مرتضی النجاشی

در هیچگاه الله صابرا اگر سالانه طبعه و آله محمد میگردم چه قرآن کریم میگردم میگردم که بسلامت تمام عوالم بشر برسانم نامم.

۱- حد الا دیوانه در منطقه جنگی با هم.

۲- هرجا و هر جبهه ای که ستاد عملیات آبا دان و خرمشهر تعیین میاید من سلفه ابلاغ غنا تمه با عورت صلح خود را از آنم و تعهد میگردم که هیچ اوامر سرگروه و فرمانده خود با هم و در تمامی مدت حضور در منطقه انضباط و مقررات را رعایت میاید.

۳- در صورت تصرف و سلب و هراسم از گریه منافع منافع منافع و سربازان اسلام است یا اگر به جبهه پشت نام طبع طریقات زمان جنگ در راه گناه انقلاب اسلامی مانند به نفعی محاکمه میگردم.

۴- کلیه فقام جنگی و هر جنگی را که از من جنگ و هرجا میاید بگریه دست میآورم و رقیال رسیده به تحویل نامم.

۵- اولاً از جبهه های وسیع ملی که در اختیار من گذارده میشود بنحویت نگه دارم و در تمامی پس از غنا تمه با عورت و هنگام عینت از منطقه در رقیال رسیده تحویل مسئولین مربوطه نامم که در جنگ بین اسلام و کفر و راهبانی برادران مسلمانان بگردد.

سال اول امرت لشکر کتبی نلسه

اسم و شهرت: و اشما\*



### پای صحبت آوارگان زحمتکش

در پی ادامه جنگ ارتجاعی و فشار رزورافزون رژیم به توده های آوار و بی پای صحبت عده ای از آنان می نشینیم حرفهای این زحمتکشان ما هیت رژیم ضد خلقی را هر چه بیشتر برای توده ها افشا میکنیم  
**یکزن زحمتکش عرب ساکن ماهشهر:**

سؤال : از کجا آمده اید؟  
جواب : از "طره" نزدیک آبادان  
سؤال : مقامات محلی چه کمکی تا بحال بشما کرده اند؟  
جواب : تا اینجا نه ما موری و نه کسی سراغ ما آمده و نه هیچگونه کمکی به ما کرده اند.  
سؤال : مثل اینکه بنو و وسایل دیگری به شما میدهند؟  
جواب : فریادت بگردد، پنجاه، نصد تا پنتو میآوردند و میخواهند به این همه جنگ زده بدهند، آخر به کجا میرسد؟ هر روز شب از ادیو می شنوم که اعلام میکنند: ۲۰۰ تا ۳۰۰ تنور چیزهای دیگری به مناطق جنگ زده برده شده است ولی مثل اینکه آب میشود به زمین می رود. مگر ما جنگ زده نیستیم پس چرا این همه کمکها چیزی به ما نمیرسد؟  
سؤال: در جنگ چه مدت تی دیده اید و فکس می کنید آیا دولت حاضر است برای شما کساری انجام دهد؟

جواب : با غنا و خلقتانها یمان تما ما از بین رفت و همه دارائی مان را از دست داده و آواره شده ایم. دولت باید به مردم کار بدهد، و بعد از جنگ به ما پول بدهد تا خانه و وسایل دیگر را که در جنگ خراب شده اند، دوباره بگیریم ما با بنیادش که تا حالا سر ما آورده، فکر نمیکنیم کاری برایمان انجام دهد.  
آری زحمتکشان آواره در هر تجربه درمی - با بنده نه تنها رژیم را با رخ به خواسته هایشان ناتوان است بلکه پاسخ مبارزانشان را با سر - کوب و کشتار روزنشانی میدهد.

### \* زحمتکش آوارهای کمک پایش آسیب دید هاست \*

سؤال : اهل کجا هستید؟  
جواب : آبادان  
سؤال : الان در کجا بسر میبرید؟  
جواب : در شادگان ۱۹۰ سرعانه هستیم که در یک اتاق زندگی میکنیم.  
سؤال : دولت تا بحال چه کمکی به شما کرده؟  
جواب : چندین بار به فرمانداری رفتم و گفتم یک جا در شما بدهید، آخر هم ندادند، تساهله

### نگاهی به جنبش آوارگان جنگ در سراسر ایران

#### آوارگان بروجرد فریاد بر آوردند:

شاعر هر آواره

#### نان، مسکن، آزادی

عده ای از جنگ زدگان مستقر در مدارس که حدود ۳۰۰ الی ۴۰۰ نفر میشدند، مقابل فرمان - داری شهر اجتماع کرده و در حالیکه شعار میدادند نسبت به وضع خود و طرح انتقالشان به "جیرفت" اعتراض نمودند، نظا هر کنگندگان با روحیه ای تعرضی شعار میدادند:  
فرماندار فراری احضار ما بیدگردد!  
ما از بروجرد نمیرویم، حتی اگر بمیریم!  
شاعر هر آواره نان، مسکن، آزادی!  
شوراهای واقعی، میان آوارگان ایجاد باید گردند تا خون در رک ماست، مدرسه مسکن ماست!  
خوزستانی بیدار است، از توطئه بیزار است!  
آوارگان قیام کنید، از حق خود دفاع کنید!  
بردن ما به جیرفت، توطئه ارتجاع است!  
تعداد آوارگان و انبوهی از ساکنین - بروجرد که به منظور حمایت از نظا هر کنگندگان دور آنها حلقه زده بودند، هر لحظه بیشتر میشود. آوارگان سپس در خیابانهای اصلی شهر شروع به راهپیمائی نمودند. مسیر راهپیمایان بسوی خانه آیت الله نجفی نماینده امام بود. شعارهای "اتحاد، اتحاد، آوارگان اتحاد" و "نان، مسکن، آزادی" در بین راه، مقامات مسئول شهر و پاسداران آیت الله نجفی را بوحشت انداخته بود. آنها از وحشت حرکت انقلابی آوارگان به آنها قول دادند که به خواسته های آنان عمل کرده و آوارگان در مدارس مستقر باشند.  
توده های زحمتکش با وجودیکه نظا هرات پیروز -

مندانهای را آژموده بودند، لیکن به قولهای آقایان چندان خوشبین نبودند و به همین خاطر نیز هنگامیکه پراکنده میشدند قرا نظا هرات روز بعد را گذاشتند.

یکشنبه ۵۹/۹/۲۲ - نظا هرات آوارگان که این بار از میدان تلوغ و بررفت و آمدی آغاز شده بود، گسترده تر از روز قبل بود و وسیعاً از جانب زحمتکشان بروجرد مورد حمایت قرار داشت. پلاکاردهای یکپارچه و شمار "نان، مسکن، آزادی" شهر را به هیجان آورده بود و دستجات حزب الهی و فائزها را لرزاندند بود. آنان که آمده بودند تا ما ننده همیشه به صفوف نظا هر کنگندگان حمله نما بندجرات نمیکردند بهای خود را ازینجا ده - روها نزدیکتر بگذارند. و در مقابل شعار "اتحاد، اتحاد، آوارگان اتحاد" ترسیده و تکبیر میگفتند.

هنگامیکه جمعیت به نزدیکی فرمانداری رسید دستجات فدائین حزب الهی قوت قلب گرفته و به صفوف نظا هر کنگندگان حمله ور شدند و وحشیانه با قتی و گلوله های برفی به نظا هر - کنگندگان بیورش آورده و شعار میدادند: "لرستان را گورستان بیکاری و خوزستانی میکنیم!" آوارگان جنگ و همچنین مردم مبارز بروجرد از این اقدام ضد خلقی و وحشیگری ارتجاعی بخشم آمده بودند. در همین حین یک کامیون پلیس به حمایت از فائزها وارد میدان میشوند. آنها کمره به صفوف نظا هرات آوارگان جنگ غیر ما دلانه را پراکنندند، لیکن این دوروز نبرد توده های ستمدیده، قدرت بولادین و همبستگی عالی آنان را به نمایش گذاشت اما چهره پلید و ما هیت ضد خلقی رژیم را با ردیگر به توده ها شناساند و انتقال و تبعید آوارگان (حداقل برای یک دوره) را به عقب انداخت.

"به نقل از فریاد آوارگان شماره ۸  
۱۰/۶/۱۰۶/۱۰۶ با اندکی تلخیص و تغییر"

جواب : هیچی، چندی پیش مقداری پتو آوردند و به هر خا نواده یکی میدادند حالا میخواست ۱۰ نفر باشد یا ۲۰ نفر  
سؤال : نظرت راجع به جنگ چیست؟  
جواب : اگر دیوانه باشم می جنگم، برای چه جنگم؟ اگر جنگ کنم مجبورم خانه های مردم عراق را خراب کنم آنوقت آنها هم مثل من آواره میشوند. اگر اینها با صدام دشمنی دارند به من چه چرا من با بدبختیش را بکشم تا آنها راحت بخورند و بخوابند.  
اینها مثنی است از خوراکیینه های طبقاتی آوارگان زحمتکش با شنیدن روزی شعله ها پیش پیش و بنیان سرما به داری را از این کشور براندازد.

هر روز به ما حمله میکنند خودت می بینی (اشاره به پای آسیب دیده اش میکند). معلوم نیست این همه کمک که به ما میشود کجا می رود. اگر حرفی هم بر زمین میگویند فدای انقلابی، به نفع صدام تبلیغ میکنی، عرب هم که هستم او بیلا

#### \* زحمتکش دیگری چنین میگردد \*

سؤال : اهل کجایی؟  
جواب : آبادان  
سؤال : کی به ما شهر آمده ای؟  
جواب : حدود بیست روز قبل از شادگان آمده ایم  
سؤال : دولت چه کمکی به شما کرده است؟

## مبارزه علیه جنگ رابه اهرمی برای گسترش انقلاب بدل کنیم



# هنرمقاومت هنرپرولتری



## تفنگهای ننه کارار: ضرورت شرکت در نبرد طبقاتی

چهارشنبه شب گذشته نمایشنامه "تفنگهای ننه کارار" زتلویزیون بخش شد. مورد استقبال توده های وسیع مردم قرار گرفت. در همین حال رژیم جمهوری اسلامی تلاش کرد با نمایش این نمایشنامه مورد تلوویزیون بنا درست آنچه را که نمایشنامه مورد بررسی قرار میدهد (برخورد ننه کارار به جنگ انقلابی میهن پرستان اسپانیا علیه فاشیسم، ژنرال فرانکو) با جنگ ارتجاعی کنونی رژیمهای ایران و عراق یکسان جلوه دهد و بدین سان "بی تفاوتی" و "انزجار مردم آگاه میهنمان را در قبال جنگ محکوم نماید.

از اینرو ما ضروری دیدیم برای افشای اینگونه تبلیغات مسموم کننده و بهره برنده ای نا جوانمردانه از آثار انقلابی به نفع خویش و در همین حال دفاع از هنر انقلابی - پرولتری این نمایشنامه را مورد بررسی - هر چند کوتاه - قرار دهیم.

### تفنگهای ننه کارار: اثر برجسته "پرشت" نمایشنامه نویس کمونیست آلمانی.

پرولت پرشت، شاعر، نویسنده و بزرگترین نمایشنامه نویس کمونیست آلمانی همواره در آثارش رنگ مل و تغییر انسان را بررسی می کند. ایشان میدهد که انسان "عادی" چگونه در چنان مبارزه طبقاتی ناگزیر از تعیین جایگاه خویش است. و چرا و چگونه با بد علیه نظم فدا انقلابی حاکم برخیزد، چه هر کس به بیانه حفظ صلح و آرامش به نظم موجود تن دهد، تنها به تسلاوم اسارت و بردگی خویش کمک نموده است. پرشت با بینش عمیق طبقاتی خود، چهره کربه تفکرات بورژوازی "انسان دوستی"، "حفظ آرامش" "مفکر خویش بودن" و... را دریده و نشان میدهد در پس جملات عوا مفریبا نه انسان دوستانه سورژوازی، کدام منافع طبقاتی خوابیده است و همچنین نشان میدهد چگونه مذهب بندهوان وسیله ای برای حفظ وضع موجود، جلو گیری از "خوشونت" و بازداشتن از مبارزه در خدمت ستم گران قرار میگیرد. پرشت همواره "بیطرفی" را محکوم کرده و خواهان بیان مریخ موضع گیری طبقاتی انسانها است (۱). تفنگهای ننه کارار نیز یکی از برجسته ترین آثار پرشت است که

انداخته اند، نمیتوان و نباید با جنگ علیه این آدمکشان مخالفت نمود و موضع بیطرفی اتخاذ نمود. و برای برانداختن جنگ و خونریزی، رژیم است که منشا آن یعنی ستمگران را برانداخت. او از اینکه ننه کارار اینگونه پس از مرگ شوهرش تغییر موضع داده است، متعجب و متأسف است. ننه کارار تنها توسط اهالی و برادرش تحت فشار قرار ندارد، بلکه فرزند کوچکش نیز و را تحت فشار قرار میدهد و خواهان رفتن به جبهه و جنگیدن بر علیه فاشیستهای تاج و زگرودفاع از انقلاب و آزادی مردم اسپانیا است. ننه کارار، حتی از جانب نامزد خود، فرزند بزرگش نیز تحت فشار قرار میگیرد، چنانچه نامزد خود، حاضر نیست نامزد کسی باشد که در بجهوه نبرد طبقاتی حاد درگیر زمین فاشیستها و انقلابیون باشد. ما هیچکس مشغول است و به منظور اعتراض، حتی نامزدی خویش را در غیاب خود به هم میزنند.

فرزند کوچک و برادر ننه کارار را معتقدند که اگر خوزه از ما هیچکس برگردد، حتماً به جبهه خواهد رفت و این "ننه کارار" را میآورد. تنها همدم و هم نظر ننه کارار رکشیش "ملح طلب" ده است، که او نیز خواهد رفتن به جبهه نیست چه "ارشاد" و "نیا بش" را از جنگیدن در کنار انقلابیون بر علیه فاشیستها مهمتر میداند! او و نیز صولا با جنگیدن مخالف است! او به همین لحاظ شدیداً مورد تنفر و تمسخر فرزند و برادر ننه کارار قرار میگیرد. ننه کارار با لاف و اغراض میفهمد که برادرش برای گرفتن تفنگها به پیش او آمده است و از اینرو شدیداً مخالفت میکند فرزند کوچک ننه کارار، ما در راه تهدید میکند که به همراهی اش به جبهه خواهد رفت. ننه کارار برادرش را مورد لعن و نفرین قرار میدهد که "آرامش زندگی او را می خواهد به هم زند و او که مخالف آدمکشی است، حاضر به تحویل تفنگها به برادرش و اعزام فرزندش به جبهه نیست. چه او با تجربه ای که از مرگ شوهرش دارد، معتقد است که با بدگلیش را از آب بیرون بکشد و معتقد است که اگر کاری به کار "درگیر بشا. " نداشته باشد، از دست ژنرالها در امان خواهد ماند! فرزند و برادر ننه کارار را شدیداً تقبیح کرده و این عمل را به معنی پذیرش بردگی و سکوت در برابر بر ظلم و جناحیت ژنرالها را همدستی با فاشیستها میداند. چه آنها معتقدند که در قبال چنین جنگی که بین انقلاب و فساد انقلاب در گرفته است، نمیتوان و نباید بیطرف باقی ماند، عدم کمک به انقلابیون، عملاً خدمت به فساد انقلاب است و نظر ننه کارار را که خود را مخالف ژنرالها میداند، اما حاضر به مبارزه با

این حقایق را با زگو میکند. نمایشنامه ننه کارار، تصویر است از اوضاع جنگ انقلابی میهن پرستان مترقی و کمونیست بر علیه فاشیست های اسپانیا بی شه رهبی ژنرال فرانکو.

فاشیست های متجاوز میگویند حکومت جوان جمهوری اسپانیا را ساقط نموده و حکومت فاشیستی فرانکو را برقرار نمائند. آنسان توانسته اند بخشهایی از اسپانیا را از تصرف انقلابیون خارج کرده و وحشیانه ضمن قتل عام میهن پرستان اسپانیا میکوشند باقی مناطق تحت نفوذ جمهوری خواهان را به تصرف در آورند. ننه کارار رزن زحمتکشی است که شوهرش از زمره میهن پرستان بوده و در جبهه نبرد با فاشیستهای از پای در میآید. "کارار" که در دوران حیات شوهرش فعالانه به میهن پرستان کمک میکرد، پس از مرگ شوهرش دچار ترس و نومیدی شده و بجای شدت بخشیدن به مبارزه در بجهوه جنگ "ملاح خویش" را در دورنگاه داشتن خود و فرزندانش از شرکت در جنگ می بیند.

آغاز صحنه، ننه کارار و پسر کوچکترش را نشان میدهد که مراقب دریا بوده و "خوزه" برادر بزرگ خود را که مشغول ماهیگیری برای تأمین زندگی - شان است می باید. ننه کارار در بجهوه جنگ فرزندانش را از فرستادن به جبهه منع کرده و فرزند بزرگش را به شکار ماهیگیری میفرستد! و به همین دلیل در روستای خویش در نزد عام و خاص انگشت نما شده و مردم ضمن تقبیح عمل ننه کارار آنان را بطریق گوناگون مسخره میکنند. برادر کارار نیز از دوری را پیموده است تا خود را به ننه کارار برساند و تفنگهای شوهر شهید کارار را به دست آورد و از آنها برای جنگ علیه فاشیستها استفاده نماید. چه افرادی انقلابی و میهن - پرست و عوارش ملی جمهوری خواهان اسپانیا (میهن پرستان) است. اما می بیند که ننه کارار خواهان "دور بودن" از این درگیریها است و تنها به حفظ حیات خویش و فرزندانش می اندیشد، چه او با جنگ و آدمکشی مخالف است! اما برادر ننه کارار نظرات او را رد کرده و معتقد است که در حالیکه فاشیستها، به خونریزی مردم زحمتکش مشغولند و آنان که جنگ و خونریزی را بر آه

(۱) - بررسی آثار و اندیشه پرشت که از اهمیت والای برای طبقه کارگر جهان دمیان هنر پرولتری برخوردار است در حوصله این مختصر نمی گنجد. دوستاران هنر پرولتری میتواند برای شناخت بیشتر آثار و اندیشه پرشت به کتاب زندگی گالیه (مقدمه آن) و سایر آثار پرشت رجوع کنند.



## هواس ارتجاع از کتابهای انقلابی

با اعتلا جنبش توده‌ها و نقش نیروهای انقلابی و کمونیستی و انتشارات آگای بخش در اوچگیری جنبش و آگای توده‌ها، هراس و وحشت رژیمتادرجه‌ای رسیده که تحمل چاپ و انتشار کتابهای کمونیستی و انقلابی را نیز ندارد. سیاست ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی در این مورد بیروشی‌ها و گوناگون از جمله بیروشی مسلحانه به چاپخانه‌ها، توقیف کتابهای انقلابی، بیروشی به کتابفروشی‌ها و جمع آوری کتابها، دستگیری و زندانی ناشرین و کتابفروشی‌های مترقی و... اعمال میشود. سردمداران رژیم جمهوری اسلامی کث و روزاز "مکتب انقلابی" خود! دم‌میزند و میلیونیونانمان از دسترنج زحمتکشان را به انتشارات ارتجاعی و عقب‌گرا اختصاص داده‌ها جمع آوری و توقیف کتابهای مترقی و... عجز و ناتوانی خویش را در مقابل ادبیات انقلابی و کمونیستی بنمایش میگذارد. در ادامه این سیاست، قشربون مرتجع‌الغیرا اقدام به توقیف محموله‌های ارتجاعی در گمرک کرده‌اند و آنها را همراه با انبوهی از کتابهای انقلابی و کمونیستی که از چاپخانه‌ها، کتابفروشی‌ها و انقلابیون در بند به غسانت برده‌اند به کارخانه‌ها و کارتن‌سازی میدهند که آنها را خمیر کرده و به مصرف تولید کارتن ابرسانند. طبق قراردادای، مرتباً اتومبیل‌های کارخانه کارتن‌سازی، کتاب‌های توقیف‌شده را از زندان اوین به کارخانه منتقل میکنند. آنها با تصور و منع انتشارات انقلابی توانست رژیم محمد رضا شاه را از تلاشی برهانند که زعمای رژیم جمهوری اسلامی بدنبال کردن همان سیاست‌های دیگر برداخته‌است. جرقه‌های آگای را به توقیف و "خمیر کردن" کتابهای انقلابی و کمونیستی نمیتوان خاموش ساخت.

## شکنجه به شیوه جلاان ساواک

در ماه گذشته (آذرماه) با سارا، نیکو انقلابی کمونیست را به هنگام مسافرت به با بل بهین راه تهران - با بل، بعلمت داشتن اعلامیه کومه له دستگیر میکنند. با سارا، نیکو به بعد از زکات زدن مفصل این انقلابی‌ها و اوردوروزها زانودرتاب‌نگه می‌دارند. بعد از چند روز با دو نفر از مزدوران او را گرفته و با سارا دیگری با قنداق تفنگ آند در به شکم او میزنند که رفیق انقلابی نیمه‌جان میشود. اما شکنجه‌گران جمهوری اسلامی سیر نشده و با شکنجه‌های او را با سخ طوری داغ میکنند که شدیداً آسیب میبیند و ایستادن را برای آن انقلابی دشوار میسازد.

کوشش فردی هرکس برای نجات خویش بلکه توسط مبارزه اجتماعی زحمتکشان برای رهایی اجتماعی تحقق خواهد پذیرفت. با زیگمندانمایش "تفنگهای شنه‌کارار"، نتوانسته‌اند، آنچه برشت بصورت انقلابی و دبا لکتیکی و بصورت زنده تصویر میکنند، به اجرا در آورند. به همین دلیل اجرای این نمایشنامه بزرگ، از با زی بسیارضعیفی برخوردار بوده و نمیتوانند آنچه را که برشت میخواست است بگوید بصورت زنده و طبیعی نشان دهند. این است که تغییر و تکامل شنه‌کارار بصورت "منوعی" و غیرمنتظره برای تماشاگران جلوه‌گر میگردد. شاید علت آن بوده‌است که امولا کارگردان و گرداندندان این نمایش هدف دیگری را از این نشا ترند دنبال می‌نموده‌اند! و به همین دلیل برجسته شدن مسئله اصلی مورد توجه برشت یعنی تکامل و تغییر نظرات و شخصیت انسان در عرصه مبارزه طبقه‌اش مورد "کم‌اعتناشی" قرار گرفته‌است. واقعیت چنین است

رژیم جمهوری اسلامی و چاکران رویزیونیست آنها، با تبلیغات کرکننده‌شان میکوشند جنگ ارتجاعی کنونی را جنگی انقلابی، برحق و بر علیه امپریالیسم جلوه دهند! [و توده‌های زحمتکشان را به شرکت در چنین جنگی دعوت کنند. رژیم جمهوری اسلامی با نشان دادن این نمایش کوشید تا جنگ ارتجاعی کنونی را همانند جنگ انقلابی کمونیستها و میهن پرستان اسپانیا بر علیه فاشیستها جلوه دهد و آنجا که بیطرفی در چنین جنگ انقلابی و عادلانه‌ای بر علیه ستم‌گران امکان پذیر نبوده و عملاً صحنه گذاشتن بر حاکمیت ستمگران است، به همین ترتیب عدم شرکت توده‌های زحمتکشان در جنگ ارتجاعی کنونی را خدمت به ضد انقلابیون عراقی و نمود کرده و آنرا محکوم نماید! و بدین ترتیب با نشان دادن چنین نمایشی، ضمن سرزنش توده‌ها، آنان را به شرکت در جنگ ارتجاعی کنونی ترغیب نماید. اما تلاش رژیم جمهوری اسلامی با شکست روبرو خواهد شد. چرا که اولاً توده‌های ما هرگز بهره‌بردارانی فریبکارانه جمهوری اسلامی از جنگ انقلابی خلق اسپانیا بر علیه فاشیسم و مقابله با جنگ ارتجاعی کنونی را نخواهند پذیرفت. عدم شرکت در جنگ انقلابی خلق اسپانیا، خیانت به انقلاب و شرکت در جنگ ارتجاعی کنونی، تنها هیز مکش جنگ افروزان‌شدن است. ثانیاً مردم مادر قبال این جنگ نیز بی تفاوت و نمانده و اگر موضعگیری انقلابی در آن جنگ، شرکت در جنگ انقلابی بود، موضعگیری انقلابی در قبال جنگ کنونی، تلاش برای تبدیل آن به جنگ داخلی و سازمان دادن مبارزات بر علیه جنگ کنونی است. نمایش تفنگهای شنه‌کارار علیه رفیق سردمداران رژیم، با رد دیگر نشان داد که کمونیستها، شرکت در جنگ انقلابی و عادلانه را وظیفه کلیه انقلابیون و مردم زحمتکش دانسته و برخلاف لیبرال‌های ملخ طلب مخالف هرگونه جنگی نیستند.

ارتجاعیست را، خطا میسازند. آنها نمیتوانند شنه‌کارار که صد البته فرد زحمتکش و نیک صفت او انسان دوستی است، قانع کنند که بیطرف نمیتواند ماند و خود را از نتایج این جنگ طبقاتی برحذر نگاه داشت. اما نبرد شوخی‌ناپذیر طبقات، جامعه را به دو قطب تقسیم کرده و افرادی چون شنه‌کارار را نیز علیه "ملخ طلسمی" و "سی - طرفی‌اش" در زینت استمگران خرد خواهد شد. اما اگر شنه‌کارار از این سخنان را به گوش نمیگیرد و از آن نمی‌آموزد، تجربه‌های تلخ لیکن‌گرا نیار مبارزه طبقه‌اش این حقایق را به او میآموزد که ناگهان نشی فرزندش خوزه را که مشغول ماهیگیری بوده‌است برای او میآورند، او میبیند که چگونه فرزندش که در جنگ شرکت نکرده بود، قربانی جنایات فاشیستها گردیده‌است. او در ابتدا میپرسد که چرا فرزندش را که در جبهه شرکت نداشته و تنها مشغول تلاش برای تامین لقمه ناننی بوده‌است و جواب می‌شود که دشمنان، حتی از ما که ما خود داری کرده‌اند و بی سئوال و جوابی او را اعدام نمودند. بدین ترتیب شنه‌کارار در تعیین مبارزه طبقه‌اش می بیند که تلاش او برای دور بودن از نتایج نبرد طبقه‌اش جامعه و حفظ جان خود و فرزندانش خیالی بوج و بی محتوا بوده‌است. سپس به درس آموزی از تجربه کم‌رسمت می‌بندد و ضمن تحویل تفنگها به فرزند و برادرش، خود نیز پیشتا زنده و در مقابل سوال آنها که: "تو چرا می‌میری؟" میگوید: "من نیز به جبهه می‌روم". و نمایش پایان میگیرد!

## اهداف پرشت و اهداف جمهوری اسلامی!

نمایشنامه در هم شکننده توهامات توده‌های زحمتکشی است که در قبال نبرد طبقه‌اش بیمن انقلاب و ضد انقلاب می‌پندارند، می‌توانند خود را کتا ر کشیده و از مخممه‌ها در مان با شند و گلیم خود را به تنه‌اش از آب بیرون بکشند. آنچه بدون درگیر شدن با ستمگران تاریخ که آفریننده این مخممه‌ها، جنایات و بدبختی‌ها برای زحمتکشان هستند، تفنگهای شنه‌کارار "تئوری بوج موضع ما و راه" طبقه‌اش و بیطرفی را در مبارزه افشا کرده و نشان میدهند که مخالفت با جنگ علیه ضد انقلابیون به بهانه "ملخ طلسمی و مخالفت با آدمکشی" تا شید عملی جنایات آنان و پذیرش حاکمیت آنان است. بدین ترتیب لیبرالیسم پوسیده "انسان دوستانه" مورد هجوم قراری - گبر و ازانسان زحمتکشان و انقلابی و نبرد انسان بر علیه انسان جنایتکار ستمگردد فاج میشود. "تفنگهای شنه‌کارار" بیان تکامل و تغییر انساننی است که این حقایق را در پروسه مبارزه طبقه‌اش درک کرده و به بوج "بیطرفی" پی برده و با لآخره نجات خود را در گرفتن در صنف انقلاب و کوشش برای نجات زحمتکشان و توده‌های انقلابی دیده و همت میکند که خود را در جبهه انقلابیون و زحمتکشان قرار گیرد. به ناگسر واقعیت مسلم عصر ما که "نجات انسانها" نه در



## ساواکیها در زندان: جاسوسی برای جمهوری اسلامی و تلاش برای احیاء ساواک

### پره سر (هشتپر) توده ها گروه ضربت را خلع سلاح کردند!

از جندی پیش عنصمر مرتجمی بنام "حاج - کریمی" که قبلا همراه دارودسته "صدر" - همکاری "انجمن اسلامی چوکا" در شانساوسی عناصرا انقلابی و بهمزدن جلسات و شورا های کارگران شرکت میکرد، از طرف خلخالی جلالد ما مورا بجای دیک "گروه ضربت" شده و به دستگیری و شکنجه و آزار انقلابیون و زحمتکشان منطقه می پرداخت.

این با کدمرتجم و مسلح با تهدید و ارباب و بهانه کمک به جنگ زدگان مبلغ ۲۰ هزار - تومان از اهالی جمع آوری میکند. آنها بجای کمک به آوارگان جنگ به کمک عده ای از اواباشان زمان شاه نظیر پسرکمالی (زمنندار بزرگ منطقه) دبیرستان بورجغری را به زور تماحب کرده و تبدیل به زندان "گروه ضربت" مینماید. "حاج - کریمی" مقداری از پول را صرف هزینه های این زندان "کرده و با بقیه برای خودا تومبیل میخرد. وی شب چهارشنبه ۲۶ آذر، دو باره با جمع کردن گروهی از مردم و بازاریان با زور و تهدید ۳۰ هزار تومان پول میگیرد و آنها می- خواهد که هر ماه بین ۱۵۰ الی ۵۰۰ تومان برای مخارج گروه ضربت پرداخت نما بند و از زندان و... در انتظارشان خواهد بود. مردم زحمتکش منطقه که از زورگوشی ها و اجافات این گروه ارتعای به ستوه آمده بودند روز شنبه ۲۹ آذر در مقابل شهر داری متحمن میشوند. مقامات رژیم برای سرکوب این نحمن ارگانهای سرکوبگرش را بسیج مینماید و در شش با ساداران هشتپر، فرماندار و معاون استاندار همراعه عده ای با سادار "به پره - سرمبیا بند، در ابتدا ما مورین رژیم میکوشند با علم کردن "جنگ" جنبش اعتراضی توده ها را از هم بپاشند. یکی از با ساداران چوکا مردم را تهدید کرده و با فحاشی به نیروهای انقلابی و اینکه "تحن کناه است" اسمی مینماید به مردم را متفرق سازد ولی یکی از دهقانان زحمتکش حرفهای قلدرمندان را قطع کرده و میگوید: "مسئله ما چیز دیگری است، ما از دست شما خواب راحت نداریم و توخت شما میکوشید که جنگ است و تحن حرام است. "مردم از محبت های ا بسن دهقان زحمتکش حمایت میکنند و خواهستهایشان را بشرح زیرا اعلام میدارند:

- ۱ - انحلال و اخراج گروه ضربت
- ۲ - عدم دخالت با ساداران در امور مردم عم از سیاسی وصفی
- ۳ - با ساداران حق دستگیری هیچکس را ندارند

بقیه در صفحه ۲۲

به با ساداران و مسئولین زندان گزارش میکنند در پی این گزارشها با ساداران، با رها عناصر انقلابی را به سلولهای انفرادی برده و با شدت شکنجه کرده اند. گذشته از جاسوسی، ساواکیها برای رژیم جمهوری اسلامی، آنها در دفترچه کوچکی برای زندانیان انقلابی پرونده تشکیل داده و در آن مشخصاتی از قبیل نام و نام خانوادگی، آدرس منزل، علت با زداشت، مدت با زداشت، چگونگی فعالیت در زمان شاه، وابستگی، تشکیلاتی و کیفیت آن و... را یادداشت میکنند. آنها این اطلاعات را از دو طریق بدست میاورند: ۱- از طریق صحبت با خود زندانی و به حرف کشیدن او و کسب اطلاعات مذکور بوسیله در ساعات روزهای اولیه و ورود به زندان که زندانی از اطرافیان خود شناخت ندارد. این مسئله هتداری است به انقلابیونی که دستگیر میشوند تا با هشیاری از دادن اطلاعات مذکور به ساواکیهای جاسوس خودداری کنند.

۲- از طریق صحبت با با ساداران با استفاده از روابط حسنه با ساداران با آنها و با جاسوسی و تملق از با ساداران.

ساواکیها بعد از تکمیل اطلاعات خود از انقلابیون زندانی، آنها را به بیرون از زندان برای همکاری خود در بیرون انتقال میدهند.

ساواکیهای زندان اصفهان هر شب به رادیوهای امیربالیستی گوش داده و در مورد برنامهای آنها بحث و گفتگو میکنند. آنها چند شب در هفته جلسه مشترک گذاشته و رویدادهای مهم را تجزیه و تحلیل میکنند. ساواکیها در برخی موارد پس از شنیدن اخبار رتلویزیون، نشسته های فوری نیز برپا میکنند. آنها همچنین با پشتیبانی با ساداران، در کربهای ممنوعی با مبارزین دربند بجای نامی نمابند که اغلب با برخورد هشیاران انقلابیون اسیر، توسط هایشان نقش بر آب میشود. اخیرا نیز یکی از همین ساواکیها که به حبس "ابد" محکوم شده بود ازاد شده و در سیاه با ساداران اصفهان به کار مشغول شده است. این گزارش گوشه ای از حمایت رژیم جمهوری اسلامی از ساواکیها و دشمنی آن با نیروهای انقلابی در زندانهاست. این وضعیت در تمام زندانهای رژیم جمهوری اسلامی وجود دارد و نشان میدهد که این رژیم چگونه دشمنان خون آشام زحمتکشان ایران را در زیر پرچم حمایت خود قرار داده و در مقابل، به سرکوب و شکنجه انقلابیون پرداخته است.



دستهای پرتوان کارگران و زحمتکشان ما دو سال پیش، درهای سیاهجالیهای رژیم ضد خلقی شاه را کشید و هزاران زندانی انقلابی و کمونیست را از زنجیر رژیم شاه آزاد ساخت. اما هنوز چند روزی از قیام نگذشته بود که بار دیگر همان سیاهجالیها محل اسارت انقلابیونی گردید که سالها در آنجا با رژیم ضد خلقی شاه مبارزه میکردند. منتهی اینبار زندانیان رژیم جمهوری اسلامی و با سادارانش میباشند. اکنون زندان هیچ شهری نیست که در آن دهها انقلابی و کمونیست به زنجیر کشیده شده باشند. تنها در زندان اوین از کل ۱۲۴۰ زندانی ۹۰۰ نفر زندانی سیاسی - انقلابی ۷۵ ساواکی و ۶۵ نفر نظامی و بقیه متفرقه مینباشند.

رفتار با ساداران و زندانیان رژیم جمهوری اسلامی با انقلابیون همانند رفتاری است که ساواکیها با انقلابیون اسیر در زمان شاه داشتند. توهین و کتک زدن، شکنجه انقلابیون در زندانهای جمهوری اسلامی امری عادی است و وضع بسیار بد بهداشت و غذای زندانیان انقلابی را در معرض انواع بیماریهای کشنده قرار داده است. در مقابل اینهمه مستگیری بر زندانیان سیاسی - انقلابی، ساواکیها با حمایت با ساداران از بهترین امکانات رفاهی برخوردارند. زندان اصفهان نمونه ای است که ما را با اوضاع زندانها و وضع ساواکیها بیشتر آشنا میکند: زندان اصفهان ۱۰ بند دارد که ۲ بند آن به زندانیان انقلابی و کمونیست و همچنین ساواکیها اختصاص داده شده است. در این دو بند حدود ۸۰ نفر از انقلابیون به بند کشیده شده اند. ساواکیهای این زندان از آنچنان رفاهی برخوردارند که بنا به اظهار خودشان در زندان امنیت بیشتری دارند تا بیرون از آن. این مزدوران حاضر به همه گونه همکاری با ساداران و مسئولین زندان هستند و با نظر رفتار نوکر منشا نه و نبردارن هادبا (بسه با ساداران از تسهیلات فراوانی برخوردارند. از جمله غذا و پوشاک بیرون میتوانند اسفاده کنند و ملاقات حضوری دارند. اغلب ساواکیهای این زندان حاضرند با دادن تعهد (از جمله تعهد همکاری با رژیم جمهوری اسلامی) آزاد شوند به استثنای برخی که به فرادای رژیم چندان امید ندارند.

رفتار ساواکیها بنا به ما هشتان در زندان اصفهان مثل نما زندانها، با عناصرا انقلابی بسیار خصمانه و کینه نوزانه است. آنها در هر فرصتی، حرکات زندانیان سیاسی - انقلابی را

## نگ و نفرت بر شکنجه گران و زندانبانان رژیم جمهوری اسلامی



### "چشمک" رجائی به سرمایه داران آلمان

اخیرا رجائی نخست وزیر در مراسم با خبرنگاران آلمانی "ویس دویچه" گفته است: "نگرانی سرمایه گذاران و صاحبان صنایع آلمان در ایران بی اساس و منتج از سوء تفاهات می شود که در مناسبات اقتصادی دو کشور با هم فکند است" (کیهان - ۵۹/۹/۲۶) رجائی اما فکند است: "ما قصد داشته ایم که مالکیت های خارجی در ایران را ضبط نمائیم و اگر چنین امری پیش آید بدون شک منافع آلمان غرامت های خود را از ایران دریافت خواهد نمود" داشت ایران در آینده در نظر دارد که با ایجاد تسهیلات ضروری، راه را برای سرمایه گذاری آلمانها و دیگر کشورهای خارجی هموار سازد، البته بشرطی که ایران قادر شود مناسبات صنعتی خود را با دیگر کشورهای عمیق بخشد... آری رجائی به امیرالایم آلمان قول میدهد که در اولین فرصت پس از آمدن شدن شرایط برای تحکیم پایه های سرمایه داری وابسته به امیرالایم آنها اجازه سرمایه گذاری در ایران را خواهد داد.

رژیمی که ادعای "فدا میرالایم" بود ن دارد! رژیم که در حرف هرگونه وابستگی را کنار مینماید پندته تنها با وارد نمودن اسلحه های رنگارنگ از امیرالایم تنها خدای انقلابی بودن خودش را ثابت نموده بلکه هم اکنون با چشم انداز پلاستیکی ای که برای امیرالایم آنها تصویر میکند آنها را به آینده بیشتر میدواری میازد. اما مبارزه طبقاتی کارگران تهران و توده های انقلابی و زحمتکش ما این خوابهای پلاستیکی را تبدیل به کابوس وحشتناکی برای رژیم جمهوری اسلامی خواهد نمود.

### بازهم اخراج کارکنان

اخیرا دانشگاه علوم پزشکی ایران اقدام به "اخراج ۶۴ تن از کارمندان جز" و کارگران این دانشگاه کرده است. "بها" نه "مقامات دانشگاه" این است که این افراد پس از ۵۸/۶/۱۱ استخدام شده و از آن زمان استخدام دولتی ممنوع شده است در صورتیکه اگر "خطای" هم در کار باشد مربوط به مسئولین است نه کارکنان. مقامات رژیم جمهوری اسلامی به بها نه های گوناگون به اخراج کارکنان اقدام می دهند تا بدینوسیله "هزینه" ها را پاشین بیاورند (۱). کارکنان اخراجی بنا انتخاب نمائندگانی به مبارزه خود جهت ابطال حکم اخراج اقدام می دهند.

### بهادنوی سخنگوی رژیم: مارکسیستها: سرکوب، رویزیونیستها: آزاد

آنها آزادی میدهند! ارتجاع را رنگ آمیزی کنند و رژیمهای فدخلقی را بعنوان "ملی" و "شستل" جا بزنند. آری رژیم اکنون رسماً به نوکراتش رویزیونیستها را خشن خروشقی و سه جهانی آزادی میدهند تا به توطئه علیه انقلاب بپردازند. در حالیکه در این رژیم ارتجاعی، کمونیستها نصیبی جز تیرباران و زندان و شکنجه نخواهند داشت. اما تخاصم میان ما و سرمایه داران در هر لباسی آشتی ناپذیر است و رژیم نیز دشمنانش را بخوبی میشناسد. بگذار رویزیونیستها را خشن توده ای و سه جهانی برای خدمت به رژیم بورژوازی ایران و کوشش برای ساختن جاپاتی برای سوسیال امپریالیسم روس از هیچ جاکرمشی دریغ نکنند و بگذار رژیم به این نوکراتش آزادی توطئه بر علیه انقلاب بدهد. ما آزادی را با اتکاب خلق قهرمان ایران بدست میآوریم و آن را در خدمت منافع توده ها بکار میگیریم.

طبیعی است هم چنانکه ما کمونیستها در حکومت زحمتکشان به همه نما بندگان سرمایه داران، نوکران امپریالیسم و سوسیالیسم امپریالیسم، اجازه فعالیت نخواهیم داد. آنها نیز خواهند کوشید تا آزادی را از کمونیستها و این دشمنان سر سخت طبقا تیشان سلب کنند. اما اگر شاه توانست، اینان نیز خواهند توانست نکته آخر اینست که ارتجاع بعضی مواقع سر نوکران خود را نیز می خورد! مثلا سردمداران بعث عراق که تا توانستند زنیروهای رویزیونیستیهای خائن عراقی، بر ضد زحمتکشان و انقلاب استفاده کردند. پس از مدتی که دیگر ارتجاع عراق به آنها نیازی نداشت مورد شکنجه و تیرباران قرار گرفتند. دادن آزادی ارتجاع به رویزیونیستیهای خائن، بها طره را از اوچ گیری جنبش توده ها و دنیا زبه رویزیونیستها برای منحرف کردن جنبش توده ها است هر گاه که دیگر نیازی به رویزیونیستها نباشد، ارتجاع به این نوکراتش نیز رحم نخواهد کرد.

بالاخره رژیم بطور رسمی حکم به آزادی فعالیت رویزیونیستیهای خائن توده ای و فدائی (اکثریت) داد. سخنگوی رژیم در مراسم مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی (مندرج در مطبوعات اول دی) کمونیستها را بعنوان گروههای متخاصم که "علیه رژیم سلطه بدست گرفته اند" و "طبعاً نمی توانند آزاد باشند" خواند و رویزیونیستها را بعنوان نیروهای که میتوانند آزادانه فعالیت کنند. اما چرا؟ مگر هر دوی اینها خود را نماینده کارگران و زحمتکشان و دشمن سرمایه داران نمی خوانند؟ چرا رویزیونیستها که ادعای مارکسیست بودن میکنند باید آزاد باشند و کمونیستها میبایست نه تنها حق فعالیت علنی نداشته، بلکه تیرباران و شکنجه و زندانی شوند و اقمیت را با بیستی در ما هیت مشترک، بورژوازی رژیم و رویزیونیستها و نیز در دشمنی طبقا تیشی میان کمونیستها از یک طرف و رژیم و رویزیونیستها از طرف دیگر دید. رویزیونیستها نوکران سرمایه داران هستند و تنها برای فریب توده ها، لباس مارکسیستها را بتن کرده اند. آنها دشمن مارکسیستها و طبقه کارگرند و به دلیل ما هیت بورژوازیستشان نه تنها از حکومت های سرمایه داری شدید حمایت میکنند، بلکه در برخی مواقع که این دولتها در سرکوب انقلاب و انقلابیون دچار تنگنا میشوند، آزادی فعالیت رسمی و علنی را به رویزیونیستها میدهند تا آزادانه به خراب کاری در جنبش توده ها بپردازند. آنها مسزده خبیانت به خلق و مشاطه گری بورژوازی را با آزادی فعالیت سیاسی شان دریافت میکنند. آری رژیم به رویزیونیستها آزادی میدهند تا آنها به ضدیت با جنبش مقاومت خلق بپردازند. آنها را آزاد میگذارند تا مانع مبارزات انقلابی کارگران و زحمتکشان در نا بودی سرمایه داری وابسته گردند. آنها را آزاد میگذارند تا مانع دستگیری ها و ریزواری به کمونیستها حمله کنند و به لجن پراکنی علیه آنها بپردازند. رژیم به

بقیه از صفحه ۲۱ پاره ۳۰۰  
۴ - اخراج سبها سدا را از منطقه "مقامات" رژیم که وظایف را تا مناسبت "می با بند، کوشش متینا بند با فریبکاری مرد پر ساکت نمائند و فرماندار قول میدهند که ۲۴ ساعت گروه ضربت را خلق سلاح نمائند، ولی مردم خواهان خلق سلاح و خروج فوری آنها میشوند. فرماندار مجبور میشود حکم خلق سلاح گروه ضربت را به زاندار - مری بدهد ولی توده ها به انتظار زاندار مری نشستند و خود با عمل انقلابی به خلق سلاح گروه ضربت مبارزت کرده و زندانیان را آزاد کردند

با سدا رگروه ضربت را به "زندان" خودشان می - اندازند. حاج کریمی مرتجع از ترش خشم مردم فرار کرده و پسرکمالی، جماعدار معروف بدست توده ها "تنبیه" میشود و ما شین خرد میشود. در باز - رسی مرکز گروه ضربت ۴ کارتن باید ۱۰۰ کارتن سیگار و مقدار زیادی برنج و روغن بدست مردم می افتد.

توده های زحمتکش در اشا دوم مبارزه قاطعانه خودشان است که به پیروزی میرسند. هر چه گسترده تر با دجنش اوچگیرنده توده ها!

## برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق



### سخنی با رفقای گزارشگر:

نوشته‌ای که در زیر می‌خوانید از جانب رفقای خورستان برپا شده است و بدلیل آنکه برخی نکات هرچند ریز اما مفید در امر گزارشگری دارد، ما ضمن خلاصه کردن آنرا درج می‌کنیم:

گزارشگر از دوزا و به گزارش و غیرتهیه می‌کند، یکی از جنبه تبلیغی و افشاگرانه و یکی از جنبه تحلیلی. در مورد دوم برخورد از گزارشگر به این ترتیب است که مثلا یک گزارش از وضع عمومی فلان محله یا از فلان کارخانه... میدهد که نشان می‌دهد که مثلا کارگران آن کارخانه عموماً مخالف جنگ هستند، این گزارش باید روشن کند که این کارگران از چه موضعی مخالف جنگ هستند و آیا مثلا اگر یک رفیق درباره وضعیت عمومی یک کارخانه گزارش تهیه می‌کند، حتماً باید نتایج و هیئت حاکمه را در نظر گرفته و روشن کند که کدام دسته از کارگران و از چه موضعی مخالف هیئت حاکمه هستند. آیا از موضع لیبرالها حرکت می‌کنند یا برعکس، و آیا اینکه کلاً نسبت به تمام جناح‌های هیئت حاکمه به یکسان منتقدند.

در تهیه گزارش و برخورد یک گزارشگر دو نوع انحراف مهم قابل برخورد است یکی انحراف اگونیومستی و دیگری انحراف لیبرالی. در مورد انحراف اگونیومستی باید گفت متلاذک رفیق گزارشگر تنها از وقایع کلیه برداری می‌کند و به یکجا ننه نگری افتاده و نتواند تشخیص و تحول شرایط یک موضوع مشخص را درک کند. مثلا در ابتدای جنگ اشکاس اخبار جنگ، تعداد کشته شدگان و میزان خرابیها... بطور روزمره بین مردم اهمیت درجه اول را داشت ولی بعد از مدتی دیگر این اخبار بعد ضروری و محوری و تا زگی خود را از دست میدهد و جنبه فرعی پیدا می‌کند و دیگر در این دوران بیشتر عوارض جنگ مطرح است (بیکاری، گران، تورم، آوارگی و...) و رفیق گزارشگر با بیستی بتواند با تحلیل مشخص از اوضاع و متناسب با نیازهای مشخص گزارش تهیه کند.

انحراف دیگر برخورد لیبرالی گزارشگر است که نقش خود را به عنوان یک گزارشگر کمونیست فراموش کرده و بی تفاوت از کنار مسائل که در پیرامون ما اتفاق می‌افتد، می‌گذرد.

لازم به تذکر است که علاوه بر گزارشگران حرفه‌ای هر کدام ما نیز بنحویه خود باید یک گزارشگر باشیم، همانطور که هر کمونیستی همواره یک مروج و یک سازماننده است، پس تهیه خبر و گزارش و طیفه مستر و همیشگی کلیه رفقا است که از واقع و اتفاقات پیرامون خود گزارش تهیه کنند.

رفقا! برای برخورد دقیقتر در این مورد لازم است که همواره اخبار و گزارشات مندرج در بیکار، رفقا و آوارگان، خبرنامه کمیته خورستان (بویژه شماره ۶ بعد) را با دقت مطالعه نمایند.



در اینجا نکاتی چند را که در تهیه و تنظیم و ارسال اخبار و گزارشات با بیستی رعایت گردد ذکر می‌کنیم و از رفقا می‌خواهیم که مسئولانه در رعایت آن بکوشند.

(۱) - در گزارشات از هر قبیل (خبر، معاحسه، گزارش اوضاع جنگه آوارگان و غیره...) سعی شود از پرداختن به موارد فرعی و غیر ضروری خودداری و در آنجا که خواهد بود به برجسته کردن یک محور مشخص گزارش تا آن می‌خواهد به آن موضوع مشخص پاسخ دهد، متمرکز گردد. برای نمونه در یکی از گزارشات که در راه با و وضعیت بیماران - ستانهای مناطق جنگ زده به ما رسیده است رفیق گزارشگر بجای اینکه بی توجهی رژیم نسبت به وضع زخمیها و وضع ناسامان و به هم ریخته رژیم را در حیطه بیماران نشان دهد به یک مسورد خیلی فرعی و غیر مربوط چسبیده و آن را منعکس نموده است. مثال مورد نظر این بوده است که یک مرد مجروح لگن ادرا را از دست پرستار زن نمی‌گرفته و اصرار داشته که از یک مرد بگیرد.

(۲) - رفقا! همانطور که همواره تا کید نموده‌ایم درباره موش، نیمه موش، غیر موش بودن اخبار حتماً در بالای هر خبر، ذکر بنام شماست و ما بتوانیم از اخبار و گزارشات هر چه بیشتر و بهتر در پیشبرد کارمان استفاده کنیم. برای مثال یکی از رفقای مغرب‌دیده یکی از خبرهاش به این صورت اشاره کرده "طبق اطلاعاتی" که این هیچ چیز را مشخص نمی‌کند، تاریخ اتفاق افتادن خبر و یا تهیه گزارش حتماً ذکر گردد.

(۳) - رفقا در پیمان گزارشان هرگاه از کمال ارگان تشکیلاتی آن را ارائه می‌کنند، امضا ارگان را مشخص بنمایند و در صورتیکه گزارش و با اخبارشان بصورت انفرادی ارائه می‌شود با نام مستعار و یا حرف اول اسمشان و همچنین شهری که در آن به کار گزارشگری مشغول می‌باشند را نیز ذکر بنمایند و همچنین تاریخ ارسال گزارشات را نیز در پیمان گزارش ثبت بنمایند.

(۴) - رفقا نحوه برخورد تبلیغی شان را به عنوان هر منفرد یکجا جمع‌بندی کرده و به عنوان دستاورد بیکروزگار توده‌ای طی گزارشی ارسال دارند، از هرگونه اشکاس برخورد تبلیغی به یک نفر (عابر، همسایه، مسافر، کاسکار...) بجز در موارد مهم و حاس خودداری گردد. تنها استنتاج و ماحمل آنچه که مفید می‌تواند باشد بصورتی واحد و یکجا گزارش شود.

(۶) - رفقا از کارهای غذایی ما را که دارا استفاده ننمایند و از کارهای غذایی ما را که امکان معمولاً رک وجود دارد و بر زمین آن علامت مشخصه

موجود نیست در آن صورت میتوان آنرا از آنها استفاده نمود.

(۷) - رفقا اخبار و گزارشات و معاحسات را بر اساس نوع آن که کارگزار می‌خواهد و ویژه آوارگان است، جدا کرده و دسته‌بندی نموده و هر کدام روی برگ مجزائی نوشته شود، تا در تفکیک آن دوباره کاری نشود.

(۸) - قطع کاغذها باید یکسان باشد، بهتر است همه از ورق دفاتر معمولی (مثلاً ۴۰ برگی) استفاده کنند یا حداقل هر حوزه (ارگان یک شهر) سعی نماید از ورق مورد استعمال خود را از یک قطع استفاده کنند.

(۹) - حتماً ورق‌های که اخبار و... در آن منعکس میشود، یک خط در میان نوشته شود و پشت کاغذ هم چیزی نوشته نشود تا در تنظیم آن توسط ما دیگر نیازی به استفاده از کاغذهای مجدد دور - نویسی‌های "خردکارانه" نباشد.

(۱۰) - رفقای گزارشگر و خبرنگاران باید از کسب اخبار و تهیه گزارشات و معاحسات در خصوص غلبه عرب منافق جنگی غافل نباشند. این امر یعنی توجه کافی به مسائل و مشکلات معاشی که برای این خلق ممکن است ایجاد شده باشد برای ما اهمیت زیادی دارد.

(۱۱) - ثابت است که نقل قولها را در گویا و "،" قرار داد.

(۱۲) - رفقا هیچ وجه مجاز نیستند اسم کسی را که با آنها برخورد می‌کنند و آنها، همکاری نزدیکی با رفقا برقرار می‌کنند، در گزارشات خود بنمایند اینکار را به لحاظ امنیتی خطرناک بوده و چه بسا در صورت لو رفتن، ارتجاع مزاحمت‌هایی برای آنان ایجاد نماید.

(۱۳) - رفقا موظفند اخبار داخلی را بطور جداگانه نوشته و برای ارگان تشکیلاتی موبوطه و برای ارگان تشکیلاتی بالا بنفرستند. نه همراه اخبار عام برای تبلیغات.

پیروزباشید

### رفیق ح - کارگزار شهید

ضمن انتقاد به ریز بودن حروف نشریه، خواسته است که حروف آنرا بزرگتر کنیم، رفیق کارگزار! این اولین کاری نیست که چنین تقاضائی میشود. بسیاری از رفقا بویژه کارگران و زحمتکشان از اینکه حروف بیکار ریز است دچار مشکلاتی در مطالعه آن میشوند. بهمین دلیل نیز ما حروف آن را تا اندازه‌ای درشت کرده‌ایم. کالبته هنوز کافی نیست اما ما سعی می‌کنیم حروف نشریه را بیش از این درشت چاپ کنیم. چه درشت چاپ کردن حروف جای بیشتری می‌طلبد و به توجه به شرایط فعلی که ما شدیداً از نظر میزان صفحات در مضیق هستیم (۳۲ صفحه در هفته) و بسیاری از مطالب تهیه شده برای بیکار را تا کزیر حذف می‌کنیم بنا بر این نمی‌توانیم حروف کل نشریه را درشت تر از آنچه که هست کنیم. ما



### مصادره اقلانی زمین توسط زحمتکشان و یورش مأمورین شهرداری و پاسداران

اواخر آذرماه، جمعی از مردم زحمتکش شرق تهران که پس از تحمل سالها رنج بی مسکنی، هنوز با مشکل مسکن درگیر هستند، تصمیم میگیرند که خود چاره ساز درددخوش گردند. آنان که ۲ سال به انتظار بی شمر جمهوری اسلامی نشستند و خبری هم از "حامیان" "برمدعای" مستضعفین نشد خود دست با لاذندندا مشکل مسکن را از طریق معادله زمین های دولتی و بولداران حل نمایند. این زحمتکشان در روزهای آخر آذر، با تهیه مقداری آجر و دیگر مصالح ساختمانی زمینهای کسوی "بانک سپه" رادریک کیلومتری شرق فلکه چهارم تهران پارس بین خود تقسیم میکنند. این زمینها متعلق به ارتش، بانک سپه و زمینداران، بولداریها (که اغلب آنها فرا کرده اند) میباشد. در بین آنها زحمتکشی بود که بخاطر عدم توانایی مالی فقط ۶ متر مربع زمین برداشته بود، زیرا بول ساختن آنرا نداشت. برخی از این زحمتکشان برای استقرار در آن محل اقدام به ساختن دیوار کرده بودند. روز اول دیماه ما موربین شهرداری با بولدوزرها سوار و سر با زحمت بیرون کردن زحمتکشان بی خانه به محل میروند و با مامورین دولتی و زنان زحمتکش روبرو میشوند. مزدوران رژیم جمهوری اسلامی با رفتاری شبيه مزدوران رژیم شاه با زحمتکشان "خارج محدوده" با تخلیه اشغال های شهر بروی مصالح ساختمانی و تهدید و ارا با و دست بازیدن به سلاح کهنه شده "تراپ جنگ" و... و نیز تخریب قسمتهای ساخته شده توسط بولدوزر سعی در شکستن مقاومت توده های زحمتکش مینمایند. ولی با مقابله خشکسنان آنها ن مواجه میشوند. زن زحمتکشی با تکه آجری راننده بولدوزری را مجبور به فرار میکند. آنها تصمیم میگیرند متحدانه برای حفظ زمین تما حب شده مبارزه نمایند پس از بحث های فراوان و فربسکاریهای رایج ما موربین و پاسداران نتوانستند زحمتکشان آن محله را از زمینهای مصادره شده بیرون کنند و اجبارا آنجا را ترک کردند.

مردم زحمتکش با غرور از پیروزی بدست آمده در اثر مبارزه شان مصمم بودند که بهر قیمتی شده آن زمین ها را با سازند و از در بدری رها نشی بایند.

کارمند - کارگر مکانیک از لاهیجان  
نامه های از این رفقا دریافت کرده ایم  
با درودهای کمونیستی و آزادی موفقیست دست  
یکایک آنها را می فشاریم و در انتظار نامه ها،  
گزارشات، اسناد افشاگرانه، طرح ها با پیشنها د  
ات هنری و خلاصه مشارکت فعالانه رفقا هواداران  
در هر چه غنی تر کردن نشریه مان هستیم.

کلی شرکت داد و طلبانه در ارگانهای سرکوب را  
نا دوست می دانیم، چرا که علیه رفیقیت غیرت  
شرفردا و طلب، آن فردمعلا در خدمت آن نهاد  
سرکوبگر قرار میگیرد. اما در مورد خاص توبرای  
اینکه از نزدیک در جریان کم و کسوف قضیه قرار  
نگیریم، می توانی با رفقای ما آشنا گرفته و  
بیتوانی از نزدیک رهنمودهای لازم را دریافت  
ک:

### رفیقان

"گزارش از یک روستا" بدست ما رسید  
گزارش های بعدی کوشش کن که وضع آگاه هی مردم  
ده و روابط حاکم بر محیط روستا و چگونگی بر -  
خور در روستا شان را با رژیم برابمان بفرستی.

### نامه های از یک مادر مبارز

نورچشان من مادری هستم که ۵۵ سال  
سن دارم از روزی که خودم را شناختم در فقر و  
بدبختی زندگی کردم و فکر میکردم که ما بایستد  
همیشه بدبخت و فقیر بایسیم و پول دارها همیشه  
پول دار باشند تا اینکه شما عزیزان شنب و روز  
در راه زحمتکشان و در راه آزادی طبقه کارگر  
زحمت کشیدید و ما را آگاه کردید که چرا عسدهای  
هیچ چیز ندارند بخورند و عده ای آن قدر میخورند  
که شکمشان میترکد تا اینکه شما برای ما  
زحمتکشان جان و زندگی خود را از دست میدهید  
خیلی ممنونم من به بچه هایم که با شما همکاری  
میکند کمک میکنند بچه دخترم را همیشه میگیرم تا  
او بهتر بشود تا ندبا شما همکاری کند من به زحمت -  
کشان میگویم که این جنگ به خاطر ما نیست. و  
زحمتکشان فقط کشته و خانه خراب میشوند و  
منفعتش برای شما به داران میباشد و الان هم  
از شما می خواهم که کمک مالی من را که از  
مستمری بچه هایم کم کرده ام قبول کنید.  
پیروز بایستد - مادرشان

پیکار: مادر مبارز! نامه توه ۵۵ تومان  
کمک مالی ات مشارکت شورا انگیز ترا در راه  
آزادی طبقه کارگر نشان میدهد. دست توه همیشه  
ما در آن مبارز ما را میفشاریم

### سایر نامه های رسیده

م، پ، اسراوان بلوچستان - م، ا، از کمیته  
معلمین - م، پ، از کرج - م، ج، م - ج، م - از تهران  
- ق، ک، تی - ص، از معلمین - ع، و، از ساری - سعید  
ج - ع، م، از تبریز - غ، و، از دزفول - رفیق  
دهقان، و، از محمودآباد - ترگس، ع، الف - س،  
س - م، و، - ۲۸ - کارگر هوادار از مشهد - ک، س،  
از ماهشهرت، الف، از شیراز - کارگر، م، از قزوین  
- ک، م، لاهیجان - ج، کارگر از قزوین - س، ب -  
الف، م، از تهران - عبدالرضا، ۷۱ - ۴۰ از معلمین  
- زنگان - ص، فرزانه از قزوین - ف، ی،

در عدد پرا شده ایم. مقالات خامی تبلیغی افشا -  
گری و بطور کلی آن صفحاتی که جنبه توده گیریتی  
نسبت به صفحات دیگر را در دبا حروف درشت  
چاپ کنیم تا حتی المقدور این خواست کارگران  
و زحمتکشان خواننده نشریه را بر آورده نما شیم  
البته این برنامهم موقتی است چه هرگاه موفسق  
شدیم مشکلات توزیع و پخش را حل کرده و شماره  
نشریه در هفته بدیم، آنگاه از نظر حروف نوساز  
کل نشریه درشت تر منتشر خواهد شد!

م، غ، از انجمن  
رفیق! آنچه تو در مورد آن مسئله خاص  
برایمان فرستادی مورد مطالعه قرار گرفت! در  
یک مطالعه سطحی به مواضع انحرافی جریان  
نا مبره می توان پی برد با بدسریها با شخصی  
ارسال کننده آن مدارک برخورد شود و گزارش آن  
برایمان ارسال گردد.

### رفیق ۱۱۲

رفیق، از ما خواسته است که به مسائل  
اقتصادی در جمهوری اسلامی توجه کرده و در  
اینباره نیز مقالات افشاگرانه، تبلیغی و  
ترویجی نیز بنویسیم و به این مسئله که کمونیست  
های ایران به مسائل اقتصادی کم بهما  
می دهند، انتقاد کرده است. ما فم وارده انستین  
انتقاد رفیق، از این پس می کوشیم تا هر چند  
گاهی، صفحاتی از پیکار را به بررسی مسائل  
اقتصادی جا مفاختما بدیم.  
- گروهی از دانش آموزان هوادار - هوشیار -  
پرسیده اند که مرحله انقلاب در کشورهای روبرو  
- نیستی چون لهستان چیست رفقا! بررسی  
دقیق آرایش نیروهای طبقاتی در کلیه کشور -  
های روبرو نیستی نیازمند یک تحقیق همه  
جانبه و عمیقی می باشد که ما به آن دسترسی  
نداریم. اما در رابطه با کشورهای پیشرفته  
روبرو نیستی همچون آلمان شرقی و ...  
معتقدیم که در این کشورها مناسبات سرمایه -  
داری در مرحله پیشرفته ای قرار دارد و از اینرو  
شرایط عینی انقلاب سوسیالیستی مهیا است.  
اما در مورد جا مفا به نسبت عقب مانده تری  
همچون لهستان هنوز اطلاعات لازم را نداریم و  
وظیفه خود نیز نمی دانیم که مرحله انقلاب لهستان  
را تا همین کنیم چه این وظیفه رفقای عزیز  
انقلابی - ل لهستان است که با یاد آرایشی  
طبقاتی هر جا معرا بررسی کرده و مرحله انقلاب  
را روشن کنند.

### دوست گرامی ن ع

در مورد فعالیت در یکی از ارگانهای فد  
انقلابی و علت آن نوشتن بودی و در این مورد  
را هتفاشی خواسته بودی بایبیدانی ما بطور



### چین: کمونیستها، رویزونیستها را افساء میکنند

رویزونیستهای ضد انقلابی حاکم چین، با برپا کردن دادگاههای ارتجاعی خودکوشیده - اندنا حثیت کمونیستها را لکه دار نموده و سوسیالیسم و مارکسیسم لنینیسم که طرفدار سازند، رویزونیستهای سهجانی که طرفداری سرما به داری و امپریالیسم میباشند و نفی عمیقی نسبت به کمونیستها ی چینی داشتند، سعی نمودند تا با به محاکمه کشیدن رهبران انقلاب فرهنگی، خاطره و عشق رفیق ما شووما رکسیست لنینیستها را از قلوب زحمتکشان پاک کنند و سندی خاکشانه برای حقانیت ارتجاعی خود به



### اخبار و مسائل جهانی

علیه بورژوا - رویزونیستها و خیانتهای آنان تبدیل کرده و ترس این خاشاک را از افشاکری در حضور میلیونها زحمتکشان بر ملا نمودند. رویزونیستها کوشیدند تا وفاداران به

### امپریالیسم آمریکا باز هم کسینجر را به میدان میفرستد

سازات دلیرانه خلقهای تحت ستم در خاورمیانه عربی و ایران و ترکیه و مغرب و قهرمانان خلق های فلسطین و لبنان، معسوق ماندن توطئه خاشاکشانه سادات ولرزنی کسه در ارکان موجودیت رژیمهای ارتجاعی منطقه و خلیج افتاده است، امپریالیسم غارتگر و جنایتکار آمریکا را بفکر جرایم جوشی تازه ای انداخته و آمریکا را بیکبار دیگر "دیپلما سی سبار" کسینجر را به مصاف خلقهای منطقه فرستاده است.

سابقه اوسط سالهای ۱۹۷۰ کسینجر این چهره مکار روکهنه کار امپریالیسم برای کشتن نیروهای سازشکار عرب به پشت میز مذاکره با "اسرائیل" از سیاست تهدید و دلار استغاده گرد و برانجام سادات، این نماینده بورژوازی وابسته مصر را به اجرای طرح "جدا - سازی نیروها" و انعقاد صلح با "اسرائیل" کشتند.

هم اکنون مساله مهم برای امپریالیسم آمریکا پیدا کرده طرح "خودگردانی فلسطینی" ها در ساحل غربی رود اردن (در زیر کنترول اسرائیل)، پایان دادن به موجودیت انقلاب فلسطین در لبنان و سرکوب کامل نیروهای مترقی در این کشور، وارد کردن اردن به فساد کسب دیوید، تقویت نیروی نظامی و سیاسی آمریکا در منطقه خلیج و تحکیم وضع رژیم های دست نشانده ای مثل سعودی و با لاجرم جلوگیری از رشد انقلاب و سرکوب آن در سراسر منطقه میباشد. کسینجر از روز ۶ دیماه به سفر توطئه آمیز خود به مدخله برداخته و از فلسطین اشغال شده، عربستان سعودی، اردن و مراکش دیدن میکند. قبل از او در ۲۷ آذر ماه گذشته "دیوید جونستر" رئیس ستاد مشترک ارتش آمریکا، سفر خود به اردن، فلسطین اشغالی و مصر آغاز نمود و بود.

امپریالیسم آمریکا سراسر اسباب مهابت انگلی و بسوسیده خود را کسینجر برای ادا مصلحت غارتگرانه خود به عفت مانده ترس و ارتجاعی - ترس طبقات و رژیمهای منکی سادونا - سرتش سلطنت سیرفته نظیر آواکس و غیره پیدائسان این رژیمها را برای سرکوب انقلاب بوده است. محیرها رد و بخارت مداخلاتی خود را در سراسر جهان در اجناب زان نگذارد. اما انقلاب بوده - ها در سراسر منطقه خاشاک رسیده است که با سفرهای کسینجر هر چه هم مودانه، کامیوتری و سجاوز - کانه اندازای آسنادار کدسل انقلاب را از رویدن ساج امپریالیسم و ارتجاع دور منطفه مانع گردد. ■



"چان چونگ چیا شو" عضو دفتر سیاسی حزب کمونیست چین و از رهبران انقلاب فرهنگی



"چیانگ چینگ" عضو دفتر سیاسی حزب کمونیست چین و از رهبران انقلاب فرهنگی

پرولتاریا را به سازش و تسلیم کشانند، اما کمونیستها این ادعای نموده و این توطئه را افشا کردند. رفیق "چیانگ چینگ" همسر رفیق ما شو، خطاب به خاشاک گفت: "اگر شما سراسر قطع کنید تا نکوهش از آنست که شما تسلیم شوم". آری کمونیستها هرگز تسلیم بورژوازی نخواهند کردید، آنان خا مرند در راه دفاع از مارکسیسم لنینیسم و طبقه کارگر سواد خدادان بورژوازی به شهادت برسند، اما هرگز خود را تسلیم دشمنان طبقه کارگر نخواهند کرد.

کمونیستها در راه آرمان کمونیسم بی حرکتند و این راه بطور آسانی نابود نمیشود و خواهد رفت و همانگونه که سوزوری آنان حتمی است سرک سرما به داری سرطلعی میباشد. ■

امضا برسانند، رویزونیستها خاشاک، رفیق ما شورا "جنایتکار" معرفی کرده و رهبران انقلابی طبقه کارگر را مجرم مبارزه علیه لیسو - تا شوجی رویزونیست خاشاک و تنگ سنا شوبینگ مرتد در دادگاه مداخلاتی خود محکوم کردند، اما رهبرانی که به آرمان پرولتاریا وفادار مانده و عشق میلیونها نوده ستم دیده چین و جهان را در دل دارند، به دفاع از مارکسیسم لنینیسم و طبقه کارگر بلند شده و رویزونیستها را ارتجاع میلیونها زحمتکشان محکوم نمودند. کمونیستها در دفاع خود، رویزونیستها ی حاکم را بدرستی "مرتجع و فاسد" ارزیابی نموده، آنان را بورژواهای مرتد و منحدان امپریالیسم خطاب کرده و از راه انقلابی خود دفاع نمودند. کمونیست ها دادگاه رویزونیستی را به صحنه افشاکری





بقیه از صفحه ۳ همینار...

همشوند!

۲ - قدرت گیری انجمنهای اسلامی، باعث می-شود که جناح حزب جمهوری اسلامی بتواند موقعیت خود را نسبت به جناح لیبرالها که عمدتاً در مدیریت کارخانجات نفوذ دارند، تقویت کند. خواست تصفیه مدیران "غیرمکتبی" کارخانجات و دخالت دادن انجمنهای اسلامی در مدیریت و نظارت، و کنترل بر آن، که توسط سخنرانان مطرح میگردد، بسیار تکرار آید و واقعیت است.

۳ - وحشت رژیم از رشد آگاهی کارگران و فعالیت نیروهای کمونیست و انقلابی در کارخانجات، انعکاس خود را در گذشته های تمامی سخنرانان نشان داد. عوام حزب جمهوری اسلامی با لجن-براکتی بر علیه کمونیستها و انقلابیون، سعی در فاش نمودن اختراعات بین کارگران و این نیروها داشتند، آنها که میدان را برای بکه تازی خود مناسب می بینند با ایجاد محیط خفقان و سانسور سعی در جلوگیری از فعالیت آگاهانه کمونیستها دارند.

۴ - رژیم که تاکنون بر توهم نود و هشتاد و سه استفاده از احساسات مذهبی و وطن پرستانه آنهاست، با تبلیغات تکرار کننده اش سعی دارد و انمود کند که گویا "انقلاب" اسلامی ایران بر-علیه میراث لیستها و سرمایه داران است. از این رو بیشترین زمان این جلسات صرف روضه-خوانی و عوام فریبی عمال فدکا رگرجسزب جمهوری اسلامی در این بود که دیدن زمانی که حتی کارگر-ان متوهم عضو انجمنهای اسلامی صحبت از خواهشهای منفی کارگران میکردند، مبلغین رژیم با گفتن اینکه این جنگ است و "فدا انقلاب" میخواهد سو استفاده کند! و اینکه این خواهشها مادی و بی ارزشند و "ما برای اسلام انقلاب کرده ایم" و نظایر این اراجیف، موضوع را مستحالی کرده و نشان دادند که حتی حاضرین انجام مپاره ای از خواستهای رفاهی کارگران نیز نیستند.

حزب مرتجع و سرکوبگر جمهوری اسلامی که علیرغم عوام فریبیهای به اصطلاح "ندامیرالیست"، اش اینک روز بروز بیشتر در نزدوده ها افشا میگردد، مذبحخانه تلاش میکند تا از طریق ارگان-هایش نظیر انجمنهای اسلامی کارخانجات، با سمپاشی بر علیه کمونیستها و انقلابیون، جلوی رشد آگاهی کارگران را گرفته و مبارزات آنها را سرکوب نماید. رژیم با تحمیل جنگ ارتجاعی کثونی به نود و هشتاد و سه فرصتی هر چند کوتاه بدست آورد که این تبلیغات ضد مردمیش را افزایش دهد. اما با آگاهی شدن روز افزون نود و هشتاد و سه، خنثی شدن این عوام فریبیهای رژیم هستیم. گسترش مبارزات کارگران در کارخانجات بر-علیه کم شدن حقوق و مزایا، اخراج و سیکاری و... نشانگر آنست که دیگر حتی رژیم برای نود و هشتاد و سه روز بروزی رنکتور میگردد!

بقیه از صفحه ۲ افزایش...

اما کوبی این برخورد به مزاج راهکارگر خوش نیا مده و او را واداشته است که عزم را جزم کرده به نغمین انحراف رویزیونیستی خودبشتاند! رفقای راهکارگر در شماره ۳۳ نشریه خود، طی مقاله ای به تنبها بر شرا افزایش تولیدند "قاطعانه" پای فشرده اند، بلکه این موضوع را وسیله ای فرار دانه اندنا "اساس تفکر بیکار" را موزد "نقد" قرار دهنده! راهکارگر ابتدا بسرای آنکه نشان دهنده "بیکار" تا چه حد جانب صداقت را رعایت کرده است، سعی دارد بگوید که بیکار در آوردن نقل قولها، شرط امانت داری رابجا نیا ورده و با بریدن سروه جملات راهکارگر، مفهومی را خلاف آنچه مورد نظر راهکارگر بوده، مورد نقد قرار داده است. بنا بر این خود-به آوردن کلمات گفته خویش در راهکارگر ۴۵ می-پردازد، اما خواننده هر چه میگردد تا مفهوم سی خلاف آنچه بیکار را نوشته راهکارگر استنباط کرده، بسیار بد ما بوس میگردد. ما در بیکار ۸۱ نوشتیم که: رفقا میگویند: "افزایش تولید ضروری است" (راهکارگر صفحه ۹) و حتی آنچنان پیش میروند که ۱۲ ساعت کار و کار در قبیل دریافت ۸ ساعت حقوق، یعنی ۴ ساعت بیکاری کارگران را تا شید و تشریح کرده و آنرا "فداکاری قابل ستایش" میخوانند. در اینجا فریب داد اعتراض راهکارگر ببلند میشود که گفته است:

"با بدخواهی برجریان امور حاکم گردیده که این شعار به وسیله ای برای غارت هر چه بیشتر دسترنج کارگران تبدیل نشود. هم اینک در تعدادی از کارخانجات کارگران مطرح کرده اند که ۱۲ ساعت کار میکنیم و ۸ ساعت حقوق میگیریم این فداکاری قابل ستایش است، ولی با پیدار شدن سودجویی سرمایه دار، رست "این مطلب نه تنها گفته ما را نقض نمیکند، بلکه آنرا تا شید کرده و اتفاقاً همین نکته روشن میکند که راهکارگر چگونه میخواهد "فواضلی برجریان امور حاکم" کند که شعار افزایش تولید "وسیله ای برای غارت هر چه بیشتر دسترنج کارگران" نگردد؟ راهکارگر از چه راهی میخواهد "راه را بر سودجویی سرمایه دار" ببندد؟ خوب بود رفقای راهکارگر که اینقدر ما را "تحلیل مشخس از شرایط مشخس" میزنند و ما را به "دکما تسم" و "کلی باقی" متهم میکنند، خود راههای مشخس ارائه میدادند که جلوی غارت و سودجویی سرمایه داران را می-گرفت! اما راهکارگر با شعار افزایش تولید هرگز نمیتواند چنین راههایی را نشان بدهد. تنها راهی که تحلیل راهکارگر در مقابل کارگران قرار میدهد، راه تسلیم به بورژوازی، راه خدمت به رژیم سرمایه داری و نهایتاً همان راهی است که رویزیونیستها با اکثریت مبینا بند.

سعی میکنیم این مطلب را بیشتر توضیح دهیم:

**پوشاندن تناقضات در پس متهم کردن بیکار!**  
ما در بیکار ۸۱ از قول راهکارگر نوشته

بودیم: "هر کدام از آنها (سرمایه داران) خواهان همکاری در جنگ مقاومت باشند، اقدامی بر-علیه آنها (از جانب کارگران) صورت نخواهد گرفت." (براستها از ما ست)، اما راهکارگر اعتراض میکند که چرا نقل قول کامل او را نیا ورده ایم و ما را متهم میکند که "بایی سروه کردن مطلب عنوان شده"، سعی کرده ایم برای خود کسب حقانیت کنیم! راهکارگر خود نقل قول کاملش را میآورد تا "فوز"ش را خوب کند، اما "فوز" دیگری در پشتش نمایان میشود که "فوز" یا لاف "میگردد! اما چگونه؟

راهکارگر در دادنامه نقل قول فوق میگوید: "... ولی میدانیم که در حال حاضر عمدتاً سرمایه داران نه تنها خواهان مقاومت نیستند، بلکه اگر نتوانند در راه آن خرابکاری نیز خواهند کرد. پس حفظ امکانات وسیع در حال حاضر در جامعه ما اهمیت بیشتری دارد." بنا بر این سرمایه داران که معتقد است که در شرایط فعلی، سرمایه داران عمدتاً خواهان شکست رژیم و حتی خرابکاری و کار شکنی در تولید میباشند، کما-اینکه در جای دیگری از همین مقاله مینویسد: "زمانیکه تنها با کنترل توسط شوراها و اقمی کارگری و فشار بر سرمایه داران و با به عبارت دیگر اعلان جنگ به سرمایه داران می توان تولید را افزایش داد و این امر برای مقابله با خطر فلاکت جهانی از جنگ (حال ارتجاعی باشد یا عادلانه) باشد و چنانچه از بحران، ضروری است. بیکار همچنان به تکرار رسیده کلام "افزایش تولید به نفع سرمایه دار است" میپردازد. زمانی که اساساً سرمایه داری در شرایطی نیست که تولید را افزایش دهد و حتی خود ما بل است در جریان آن کار شکنی کند، یعنی زمانیکه سرمایه داری دچار جنگ بحران انقلابی است، بیکار میگوید که کنترل تولید توسط شوراها و کارگری و از آن طریق افزایش تولید یک شتابورزواشی است." (تا کیدها از ما و پراستاز راهکارگر است)

راهکارگر از طرفی از "همکاری" سرمایه داران (با اقل بخشی از آنها) در اصطلاح "جنگ مقاومت"، با طبعها که رکتور نود و هشتاد و سه در کنار ز طرف دیگر معتقد است که سرمایه داران در جریان تولید "خرابکاری و کار شکنی" میکنند! یعنی اگر چه غالباً تمایل سرمایه داران به اخلا در تولید است، ولی اگر هر کدام از آنها خواهان همکاری در جنگ مقاومت باشند، اقدامی بر علیه آنها صورت نخواهد گرفت!؟ بعبارت دیگر سرمایه داران (که افزایش تولید را بر سرمایه داران قلمداد میکنند)، بخشی از سرمایه داران بر "خلاف" منافعیشان حرکت کرده و نه تنها در تولید "کار شکنی" نمی کنند بلکه در اصطلاح جنگ مقاومت نیز "همکاری" نمایند! و جالبتر اینکه راهکارگر از طرف کارگران به ایندسته از سرمایه داران قول میدهد که "اقدامی بر علیه آنها صورت نخواهد گرفت!!" برای کسانی که این رفقا برای پوشاندن تناقضات و





انحراف رویزیونیستی خویش، چه کارها که نمی-کنند! راه کارگرکار را به آنجا میرساند که تنها جنگ ناعادانه کتونی بین رژیمهای ارجاعی ایران و عراق را "جنگ مقاومت" مینامد، بلکه با و آرونگردن حقایق، افزایش تولید را که یکی از اهداف سرمایه داران و رژیم مدافعان این جنگ کتونی است، بفرز آنها جلوه میدهد. بطلاه راه کارگر روشن نمیکند که همکاری با کارکنی بخشهای مختلف سرمایه داران با جنگ و تولید چگونه و به چه دلیل صورت میگیرد؟ و اساسا چرا باید در چنین شرایطی بین سرمایه داران و دولت سیاست متفاد و دود داشته باشد؟ راه کارگر برای پوئانندن این تناقضات خود به شیوه ای اپورتونیستی متوسل گردیده و با حمله به ما و ادعای تحریف گفته های ایشان، ما سعی در گل آلود کردن آب دارد، حال آنکه انحراف راه کارگر آنقدر روشن است که در سرتا - پای مقاله اش خود را نشان میدهد. راه کارگر صحبت از ضرورت "مقابله با خطر فلاکت میکند و مدعی است که چه جنگ ارجاعی با دوچه عادلانه باید با آن مقابله کرد! این رفتار آنقدر در ایده های رفرمیستی غرق شده اند که خود را تا حد بنگاه خیریه تنزل داده و وظیفه کمونیستها را در هر صورت مقابله با بحران و فلاکت قلمداد می-کند. اگر چه غرق شدن توده ها در فلاکت، امکان آگاه و متشکل نمودن آنها و مبارزه شان بر علیه بورژوازی را با مشکلاتی مواجه مینماید، اما از آنجا که کمونیستها معتقدند تا بودی آنها بیسی فلاکت توده ها تنها در سوسیا لیسم مکان پذیر است، لذا برخلاف اپورتونیستها و رویزیونیستها که فلاکت توده ها را بهانه ای برای آشتی دادن توده ها با بورژوازی قرار میدهند، کمونیستها برعکس از این فشار رستمی که بر توده ها وارد میاید، در جهت هر چه بیشتر نشان دادن ماهیت نظام سرمایه داری به آنها و نشان دادن راه مبارزه طبقاتی بعنوان تنها راه نجات زمنگشان استفاده میکنند، آری تفاوت راه انقلابی و راه اطلاع طلبانه اینجا است!

### الگوسازی و تحریف نقل قول لنین:

راه کارگر برای "اشبات" تزه ای رویزیو - نیستی اش به تحریف نوشتجات لنین، مطابق میل خود دست میزند. راه کارگر با به تحلیل و استدلالش را حملات لنین در مقاله "خطر فلاکت"، قرار میدهد و در برابر خواننده ای که اطلاعات محدودی از تاریخ روسیه و آثار رفیق لنین دارد، خود را محق جلوه میدهد. راه کارگر "فراموش" میکند به خواننده بگوید که گفته نقل شده از لنین در چه زمانی و تحت چه شرایطی نوشته شده است. مقاله "خطر فلاکت" را لنین در سپتامبر ۱۹۱۷

(حدود یکماه به انقلاب کبیرا کتبر مانده) می-نویسد. در این زمان در روسیه موقعیت انقلابی برقرار بود و شوراهای مسلح کارگران و دهقانان یکی پس از دیگری قدرت را در کارخانه ها و مراکز تولیدی بچنگ میاوردند. کمونیستها رهبری اغلب شوراهای مسلح کارگری را در دست داشتند و سرمایه داران چاره ای نداشتند جز آنکه به هر شکل که میشوایند قدرت شوراهای مقابل را بنمایند، یا حتی فرار را برقرار ترجیح دهند. خلاصه شرایط آنگونه بود که یکماه بعد از نوشتن این مقاله توسط لنین بزرگترین انقلاب روسیه در تلاکتی مسلم تهدید می-گردد... سرمایه داران تعداد و ادا شمارا بر تولید کارکنی مینمایند (خواب میکنند، از کار میاندازند، بطعمه میزنند و از حرکت باز میدارند) و امیدوارند که این فلاکت بی- سابقه موجبات نکست جمهوری و دیموکراتیسم و شوراها و بطور کلی اتحادیه های کارگری و دهقانی را فراهم نموده رجعت رژیم سلطنت و استقرا را مجدد قدرت مطلق بورژوازی و ملاکین را تسهیل کند. (صفحه ۲۸۹ منتخب آثار - برانتز از لنین و تاگید از ماست)

آنها راه کارگر شرایط کتونی ایران را شبیه شرایط آن زمان روسیه میدانند؛ با آنکه صرفا خواسته است از تشابه ظاهری کلمات "افزایش تولید"، "خطر فلاکت"، "کارکنی سرمایه داران در تولید" و... در گفته لنین و نوشته های خودش، از کم اطلاعی احتمالی خواننده سو استفاده کند؟ آنها در حالت اول (که البته راه کارگر چنین نظری ندارد) چه چیز جز آن رژیم آشکارا خواهد شد؟ و در این صورت دیگر اکتیسم و شوراها کارگری و دهقانی در روسیه آن زمان، هم ردیف شوراهای قلابی کتونی (ب) قرار میگیرد. و حالت دوم (که مورد نظر راه کارگر است) نیز چیزی نیست جز متوسل شدن به شیوه اپورتونیستی بسیاری پوئانندن انحراف رویزیونیستی اش، اما راه کارگر خود در جایش از مقاله اخیرش مینویسد: "... با وجود اینکه افزایش تولید به نفع سرمایه دار است لیکن هر نوع افزایش تولید

و از آن جمله افزایش تولید با کنترل کارگری و در شرایط یک جامعه بحرانی که در موقعیت انقلابی قرار ندارد، برفع سرما به دار نیست. (تا کید دو خطی آزماست) در اینجا راه کارگر به واقعیت موجود که ما اگر چه از جویا لای انقلابی برخوردار است، ولی "در موقعیت انقلابی قرار ندارد." اعتراف میکند، ولی اصرار دارد که در این شرایط افزایش تولید به نفع سرمایه دار نیست، اینجا درست نقطه کلیدی مسئله است که با کمی دقت بوضوح میتوان ماهیت انحرافی درک راه کارگر و شورا را افزایش تولید او را مشاهده نمود. درجا معه ما موقعیت انقلابی حکم فرما نیست، قدرت مسلح شوراهای کارگران و دهقانان، بعنوان آلترنا تیو نیرو مند ساسی وجودندارد و اغلب کارخانجات در کنترل مستقیم و غیر مستقیم دولت است. رژیم برای به انحراف کشتادن مبارزات توده ها و برآوردن خواسته های ارتجاعی، جنگی برای اداخته و از توده ها بعنوان کوشش دم توط استفاده میکند، این جنگ علاوه بر آنکه فقر و فلاکت توده ها را بیشتر کرده، موجبات تشدید استعمار کارگران و زحمت کشان را فراهم نموده است و سرمایه داران با حمایت کامل رژیم، به بهانه جنگ از کارگران تولید بیشتر و سود بیشتر میطلبند و آنگاه راه کارگر به اصرار میخواهد بقبولاند که افزایش تولید در این شرایط به نفع سرمایه دار نیست و اصلاح سرمایه دار در تولید "خواب کاری و کارکنی" میکند! باید از راه کارگر سوال کرد: مگر چه شده که سرمایه داران مجبوسده اند از سودشان چشم ببوشند؟ نگند رژیم جمهوری اسلامی را آنقدر برای خود "خطرناک" تشخیص داده اند که می-خواهند آنرا سرنگون سازند؟ کسی چه میداند شاید هم "توطئه" مهربانیم "باشد!

(ادامه دارد)



"افزایش تولید" در جنبش ارتجاعی، شعاری در خدمت طبقه سرمایه دار!





بقیه از صفحه ۳ هرگز...

به حیب سرمایه داران بزرگ ریخته میشود. در عمل بخوبی دیده میشود که اکثریت قاطع این شرکتها دچار مشکلات مالی ویا دوده و بهیچوجه سودآوری ندارند و این در حالی است که تعداد قابل توجهی از افراد چه کارگر و چه دیپلمه با حقوق بسیار کم تراز سطح عادی، به کارشدید مشغولند و مانند تمام شرکتها و کارخانه های جوان سرمایه داری، شمره کارشان توسط سرمایه داران بلعیده میشود. برده سازی که به روی این رابطه استثمار گرانه کشیده شده، این است که این شرکتها با ملاحظ "متعلق" به اعضاست و این دقیقا همان "سهیم شدن کارگران در سود کارخانه جات" را که نیرنگی برای تشدید استثمار و وا داشتن کارگران به کار سنگین تر است را به یاد می آورد. در اینجا هم دولت بخشی از سرمایه خود را خرده کرده و با این سرمایه های خرده شده شرکتها را وابسته به خود را تشکیل داده است. اعضا شرکتها با بدیگمال پس از دریافت وام آبرای صورت اقساط به دولت پس دهند.

این شرایط و در کنار آن بالا رفتن روز افزون نرخ تورم و تشدید چران اقتصادی، موجب بروز نا رضایتی شدید در بین اعضا شده است این نا رضایتی ها در گذشته بصورت استعفا دادن و کنار کشیدن اعضا و در مواردی انحلال شرکتها بروز مینمود. مرکزگسترش در مواردی با رشدها نا رضایتی، اقدام به ترتیب سرنا مه های برای هر چه بیشتر زیر کنترل در آوردن اعضا مینماید از جمله تعهدنا مه ای تهیه میکند که کلیه اعضا با موظفند به آن عمل کنند و یا اینکه استعفا دهند. این تعهدنا مه کوشی است در جهت تشدید جوخفقان در محیط کار و همچنین افزایش استثمار. طبق این تعهدنا مه ملاحظیت یک عضو را سردمداران گسترش مکن تعیین میکنند و نه خود اعضا در تعهدنا مه آمده است: "... هرگونه تخلف از این موارد بوسیله مرکزگسترش قابل بگیری بوده و رای ما دره از طرف مرکزگسترش را بدون هیچ عذرو بهانه نخواهم پذیرفت". به خوبی میتوان مشاهده کرد که طبق این اصل شرکت آزاد است بدون هیچ عذرو بهانه ای هر کس را که مایل بوداخراج کند. در جای دیگر مخوانیم: "... (متعهد میشوم) که به دستجات و گروههایی که مخالف قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران عمل میکنند و وابستگی نداشته و خود متعهد به عمل در چهارچوب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مینام. ضمنا متعهد میشوم که از مکانات شرکت و مخصوص وقت کار شرکت برای تبلیغات سیاسی استفاده ننمایم"

اگر بخوانیم همین حرفها را ترجمه کنیم این میشود که تعهد میکنم مثل یک ماشین چشمها و گوشها هم را ببندم و برای شما جان بکنم چرا که در "چهارچوب قانون اساسی" جمهوری اسلامی ایران کار کردن یعنی جان کندن و رانسج کشیدن. یعنی نوکری جیره و مواجب سرمایه داران بودن. طبق این تعهدنا مه کسی حسق افتاگری این سیستم ظالمانه را ندارد. سیستمی که در آن عده ای سرمایه دار با همدستی و حمایت نمایندگان شان در راس دولت، میکوشند که با سرکوب انقلاب و با زسازی کامل سرمایه داری وابسته تازبا نه های استثمار را بر سر کرده زحمتکشان ایران فرود آورند.

این تعهدنا مه آنچنان کار در راه استخوان اعضا رسانیده که چند روز پس از ابلاغ تعهدنا مه ها، حدوده انفرزا اعضا جلوی مرکز جمع شدند و بطرف دفتر به راه افتادند و بیرون دفتر آقا خانی که یکی از مسئولین مرکز است تجمع کردند. و در همین حال یکی از اعضا درالیکه تعهدنا مه را با صدای بلند میخواند، تک تک بندهای آنرا برای دیگران افشا میکرد و نشان میداد که چگونه این تعهدنا مه با منافع اعضا متفاد است. بهر حال بعد از مدتی آقا خانی اجبارا در جمع حاضر میشود و بعد از خواندن چند آیه شروع به صحبت میکند: "سر صحبت من با کسانی است که با آنها در مورد انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی توافق دارم و آنها هستند که میتوانند حرفهای مرا بفهمند. من میدانم که دستهای شما را وادار به اینکار کرده است و مطمئنم بین شما افراد ضد انقلاب که املا اسلام و انقلاب را قبول ندارند ریخته کرده اند". در اینجا حاضرین شدیدا اعتراض کردند و از او استنسد بدون برچسب زدن به موضوع تعهدنا مه به بردارد آقا خانی که در اصل جز فسطه چیزی نداشت که تحویل دهد، عاقبت دست خود را روی میگذارد و اعتراف میکند: "ما میخواهیم با گرفتن این تعهدنا مه کاری کنیم که هیچکس نتواند به دلخواه خود استعفا دهد و مجبور با شد حداقل ۲ سال اینجا کار کند". در جواب این حرف یکی از اعضا گفت "جناب آقا خانی، در واقع این شرایط که خود شما بوجود آورده اید موجب میشود که اعضا استعفا دهند و اگر نه کسی مایل به بیکار شدن نیست". آقا خانی جوابی نداشت که به این حرف به دهد و در ادامه سخنانش اشاره میکند: "در این شرکتها سازمانهای ضد انقلابی مثل مجاهدین و بیکار و گروههای دیگر نفوذ کرده اند و ما میخواهیم جلوی اینها را بگیریم". آری جناب آقا خانی دست خود همکاران را روی میگذارد! ترس ایشان از رشد سیاسی اعضا شرکتها و بالا رفتن آگاهی آنها، کمالات از گفته های اخیر پیداست. یکی از حاضرین فریاد میزند که: "آقای آقا خانی شما از روی خون شهیدان این

ملت عبور کرده اید و حالا پشت میز نشسته اید و به فرزندان همین ملت زور میکوبید". آقا خانی با عصیانیت جواب میدهد که: "من اگر خونم هم ریخته شدم نمی گذارم ضد انقلابیون کار ما را خراب کنند". یکی دیگر از اعضا که یک پایش را در جریان انقلاب از دست داده در حالیکه به پای مصنوعیش اشاره میکند با خشم فریاد میزند که: "آقا خانی، ما را تهدید به ریختن خون نکنید. ما در انقلاب زخمی شدیم تا آزادی واقعی را به چنگ آوریم و حالا شما ما را به بازی گرفته اید". ولی آقا خانی (وبقیه مسئولین) با سماجت و قیحا نه ای در مقابل خواسته های اعضا مخالفت میکنند و در جواب کسی که خواستار تشکیل اتحادیه ای از شرکتها و تعاونی برای رسیدن به خواسته های شان شده بود با عصیانیت فریاد میزند که: "من مدرد صبا این حرف مخالف تشکیل اتحادیه و شوراهای است کمونیست است و من زیر بار این جور حرفها نمیروم. ولی با تشکیل انجمن اسلامی که افراد کمونیستی و مومن در آن نمایندند شوند کاملا موافقم". به راستی که سرمایه داران و نمایندگان شان از شکل کارگران و حشمت فراوانی دارند و کلماتی چون "اتحادیه" و "شورای واقعی" مانند پتکی است که بر مغز شان کوبیده شود. آری! آنان از آگاه شدن ما می هراسند و چنین است که قان "منوعیت تبلیغات سیاسی در محیط کار" را علم میکنند تا سدی جلوی رشد شکل و اتحاد ما بگذارند و به همین دلیل آقا خانی سعی در پراکنده کردن کارگران میکند و میکوبد "یکی یکی نزد من بیاید و لی "جمع" نشوید!! آری! آنان از اتحاد ما در هراسند چرا که خوب میدانند که تهداد صورتی که به نیروی یکدیگر تکیه کنیم قادر خواهیم بود به خواسته های حداقلمان برسیم و در غیر این صورت شکست خواهیم خورد.

در هر صورت اجتماع آرزویدون توافق بی پایان رسید. این جریان اعتراضی چند نتیجه مفید در برداشت:

- ۱- به مسئولین مرکزگسترش نشان داده شد که اعضا شرکت در مقابل فشارها و جفاقت آنها ساکت نمی نشینند و مبارزه دست میزنند.
- ۲- کسانی که در اجتماع آرزو شرکت داشتند ما هیت فدکارگری و سرمایه دارانه برنا مه های مرکزگسترش را علیرغم ظاهرا مغر بیانه آن که "این شرکتها مال خود شماست" و "ما میخواهیم به استقلال اقتصادی برسیم" و... بیشتر شناختند.
- ۳- بیکار دیگر ما هیت ضد انقلابی و فدکارگری کسانی که بیشتر ما نه سازمانهای انقلابی و کمونیستی را مورد حمله قرار میدهند، روشن شد. در اجتماع آرزو "آقا خانی" سازمانهای مجاهدین، بیکار و... را مورد حمله قرار داد. ولی در جریان مبارزه آرزو بسرای تعداد دیگری از زحمتکشان اصفهان روشن شد، کسانی که از سازمانهای کمونیستی و انقلابی و حشمت دارند از چه میترسند و مدافع چه کسانی هستند!

حق بیمه بیکاری هم حق کارگران بیکار است، هم کارگران شاغل



بقیه از صفحه ۶ محاصره...

۱- فشار بر زحمتکشان شهر و روستا جهت قطع حمایت آنها از سازمانهای انقلابی و پیشمرگان مسلح: میدانیم که هر آینه جنبش مقاومت و در رأس آن پیشمرگان مسلح انقلابی به توده‌های زحمتکشان شهری و روستائی متکی نبود، بسزودی شکست می‌انجامد و اساساً دوام و بقا و رشد و روزافزون جنبش مقاومت مسلحانه خلق کرد، بستگی نام به میزان حمایت توده‌های زحمتکش کرد دارد. محاصره اقتصادی نیز از جمله ابزار است در دست رژیم که با توسل به آن ویا وارد کردن فشار هر چه بیشتر بر زحمتکشان شهزها و روستاها ی کردستان، مانع از حمایت آنها از پیشمرگان کردیده و مقاومت مسلحانه پیشمرگان را از پشتوانه توده‌ای خود محروم سازد.

۲- تضعیف قوای پیشمرکه: محاصره اقتصادی کردستان از جمله اقداماتی است برای در تنگنا قرار دادن پیشمرگان از لحاظ تامین آذوقه و ما یحتاج خود رژیم این کار را بدو صورت انجام میدهد: الف- قطع ارسال هرگونه کمک روستائیان به پیشمرگان بوسیله سرکوب زحمتکشان روستاها ب- تعقیب پیشمرگان و ورود روستایی مستقیم و محاصره نظامی آنها و قطع راههای ارتباطی پیشمرگان با اهالی منطقه. بدرستی میتوان گفت که هیچکدام از این حرکات سرکوبگرانه رژیم نتوانسته است در رویه مبارزات مسلحانه پیشمرگان خللی وارد سازد. ضربات پیشمرگان قهرمان بر نیروهای رژیم در کردستان بیانگیز چنین واقعیتی است.

۳- انجام تبلیغات وسیع و اجرای نمایشات قلابی و عوام فریبانه از تقسیم مواد غذایی توسط پادساران، ارتش و سایر ارگانهای ضد خلقی: رژیم جمهوری اسلامی برای کسب و جلب اعتماد زحمتکشان کردستان، بلافاصله بعد از محاصره اقتصادی و همزمان با آنها جرم کشیده به پیشمرگان جنبش مقاومت به انجام نمایشات تلویزیونی مبنی بر تقسیم غذا بین کردها در برخی از شهرها دست زد. این حرکت رژیم از دو جنبه حائز اهمیت میباشد: الف- تبلیغ حول این مسئله که کردستان در محاصره اقتصادی نیست و هرگونه مواد غذایی و ما یحتاج عمومی از طریق دولت بدست خلق کرد میرسد. ب- اعمال فشار رگرستی بر روی خلق کرد و سپس

تقسیم مقدار محدودی از مواد غذایی بین اهالی یک منطقه محدود و نامشروع آن در تلویزیون، بسا این هدف که اعتماد و اطمینان زحمتکشان را به خود جلب کند.

۴- ایجاد تفرقه و برادر کشی بین ترک و کرد: از بعد از محاصره اقتصادی، رژیم جمهوری اسلامی با تقسیم مواد غذایی و رساندن ما یحتاج عمومی و بویژه مواد سوختی بین ترکهای منطقه و تحریم خرید و فروش با کردها بویژه در شمال غربی کردستان، همواره در پی این بوده که بر اختلافات قومی و مذهبی بین ترک و کردها من زده و بسا ایجاد برادر کشی بین آنها به اهداف ضد خلقی خود جا مه عمل ببوشاند، کما اینکه در برخی موارد بویژه در روستاها ی اطراف نهدنه تا حدی در اعمال چنین سیاستی موفق بوده است.

اگرچه تلاش رژیم در محاصره اقتصادی و یگاری گیری شیوه‌های مذکور و تشدید محاصره بویژه بعد از جنگ، عمدتاً با شکست مواجه شده است و ما هر روز شاهد و چگیری جنبش مقاومت و ضربات پیشمرگان به نیروهای رژیم در کردستان هستیم اما نباید فراموش نمود که تداوم محاصره اقتصادی مینتواند ضربات جدی بر روند جنبش مقاومت وارد سازد. بنا بر این تلاش نیروهای انقلابی در شنا فتن به یاری خلق کرد و جلب حمایت کلیه زحمتکشان آگاهان از خلق ستمدیده کرد، بیش از هر زمان دیگر ضرورت دارد. ارتجاع حاکم از یکسوی محاصره اقتصادی همه جا نیه خلق کرد و از سوی دیگر با تشدید کشتار زحمتکشان در شهرها و روستا های کردستان در صدد به جنگ ارتجاعی کنونی سعی دارد مقاومت انقلابی خلق زحمتکش کرد و در رأس آن پیشمرگان را درهم شکسته و نیروهای مسلح خلق کرد را فرسوده سازد. بنا بر این شکستن محاصره اقتصادی، تقویت جنبش مقاومت محسوب شده و وظیفه فوری و مبرم خلقها و زحمتکشان آگاه، کمونیستها و کلیه نیروهای انقلابی است جمع آوری و ارسال هرگونه کمک دارویی، غذایی، پوشاک مواد سوختی و دیگر موار ف زندگی به کردستان از گامهای اولیه ما در راه انجام وظایف انقلابی ما ن در قبال جنبش خلق کرد است. با تمام نیرو با استفاده از هرگونه امکانات - ولو محدود - بپاری خلق ستمدیده و زحمتکش کرد بشتابیم. ■

ملاحظات کوتاه

آقای پیمان هم کزگی میخواند!

روزنامه امت آقای پیمان که در اشبات فد امپریالیستی و ضد استعماری بودن خطا ما م هر چه داشت روی دایره ریخت و کفگیرش به ته دیگ خورد، ناچار دست به حمله علیه ما هدین خلق زد و زیر سرپوش برخی انتقادات علیه ما شات رهبری ما هدین با لیبیرالها، مقالات متعدد ی با مطلاع "زده" بر ما هدین خلق نوشت که آنهم نفعی نبخشید. نزدیک شدن به حزب جمهوری اسلامی ادا مه منطقی رای مثبت آقای پیمان به ولایت - فقیه و فانون اساسی بود، ولی ایشان چون با لخره با بد "مترقی" هم باشد، با خبرگزاری س محاصره میکنند و نظایق سیاسی با خط حزب توده را از جنبه‌های گوناگون، در دست تورقرا میدهند که آخرین آن "فدا انقلابی" شمردن سازمان پیکار است. البته پیش از این نیز یکی دو بار رچیزی شبیه این در روزنامه ما مت آمده بود ولی این بار وقیحانه تر است. امت مورخه ۱۰ دیماه نوشته است: "بنظر ما سازمان (ما هدین) ... سهم عمده ای در انحراف افکار جوانان و هواداران خود دارد. بی سبب نیست که اغلب کسانی که از سازمان جدا میشوند، اگر جذب گروههای مذهبی نشوند به دامن سازمانهای فدا انقلابی نظیر پیکار کشانده میشوند..."

ترس روزنامه امت هما نظور که در دوسه سطر بعد میگوید این است که هواداران ما هدین از مذهب دلیر گردیده و "بدا من گروههای مارکسیستی کشانده شوند."

ترس آقای پیمان بیهوده نیست چرا که از ما هبت طبقاتی ایشان ما به میکیرد حلال روزنامه امت هر چه میخواهد "علیه استعمار" حرف بزند! اوتا وقتی بادشمنان آشتی نا پذیر سرمایه داری و استعمار یعنی کمونیستها، دشمنی میورزد جز دوست سرما به داران نیست.

هر چه بیشتر بهم بزنی گندش بیشتر بالا نیاید

چند هفته پیش سندی را افشا کردیم به امضای رجا شتی که بر اساس آن ۲۵ میلیون تومان دیگر از قرار ما هی ۵ میلیون تومان به آیت الله منتظری داده شده تا خرج مروجین مذهبی و روحانیون کند. این کار ابتدا مثل آبی بود که به خانه مورچگان ریخته شود در همه جا غلغلته افتاد: "عجب که! بنظور! چیزی نگذشت که





## مرگ پر بختیار، نوگرپی اختیار

● ۱۶ دیماه ده وین سالروز نخست وزیری  
شا هبور بختیار آخرین صدراعظم شاه  
جلاد  
● جنایات بختیار مزدور و ماهیت ضد  
انقلابی لیبرالیسم میان پیوسیده را  
نمایان ساخت

در روزهای که فریاد دخروشان توده های انقلابی کوچک و بختیار با آنها را تجلی گاه کینه طبقاتی مردم زحمتکش نسبت به رژیم ددمنش و وابسته شاه جلاد ساخته بود، بود روزها شیکه در اثر مبارزات توفنده و انقلابی زحمتگشان ایران، تا لوده رژیم پهلوی از هم پاشیده شده بود، بختیار خاش از طرف شاه به نخست وزیری رسید. در ۱۶ دیماه ۱۳۵۷ روز نخست وزیری شاه هبور بختیار، زحمتگشان مین ما با پشت سرنهادن روزهای برشور و تبعیمین کننده ای عرصه را آنچنان بر رژیم منفور شاه و امپریالیسم تنگ کرده بودند که اغلب لیبرالهای سلطنت طلب چون سنجاسی، بازرگان و... برخلاف نیت و خواست باطنی شان "عزیمت شاه را طلب میکردند. بختیار خاش که در سال ۵۶ همراه با سنجاسی و فروهر طی نامه ای سرگشاده شاه، بگدازی "دموکراسی" به "پیشگامان و شتافه بود، گمان میکرد که میتواند آخرین توطئه امپریالیسم را برای حفظ و بقا رژیم وابسته شاه عملی ساخته و با سودجویی از باقیه همکارانش با دولت ملی ممدق در سیراوج با بنده جنش انقلابی توده ها خلل وارد آورده و ترا به انحراف و سازش بکشانند. مردم مبارزی که "شنبه خونین" تبریز، جمعه سیاه تهران، کشتار روحیان قم، ۱۳ آبان تهران و... را در پیش چشم خود داشتند، مردمیکه میدانند فردای عجز ولا به تبهکارانه شاه جلاد، از هاری دزخیم برای کشتار بیشتر توده ها بمیدان میابد و ارتش ضد خلقی و آمریکائی شاه در گوشه و کنار زمین ما، حمام خون برآمده اندازد هر گرا ضرر نبودند قدسی به عقب نهاده و تن به سازش بدهند، آنها با خشم و نفرت سرتگونی رژیم شاه را سر میهد اندود راه انقلاب پیروز میدان به پیش میرفتند، در چنین شرایطی طبیعی بود که بازی سیاسی که بختیار "لیبرال" با زیگر علی آن بود استکست مواجه شد، او در آغاز با زیست های فریبکارانه، نویسد "آزادی" میداد، دم را "انحلال ساواک" میزد، کتایش در رندا آنها را که بهمت توده ها و در اکثر

## ملاحظات کوتاه

آیت الله منتظری اعلامیه ای داد که از سمت "بول تحویل گرفتن و خرج روحانیون کردن" استعفا داد (روزنامه اطلاعات ۱۷ آذر ۵۹) و صورت داد که ۲۲ میلیون تومان برای روحانیون سنی تحویل گرفته است که ما ابترا در سند ی دیگر افشا کردیم (پیکار ۸۶) معلوم بود که بدجای قضیه را دست گذاشته - ایم، بهزا دسنوی آمد که موضوع اول را ما ستالی کندولی ضمن قاطی کردن مسائل - و کم جافگسی ناشی از دروغ گوئی، اینرا هم فاش کرد که ۱/۴۰۰/۰۰۰ تومان خرج سفر آقای رجائی به نیویورک شده! به این ترتیب یک گندیدگی را لا آمد! حالا عسکرا ولادی نماینده مجلس اسلامی ورشس از زمان اوقاف، در آمد که ما به روحانیون سنی ۲۷ میلیون تومان داده ایم. (روزنامه جمهوری ۱۱ دیماه) سندی هم که ما با امضای بنی صدر (بعضوان رئیس شورای انقلاب) در پیکار ۸۷ منتشر کردیم حکایت از این میکرد که ۳۶ میلیون تومان به روحانیون داده اند، این رقم که هر کد ام جدا و مستقل از دیگری است نشان میدهد که حداقل طی همین چند ماه گذشته ۲۵+۲۲+۳۷+۳۶ یعنی ۱۲۰ میلیون تومان (بر اساس اسناد معدودی که بدست ما رسیده بود، به جیب روحانیون و مورجین مذهبی سرازیر شده است! این گنداب را هر چه بیشتر به هم بزنی گندش بیشتر می آید!

آنها جز با مبارزه انقلابی خود آنها و بدست خود آنان میسر نیست.

بختیار خاش به پشتگرمی همپالکی های لیبرال خود در جنبه ملی و دیگر فدا انقلابیون ورشکسته میکوشد با حمایت امپریالیستها بفرمود امپریالیستهای فرانسوی، خود را در شرایط بحرانی کنونی با صلاح آلترنا تیبو کند، او در رادیوی فدا انقلابی ای که از رژیم ارتجاعی عراق بهاریت گرفته است و قیحا نه دم از "آزادی" میزند، بختیار را خیرا طی اعلامیه ای از طرف با صلاح "دفتر سیاسی" اش ایجا د "نهت مقاومت ملی" را اعلام کرده است.

به این نوگر سر سیرده امپریالیستها و همپالکی های داخلی اش با بدگفت توده های آگاه خلق به کسانیکه خیلی از شما فریبکار ترند جز با نفرت و خشم انقلابی سخن نمی گویند. شما که جای خود اربید!



مبارزه انقلابی آنان صورت میگرفت، به سود نسبت میداد، از قطع روابط با "اسرائیل" و "آفریقای جنوبی" سخن میراند، از "فما ص" خون شهیدان صحبت میکرد و... و برای فریب توده ها و نمایش "قدرت توده ای" خود تظاهرات ساختگی "قانون اساسی" را ترتیب میداد و مسز دوران ساواک، ارتش و پلیس شاه را همراه با خانواده ها بشان به غیبا با آنها میکشا دولتی توده های دانستند که کسی که بخاطر حفظ رژیم شاهنشاهی و طرف شاه جلاد ما موربت دارد نمیتواند ادامه دهنده راه شریف امامی و از هاری نباشد، آنها با فریادهای "مرگ پر بختیار، نوگرپی اختیار" به غیبا با آنها ریخته و آب با کئی بردستان تبهکارا بن لیبرال خاش ریختند، اوج فزاینده جنشش انقلابی توده ها، ماهیت دروغین "لیبرالیسم" عصاره ای چون بختیار که بر سر منافع مردم امپریالیستها به معامله می نشینند را افشا کرد بختیار از سوشی مردم میا زرا به خاک و خون می کشید، ۸۰ بهمن تهران را موجود می آورد و در گوشه و کنار زمین صدها نفر را بجرم آزادیخواهی قتل عام میکرد و از سوشی دیگر بنیانی با بازرگانها و بهشتی ها به معامله می نشست تا با پدر میانی آنها نقشه هوی زرا به اجرا در آورده و از با شیده شدن کامل نظام ما کم جلو گیری نمایند، و لسی توده ها به آنها مهلت ندادند که با صحنه سازی با "تقدیم" استعفا ی بختیار به آیت الله خمینی و "عفو" بشان توطئه امپریالیسم آمریکا و این "حما میا" دروغین خلق به سرانجام دلخواه برسد قیام بهمن ۵۷ سر رسید - گرچه بهشتی ها و بازرگانها مانع از با شیده شدن کامل سرمایه داری وابسته شدند - ولی بختیار خاش بدستان پرتوان توده ها دستگیر شد، بختیار را بیاری دوستان لیبرالش و مشخفا با زرگان خیانت پیشه از انتقام انقلابی زحمتگشان جان سالم بدر نبرد و به آغوش اربابان امپریالیستش شتافت تا به نوعی دیگر به توطئه های خیانتکارانه اش ادا مدهد. "زما مدارای کوتاه بختیار و عملکردهای خاشا نه وجنایت کارانه اش توده ها را بیش از پیش با ما هیت واقعی لیبرالهای فدا انقلابی آشنا ساخت. اکنون نیز که توده ها روز بروز از جمهوری اسلامی روی تافته و به مبارزه با این رژیم ارتجاعی بر میخیزند، بختیار مزدور بیهوده میکوشد تا با بهره گیری از امکانات بیدریغی که امپریالیستهای غربی در اختیارش گذاشته و میگذارند خود را به آلترنا تیبی در برابر رژیم جمهوری اسلامی تبدیل سازد. عریده های ضد - انقلابی را دیو بختیار رگه یکی از بلندگو های تبلیغاتی امپریالیستهای فریب خلقهای ماست نخواهد توانست کوچکترین کمکی به بختیار مزدور در به انحراف کفاندن توده ها بنماید. توده های زحمتکش بیش از پیش به بوچی شعارهای لیبرالهای فدا انقلابی پی برده و بخوشی میدانند که آزادی

## به استقبال جنبش او جگیر نموده توده ها بشتایم



### کمکهای مالی دریافت شده

تهران:	س-ش	ر-	ب
الف	۸۳۰۰	سرباز	۷۵۰۰
ب	۲۸۰۰	مادر	۱۵۰۰
پ	۵۱۱۰۰	مبارز	۷۴۰۰
ت	۵۸۰۰	تبریز:	۲۰۰
ث	۲۵۰۰۰	آغاچاقد	۲۹۰۰
ج	۹۰۰۰	س	۹۵۰۰
ح	۶۶۰۰	الف	۹۱۰۰
ط	۶۰۰۰	ب	۱۲۰۰۰
ظ	۷۶۰۰	پ	۱۰۷۸۰
ع	۴۰۰۰	ر	۲۳۲۰
غ	۸۳۰۰	س	۶۱۰۰۰
ف	۲۰۰۰	ت	۸۰۰۰
ق	۲۲۲۰	ث	۱۲۰۰۰
ک	۳۵۰۰	ج	۷۰۰۰
گ	۲۳۰۰	ح	۲۷۰۰۰
خ	۹۸۰۰	ط	۹۰۰۰
د	۴۰۰۰	ظ	۳۰۰۰
ذ	۹۹۰۰	ع	۱۱۰۰۰
ر	۵۹۰۰	غ	۱۱۰۰۰
ز	۲۵۰۰	ف	۸۷۷۰
س	۲۵۰۰	ق	۷۵۰۰
ش	۴۰۰۰	ک	۸۰۰۰
ص	۱۹۰۰	گ	۶۷۰۰
ض	۱۰۰۰	خ	۶۵۰۰
ط	۵۹۰۰	د	۱۳۳۱۰
ظ	۲۵۰۰	ذ	۲۲۰۰
ع	۴۰۰۰	ر	۹۰۰۰
غ	۲۵۰۰	ز	۶۳۰۰
ف	۱۹۰۰	س	۲۳۵۰
ق	۱۰۰۰	ش	۲۲۵۰
ک	۵۹۰۰	ص	۲۰۰۰
گ	۴۰۰۰	ض	۲۰۰۰
خ	۱۹۰۰	ط	۱۰۰۰
د	۱۰۰۰	ظ	۱۰۰۰
ذ	۵۹۰۰	ع	۱۰۰۰
ر	۲۵۰۰	غ	۱۰۰۰
ز	۴۰۰۰	ف	۱۰۰۰
س	۲۵۰۰	ق	۱۰۰۰
ش	۴۰۰۰	ک	۱۰۰۰
ص	۱۹۰۰	خ	۱۰۰۰
ض	۱۰۰۰	د	۱۰۰۰
ط	۵۹۰۰	ذ	۱۰۰۰
ظ	۲۵۰۰	ر	۱۰۰۰
ع	۴۰۰۰	ز	۱۰۰۰
غ	۲۵۰۰	س	۱۰۰۰
ف	۱۹۰۰	ش	۱۰۰۰
ق	۱۰۰۰	ص	۱۰۰۰
ک	۵۹۰۰	ض	۱۰۰۰
گ	۴۰۰۰	ط	۱۰۰۰
خ	۱۹۰۰	ظ	۱۰۰۰
د	۱۰۰۰	ع	۱۰۰۰
ذ	۵۹۰۰	غ	۱۰۰۰
ر	۲۵۰۰	ف	۱۰۰۰
ز	۴۰۰۰	ق	۱۰۰۰
س	۲۵۰۰	ک	۱۰۰۰
ش	۴۰۰۰	خ	۱۰۰۰
ص	۱۹۰۰	د	۱۰۰۰
ض	۱۰۰۰	ذ	۱۰۰۰
ط	۵۹۰۰	ر	۱۰۰۰
ظ	۲۵۰۰	ز	۱۰۰۰
ع	۴۰۰۰	س	۱۰۰۰
غ	۲۵۰۰	ش	۱۰۰۰
ف	۱۹۰۰	ص	۱۰۰۰
ق	۱۰۰۰	ض	۱۰۰۰
ک	۵۹۰۰	ط	۱۰۰۰
گ	۴۰۰۰	ظ	۱۰۰۰
خ	۱۹۰۰	ع	۱۰۰۰
د	۱۰۰۰	غ	۱۰۰۰
ذ	۵۹۰۰	ف	۱۰۰۰
ر	۲۵۰۰	ق	۱۰۰۰
ز	۴۰۰۰	ک	۱۰۰۰
س	۲۵۰۰	خ	۱۰۰۰
ش	۴۰۰۰	د	۱۰۰۰
ص	۱۹۰۰	ذ	۱۰۰۰
ض	۱۰۰۰	ر	۱۰۰۰
ط	۵۹۰۰	ز	۱۰۰۰
ظ	۲۵۰۰	س	۱۰۰۰
ع	۴۰۰۰	ش	۱۰۰۰
غ	۲۵۰۰	ص	۱۰۰۰
ف	۱۹۰۰	ض	۱۰۰۰
ق	۱۰۰۰	ط	۱۰۰۰
ک	۵۹۰۰	ظ	۱۰۰۰
گ	۴۰۰۰	ع	۱۰۰۰
خ	۱۹۰۰	غ	۱۰۰۰
د	۱۰۰۰	ف	۱۰۰۰
ذ	۵۹۰۰	ق	۱۰۰۰
ر	۲۵۰۰	ک	۱۰۰۰
ز	۴۰۰۰	خ	۱۰۰۰
س	۲۵۰۰	د	۱۰۰۰
ش	۴۰۰۰	ذ	۱۰۰۰
ص	۱۹۰۰	ر	۱۰۰۰
ض	۱۰۰۰	ز	۱۰۰۰
ط	۵۹۰۰	س	۱۰۰۰
ظ	۲۵۰۰	ش	۱۰۰۰
ع	۴۰۰۰	ص	۱۰۰۰
غ	۲۵۰۰	ض	۱۰۰۰
ف	۱۹۰۰	ط	۱۰۰۰
ق	۱۰۰۰	ظ	۱۰۰۰
ک	۵۹۰۰	ع	۱۰۰۰
گ	۴۰۰۰	غ	۱۰۰۰
خ	۱۹۰۰	ف	۱۰۰۰
د	۱۰۰۰	ق	۱۰۰۰
ذ	۵۹۰۰	ک	۱۰۰۰
ر	۲۵۰۰	خ	۱۰۰۰
ز	۴۰۰۰	د	۱۰۰۰
س	۲۵۰۰	ذ	۱۰۰۰
ش	۴۰۰۰	ر	۱۰۰۰
ص	۱۹۰۰	ز	۱۰۰۰
ض	۱۰۰۰	س	۱۰۰۰
ط	۵۹۰۰	ش	۱۰۰۰
ظ	۲۵۰۰	ص	۱۰۰۰
ع	۴۰۰۰	ض	۱۰۰۰
غ	۲۵۰۰	ط	۱۰۰۰
ف	۱۹۰۰	ظ	۱۰۰۰
ق	۱۰۰۰	ع	۱۰۰۰
ک	۵۹۰۰	غ	۱۰۰۰
گ	۴۰۰۰	ف	۱۰۰۰
خ	۱۹۰۰	ق	۱۰۰۰
د	۱۰۰۰	ک	۱۰۰۰
ذ	۵۹۰۰	خ	۱۰۰۰
ر	۲۵۰۰	د	۱۰۰۰
ز	۴۰۰۰	ذ	۱۰۰۰
س	۲۵۰۰	ر	۱۰۰۰
ش	۴۰۰۰	ز	۱۰۰۰
ص	۱۹۰۰	س	۱۰۰۰
ض	۱۰۰۰	ش	۱۰۰۰
ط	۵۹۰۰	ص	۱۰۰۰
ظ	۲۵۰۰	ض	۱۰۰۰
ع	۴۰۰۰	ط	۱۰۰۰
غ	۲۵۰۰	ظ	۱۰۰۰
ف	۱۹۰۰	ع	۱۰۰۰
ق	۱۰۰۰	غ	۱۰۰۰
ک	۵۹۰۰	ف	۱۰۰۰
گ	۴۰۰۰	ق	۱۰۰۰
خ	۱۹۰۰	ک	۱۰۰۰
د	۱۰۰۰	خ	۱۰۰۰
ذ	۵۹۰۰	د	۱۰۰۰
ر	۲۵۰۰	ذ	۱۰۰۰
ز	۴۰۰۰	ر	۱۰۰۰
س	۲۵۰۰	ز	۱۰۰۰
ش	۴۰۰۰	س	۱۰۰۰
ص	۱۹۰۰	ش	۱۰۰۰
ض	۱۰۰۰	ص	۱۰۰۰
ط	۵۹۰۰	ض	۱۰۰۰
ظ	۲۵۰۰	ط	۱۰۰۰
ع	۴۰۰۰	ظ	۱۰۰۰
غ	۲۵۰۰	ع	۱۰۰۰
ف	۱۹۰۰	غ	۱۰۰۰
ق	۱۰۰۰	ف	۱۰۰۰
ک	۵۹۰۰	ق	۱۰۰۰
گ	۴۰۰۰	ک	۱۰۰۰
خ	۱۹۰۰	خ	۱۰۰۰
د	۱۰۰۰	د	۱۰۰۰
ذ	۵۹۰۰	ذ	۱۰۰۰
ر	۲۵۰۰	ر	۱۰۰۰
ز	۴۰۰۰	ز	۱۰۰۰
س	۲۵۰۰	س	۱۰۰۰
ش	۴۰۰۰	ش	۱۰۰۰
ص	۱۹۰۰	ص	۱۰۰۰
ض	۱۰۰۰	ض	۱۰۰۰
ط	۵۹۰۰	ط	۱۰۰۰
ظ	۲۵۰۰	ظ	۱۰۰۰
ع	۴۰۰۰	ع	۱۰۰۰
غ	۲۵۰۰	غ	۱۰۰۰
ف	۱۹۰۰	ف	۱۰۰۰
ق	۱۰۰۰	ق	۱۰۰۰
ک	۵۹۰۰	ک	۱۰۰۰
گ	۴۰۰۰	گ	۱۰۰۰
خ	۱۹۰۰	خ	۱۰۰۰
د	۱۰۰۰	د	۱۰۰۰
ذ	۵۹۰۰	ذ	۱۰۰۰
ر	۲۵۰۰	ر	۱۰۰۰
ز	۴۰۰۰	ز	۱۰۰۰
س	۲۵۰۰	س	۱۰۰۰
ش	۴۰۰۰	ش	۱۰۰۰
ص	۱۹۰۰	ص	۱۰۰۰
ض	۱۰۰۰	ض	۱۰۰۰
ط	۵۹۰۰	ط	۱۰۰۰
ظ	۲۵۰۰	ظ	۱۰۰۰
ع	۴۰۰۰	ع	۱۰۰۰
غ	۲۵۰۰	غ	۱۰۰۰
ف	۱۹۰۰	ف	۱۰۰۰
ق	۱۰۰۰	ق	۱۰۰۰
ک	۵۹۰۰	ک	۱۰۰۰
گ	۴۰۰۰	گ	۱۰۰۰
خ	۱۹۰۰	خ	۱۰۰۰
د	۱۰۰۰	د	۱۰۰۰
ذ	۵۹۰۰	ذ	۱۰۰۰
ر	۲۵۰۰	ر	۱۰۰۰
ز	۴۰۰۰	ز	۱۰۰۰
س	۲۵۰۰	س	۱۰۰۰
ش	۴۰۰۰	ش	۱۰۰۰
ص	۱۹۰۰	ص	۱۰۰۰
ض	۱۰۰۰	ض	۱۰۰۰
ط	۵۹۰۰	ط	۱۰۰۰
ظ	۲۵۰۰	ظ	۱۰۰۰
ع	۴۰۰۰	ع	۱۰۰۰
غ	۲۵۰۰	غ	۱۰۰۰
ف	۱۹۰۰	ف	۱۰۰۰
ق	۱۰۰۰	ق	۱۰۰۰
ک	۵۹۰۰	ک	۱۰۰۰
گ	۴۰۰۰	گ	۱۰۰۰
خ	۱۹۰۰	خ	۱۰۰۰
د	۱۰۰۰	د	۱۰۰۰
ذ	۵۹۰۰	ذ	۱۰۰۰
ر	۲۵۰۰	ر	۱۰۰۰
ز	۴۰۰۰	ز	۱۰۰۰
س	۲۵۰۰	س	۱۰۰۰
ش	۴۰۰۰	ش	۱۰۰۰
ص	۱۹۰۰	ص	۱۰۰۰
ض	۱۰۰۰	ض	۱۰۰۰
ط	۵۹۰۰	ط	۱۰۰۰
ظ	۲۵۰۰	ظ	۱۰۰۰
ع	۴۰۰۰	ع	۱۰۰۰
غ	۲۵۰۰	غ	۱۰۰۰
ف	۱۹۰۰	ف	۱۰۰۰
ق	۱۰۰۰	ق	۱۰۰۰
ک	۵۹۰۰	ک	۱۰۰۰
گ	۴۰۰۰	گ	۱۰۰۰
خ	۱۹۰۰	خ	۱۰۰۰
د	۱۰۰۰	د	۱۰۰۰
ذ	۵۹۰۰	ذ	۱۰۰۰
ر	۲۵۰۰	ر	۱۰۰۰
ز	۴۰۰۰	ز	۱۰۰۰
س	۲۵۰۰	س	۱۰۰۰
ش	۴۰۰۰	ش	۱۰۰۰
ص	۱۹۰۰	ص	۱۰۰۰
ض	۱۰۰۰	ض	۱۰۰۰
ط	۵۹۰۰	ط	۱۰۰۰
ظ	۲۵۰۰	ظ	۱۰۰۰
ع	۴۰۰۰	ع	۱۰۰۰
غ	۲۵۰۰	غ	۱۰۰۰
ف	۱۹۰۰	ف	۱۰۰۰
ق	۱۰۰۰	ق	۱۰۰۰
ک	۵۹۰۰	ک	۱۰۰۰
گ	۴۰۰۰	گ	۱۰۰۰
خ	۱۹۰۰	خ	۱۰۰۰
د	۱۰۰۰	د	۱۰۰۰
ذ	۵۹۰۰	ذ	۱۰۰۰
ر	۲۵۰۰	ر	۱۰۰۰
ز	۴۰۰۰	ز	۱۰۰۰
س	۲۵۰۰	س	۱۰۰۰
ش	۴۰۰۰	ش	۱۰۰۰
ص	۱۹۰۰	ص	۱۰۰۰
ض	۱۰۰۰	ض	۱۰۰۰
ط	۵۹۰۰	ط	۱۰۰۰
ظ	۲۵۰		



# دعوی قدرت و خرید اسلحه از شوروی

# یادداشت‌های سیاسی هفتگی

لاهوری و شیخ علی شهبازی و دیگر روحانیون مخالف حزب را مدتی روحانی نما که "بامنافقان و صدآمویختنیا رخواستند" خوانند. در واقع دشنام‌های شدید فارسی به لیبیرا لها و عنا مردیگر که ادا می‌مان بر خورده‌های خشن هفته‌های گذشته دوجناح رقیب نسبت به یکدیگر است. نشان می‌دهد که حزب ولیبیرا لها، این دشمنان توده‌ها چگونه بر اشرافت می‌ارزیدند. این سخرانی‌ها با قدرت بجا نماند. این سخرانی‌ها با دیگر صحت نظرها که دعوی می‌مان این دوجناح نسبتوانندبا میثاقهای وحدت و... حل گردودبا او جگیری می‌ارزاد توده‌ها، شدیدتر نیز خواهد شد. نشان میدهد و تبلیغ انقلابیون است که با استفاده از تکرار برداشتن حاکمیت بر سر دعوی دوجناح ارتجاعی آلترنا تنوانقلابی راجاگترین سازند.

## نقمة خرید اسلحه از امپریالیسم روس

نکته مهم دیگر در سخنان فارسی تاکید ضمنی وی به ضرورت خرید اسلحه از روسیه بود. او با هزار تیرنگ میکوشید، خرید هتکفت اسلحه را بسود مردم ایران جلوه دهد. اما خلقهای قهرمان ما نسیک میداند که جمهوری اسلامی چگونه زحمتکشان ایران را غارت میکند و حاصل رنج آنها را به جیب امپریالیستهای غارتگری ریزد. آقای فارسی به میانه می‌ارزید با امپریالیسم صحبت از خریدهای کلان اسلحه میکند تا در کردستان خوش کودکان و زنان بیگناه را بمباران کند و در سراسر ایران، کارگران و زحمتکشان و انقلابیون را کشتار کند و نیز در جنگ ارتجاعی اش با مزدوران بعث عراق، بر سر صدور انقلاب اسلامی از ایران و با اروپا های عراق بزرگ صدام توده‌های ایران را مانند توده‌های عراق به گوشت دم‌توپ سرمایه داران بدل کند و از غارت زحمتکشان ما امپریالیستهای جنا بنگار را شروتمندتر نماید. آقای فارسی صحبت از سلاحهای میکند که کوبا و

بقیه در صفحه ۳۱

حزب جمهوری اسلامی مانند هر ارتجاع دیگری خاشاک توده‌ها را می‌فریبید، احساسات مذهبی-شان را به بازی میکشید و با استفاده از ناآگاهی-شان در بی تحکیم قدرت خویش است. توهم توده‌ها به آیت الله خمینی (که هر روز بیشتر در حال فروریختن است) برایش نعمتی است تا اینکه لرزان قدرت صدمردمی اش را بر آن تکیه زند. یکی از بزرگترین سوء استفاده‌های حزب از توده‌ها، کشیدن آنها به راهیمانی در جهت اهداف ارتجاعی است. روزهای خاص مذهبی که بخش زیادی از توده‌ها خود را مقید به شرکت در آن مراسم میکنند، بهانه مناسبی است تا حزب جمهوری "فوائد دنیائی" بسیاری از این مراسم ببرد. در راهیمانی هفته گذشته در روز ۲۴ ربیعین نیز، حزب جمهوری کوشید تا با زهم از خون حسین برای اهداف ارتجاعی استفاده کند. در همان هنگام که توده‌های ناآگاه بر سروروی خود می-کوبیدند و بدین ترتیب در درونج ستم طبقه‌ای را که زیر حاکمیت جمهوری اسلامی نیز ادا می-یافته است تسلی می بخشیدند و بدین ترتیب تخدیر میشدند، حزب جمهوری سخنگوی معلوم-الحال و معروفش جناب جلال الدین فارسی را گسیل داشت تا با استفاده از ناآگاهی و توهم توده‌ها، در تحکیم قدرت خویش بکوشد. طبیعی است مطالب فراوانی در "افاقات" فارسی میتوان یافت که ما بهیت صدام انقلابی را آشکار میکند اما ما فقط بدو نکته آن اشاره میکنیم.

**دعوی قدرت هم چنان ادامه دارد**  
سخرانی جلال الدین فارسی به نوعی یک مانور قدرت حزب جمهوری و دهن کجی به لیبیرا لها بود. فارسی کا ندیدای ریاست جمهوری حزب، فرد مورد تا کید حزب برای نخست وزیر و بلاخره نماینده پیشنه‌های برای وزارت امور خارجه بوده، که بنی صدمردمت با او مخالفت کرده است. حزب در میان شعارهای مربوط به روزا ربیعین فرماتده کل قوا، خمیبه، خمیبه "و وزیر خارجه فارسیه، فارسیه" را با فرمخالفت بیشتر با لیبیرا لها گنجانده بود. حزب با معرفی فارسی برای سخرانی در این روز میکوشید از یکسو تسلیغاتی به نفع فارسی بر آید و از سوی دیگر برای پذیرش فارسی بعنوان وزیر خارجه تحت فشار بگذارد و از طرف دیگر با سخرانی فارسی بر ضد لیبیرا لها، آنها جم کسترده اش را علیه آنها تا دوام بخشد. فارسی نیز در بی همین سیاست شدیداً به لیبیرا لها تاخت بنی مدررا و رنکسته سیاسی و دفتر همکارهای رئیس جمهور را آن گروه لیبیرال "نا مدکه به اتفاق" منافیین در مشهد به خاشاک دشنام داده اند. "بنی صدمردم و دیگر لیبیرا لها را به بیزید تشبیه کرد" و گفت هم-چنان که بیزید جرئت نداشت به حضرت محمد حمله کند، برای حمله به حضرت محمد خاندان علی حمله میکرد، لیبیرا لها نیز جرئت ندارد رندیسنه آیت الله خمینی حمله کند و در نتیجه به چهره‌های روحانیت مانند خاندانهای حمله میکند. او

## سالگرد تولد

## رفیق ماؤورا

## گرامی بداریم



## سال "نو" میلادی را تبریک میگوئیم

با درودهای پرشور کمونیستی به بیرونتان  
سراسر جهان و خلقهای تحت ستم و انقلابی که  
بیکار رجویا نه بر علیه امپریالیسم و ارتجاع  
مبارزه میکنند برای آنان نالی برآز بیروز ی  
و موفقیت در راه‌های از استعمار و استعمار و  
تلاش در راه انقلاب و سوسیالیسم آرزو میکنیم.

# مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست